

۱۳ مقاله‌ی سودمند

تألیف:

جمعی از نویسندگان

تهیه:

اسحاق دبیری رحمته

عنوان کتاب:

۱۳ مقاله‌ی سودمند

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

محقق یا مصحح:

اسحاق دبیری رحمته

موضوع:

مواعظ و حکمت‌ها

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری، ۱۴۳۷ قمری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- فرمانبرداری و نیکی به والدین (اطاعت از پدر و مادر)..... ۵
- اندر زنده خاموش..... ۱۲
- قبر..... ۱۲
- راه بدون بازگشت..... ۱۵
- پاک کنندگان گناهان..... ۲۰
- زنان دوزخی..... ۳۸
- ۱- آیا می دانید زنانی که زینت خود را نشان می دهند و خودنمایی می کنند و بد حجاب هستند چه گناهی دارند؟..... ۳۸
- ۲- درود بر شما، باز درود بر شما، مبارکتان باد حجاب شرعی ... ۴۱
- آیا صفات و ویژگی های حجاب شرعی را می دانید؟..... ۴۳
- اگر یکی از موارد زیر در شما موجود باشد از زنان خودنما و متبرج

- می‌باشید، پس به‌سوی خدا باز گرد و توبه کن ۴۴
- ده صنف از زنان مورد نفرت خدا و ملعون هستند ۴۵
- آنچه بر زنان حرام است و باید از آن بپرهیزند ۴۸
- موارد حرامی که معمولاً در بین زنان شایع است ۵۲
- از موارد و کارهای زیر بپرهیزید و جداً بر حذر باشید ۵۴
- قرآن سندی است یا به نفع شما، و یا بر علیه شما ۵۶**
- ذکر فضائل قرآن با استفاده از دلیل قرآن و سنت ۵۷
- ۲- انواع دوری، جدائی، رها کردن و قطع رابطه با قرآن: ۶۱
- ۳- فضائل سوره‌های معینی از قرآن ۶۲
- سوره الفاتحه: ۶۲
- سوره البقره: ۶۳
- سوره آل عمران: ۶۴
- سوره الکهف: ۶۴
- سوره ملک: ۶۴
- سوره الکافرون: ۶۵
- سوره اخلاص ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾: ۶۵
- سوره‌های معوذتین ۶۸
- ۴- فضائل آیات معینی از قرآن: ۶۹
- آیه الکرسی: ۶۹
- دو آیه آخر سوره البقره: ۷۰
- آداب و دستوراتی در باره قرآن کریم ۷۰
- سه برنامه ساده قرآنی برای ختم قرآن کریم ۷۴

دعا و ذکرهایی که مسلمان را دربرمی‌گیرد و محفوظ می‌نماید . ۷۶

- ذکرهای هنگام خواب و هنگام بیدار شدن ۷۶
- دعای هنگام بیدار شدن از خواب در شب ۷۷
- دعا و ذکر هنگام بیدار شدن از خواب «در صبح» ۷۸
- ذکرهای هنگام اذان گفتن ۷۸
- ذکرهای گوناگون ۷۹
- ذکرهای صبح و شام «عصر یا غروب» ۸۱
- ذکرهای بعد از سلام دادن «پایان» نمازهای واجب ۸۴
- فضائل بعضی از سوره‌های و آیات قرآن ۸۷
- افسون و دعاهای شرعی برای بیماری و چشم بد و سحر ۸۷
- اذکار «ذکرهای» متنوع و گوناگون ۸۸
- ذکرهای مهم «عظیم» ۹۱

خانواده ناپاکیها مسکرات و مخدرات «مواد مخدر» ره‌آورد استعمار

- ۹۳
- مسکرات و مخدرات «مواد مخدر» زندگی را بر باد می‌دهد..... ۹۳
- مسکرات «مست کننده‌ها» تو را بسوی هر جرم و جنایتی
می‌کشانند ۹۴
- تشفیط راهی است بسوی دیوانگی ۹۵
- معسل و قلیان راه تو بسوی سرطان ۱۰۳
- این خبائث و مواد ناپاک از کجا به میان ما آمده‌اند ۱۰۳
- خانواده خبیثه‌ای که جامعه ما را به نابودی می‌کشاند ۱۰۴
- داستان مرگ آن جوان چیست؟ چگونه است؟ ۱۰۵

- مصرف سیگار بزرگ‌ترین قاتل ماست..... ۱۰۵
- نزدیکترین راه بسوی بهشت..... ۱۰۶
- از شما برادر عزیز سؤال می‌کنم: که آیا بهشت را می‌خواهی؟... ۱۰۶
- خاتمه..... ۱۰۸
- غمگین مباش دعاهایی که غم و غصه و اندوه را برطرف می‌کند ۱۰۹
- دعاهایی که غم و غصه و اندوه را از بین می‌برد..... ۱۰۹
- دروازه بديها يا كليلد گناهان كليلره..... ۱۱۳
- خاتمه..... ۱۲۶
- آيا مي‌داني مفلس كيست؟..... ۱۲۷
- چرا صحابه را دوست داريم؟..... ۱۳۴
- مهاجرین:..... ۱۴۲
- انصار:..... ۱۴۳

فرمانبرداری و نیکی به والدین

(اطاعت از پدر و مادر)

فضیلت و آداب آن

ترجمه:

بر الوالدین - فضله و آدابه

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده نبينا محمد وعلى آله وصحبه، أما بعد.

سپاس برای خدای یکتا، درود و سلام بر خاتم پیغمبران محمد ﷺ آل و اصحاب او باد.

برادر و خواهر مسلمان! بدان که همانا حق پدر و مادر «والدین» بسیار بزرگ و شأن و منزلت آن‌ها در دین بسیار مورد توجه است. سپاسگزاری از آنان برابر است با سپاسگزاری و شکرگزاری خدای عزوجل و نیکی کردن به آن‌ها نزد خدا از محبوب‌ترین و بهترین کارهاست. هیچ احدی منکر فضل، بزرگی و منزلت والای آن‌ها در دل‌ها نیست. چه بسیار عظوفت و رحم و رعایت‌ها که فرزندان از پدران و مادران‌شان بدست آورده‌اند. شب‌های شب بیدار ماندند تا فرزندشان بخواب برود.

رنج‌ها را بخاطر آسایش وی متحمل شدند. تلاش‌ها نمودند تا وی خوشبخت و سعادتمند شود، عمرشان را فدا نمودند تا زیبایی و طراوت عمر فرزند زنده بماند.

چه بسیار حقوقی که دارند و چه بسیار نیکی و احترام که برای‌شان لازم است!

نیکی و خدمت به پدر و مادر وظیفه‌ایست که فرزندان خوش رفتار، فهمیده و فرزانه آن را بعهده می‌گیرند. آنهاییکه راه فرمانبرداری و اطاعت، جوانمردی و مروت را می‌شناسند، و برای بدست آوردن سعادت در دنیا و آخرت تلاش می‌نمایند، فرزندانی که ارزش فرمان‌برداری و خدمت را می‌دانند، و نزد آنان تربیتی که از والدین خود گرفته‌اند مثمر ثمر واقع شده، و «هم‌اکنون دوران استفاده پدر و مادر از ثمره آن است».

برادر و خواهر مسلمان! بدانکه فرمانبرداری و نیکی به پدر و مادر نزد خداوند از محبوب‌ترین اعمال است. عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید: «سألت النبي ﷺ أي العمل أحب الله؟ قال: الصلاة على وقتها. قال: ثم أي؟ قال: بر الوالدين. قال: ثم أي؟ قال: الجهاد في سبيل الله». (البخاری و مسلم). «از پیامبر ﷺ سوال نمودم چه عملی نزد خدا محبوب‌تر و دوست داشتنی‌تر است. فرمود نماز در وقت، گفت: بعد از آن کدام عمل؟ فرمود: نیکی کردن و فرمانبرداری پدر و مادر. گفت: بعد از آن؟ فرمود: جهاد در راه خدا».

نیکی و فرمانبرداری پدر و مادر راهی است بسوی بهشت: رسول الله ﷺ فرمودند: «رغم أنف، ثم رغم أنف، ثم رغم أنف، قيل من يا رسول الله؟ قال: من أدرك أبويه عند الكبر أحدهما أو كليهما فلم يدخل الجنة». (مسلم).

دماغش با حالت خواری بر خاک خورد «خاک برسرش» باز خاک بر سرش، باز خاک برسرش، عرض کردند چه کسی یا رسول الله؟ فرمود: کسی که یکی از پدر و مادرش یا هر دوی آن‌ها را در سن پیری درک کند، و کاری

نکنند که به بهشت برود. «یعنی آنچه لازم است در حق آنان نیکی و خدمتگذاری نکند و در اثر این کاخهای بهشت را از دست بدهد».

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «الوالد أوسط أبواب الجنة فإن شئت فأضع ذلك الباب، أو أحفظه». (أحمد، ترمذی، ابن ماجه و آلبنانی آنرا در صحیح الترغیب صحیح دانسته است). «پدر و مادر بهترین و بالاترین، درهای بهشت می‌باشند پس اگر می‌خواهی وارد آن شوی مراقب آن در باش «به پدر و مادرت نیکی، و از آنان نافرمانی مکن» و یا آن در را «در اثر آزار و نافرمانی آنان» از دست بده و ضایع گردان.»

نیکی نسبت به پدر و مادر موجب زیادی عمر و فزونی و رونقی رزق و روزی می‌شود.

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَمُدَّ لَهُ فِي عُمُرِهِ وَيُزَادَ فِي رِزْقِهِ، فَيَبْرَ وَالِدَيْهِ وَلِيَصِلَ رَحْمَةً». (صحیح الترغیب: ۲۴۸۸). «کسی که دوست دارد در دنیا عمرش طولانی و با برکت، و رزق و روزی‌اش افزون گردد «فزونی یابد» به پدر و مادر خویش نیکی کند، و صله رحم «رفت و آمد فامیل نزدیک» انجام دهد».

و اینک آدابی چند درباره رفتار با پدر و مادر که رعایت آن‌ها لازم و ضروری است تا شاید که اندکی از دین و بدهکاری خود نسبت به آنان ادا کرده. و قسمتی از آنچه که خداوند نسبت به آنان بر ما واجب گردانیده بجا بیاوریم تا که خدایمان را راضی، روحمان را شاد، زندگیمان را شیرین، و کارهایمان را آسان نموده و خداوند عمرمان را پر برکت نماید.

۱- پیروی و فرمانبرداری از آن‌ها و اجتناب و پرهیز از نافرمانی آنان: بر مسلمان فرض و واجب است که از پدر و مادرش فرمانبرداری نموده، و از نافرمانی آن‌ها بپرهیزد، و اطاعت آن‌ها را بجز شوهر که اطاعت و فرمانبرداری او مقدم بر اطاعت از پدر و مادر است بر

اطاعت هر فرد دیگری مقدم دارد. مادامیکه بر معصیت و نافرمانی خدا و رسولش دستور ندهند. «یعنی اطاعت از والدین در معصیت خداوند جائز نیست. مثلاً چنانچه پدر و مادر به کفر و الحاد یا نافرمانی خدا دستور دادند بر فرزند لازم است که به احسان و نیکی خود نسبت به آنان تداوم بخشد، اما در معصیت و نافرمانی از اوامر و دستورات خدا از آنان اطاعت ننماید».

۲- نیکی نمودن به آنها: هم بوسیله گفتار، و هم بوسیله کردار «به قول و عمل و به هر وسیله ممکن».

۳- فروتنی و تواضع: بوسیله فروتنی و تواضع نسبت به آنها و انجام دادن کارهایشان «خم شدن برای کارهایشان».

۴- دوری از داد زدن بر سر آنها: بوسیله کلام ملایم و آرام سخن گفتن با آنها، مهربانی کردن به هنگام صحبت و گفتگو، و پرهیز از هر نوع درستی و فریاد زدن بر سر آنها.

۵- گوش دادن به آنها: بوسیله رو کردن به آنها هنگام صحبت کردن آنها، و ترک قطع نمودن حرف‌ها و کشمکش با آنها، و پرهیز از هر نوع تکذیب و یا رد نمودن حرفهایشان.

۶- خشنود و شاد شدن بدستورات آنها: ترک اظهار اندوه و بستوه آمدن و دلتنگ شدن از دست آنها همانطور که خداوند می‌فرماید: ﴿فَلَا تَقُلْ لَهُمْ آفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا﴾ [الإسراء: ۲۳]. «کم‌ترین اهانتی به آنها روا مدار (به آنها اف مگو)! و بر آنها فریاد مزن».

یعنی کلمه اف «وای و آه» را که علامت اظهار ناراحتی و بیانگر دلتنگی است بر سر زبان نیارید، تا ثابت شود که به دستورات آنها خوشحال و مسرور هستید.

۷- گشاده روئی در حق آنها: بوسیله روبرو شدن با آنان با فراخی و خوشرویی و دوری و پرهیز از اخم کردن و ترشرویی.

۸- اظهار دوستی و محبت به آنها: بوسیله سلام کردن به آنها، دستبوسی و روبوسی آنان و جادادن به آنها در مجلس.

۹- با ادب و احترام نشستن در مقابل آنها: بوسیله درست نشستن و پرهیز از هر چه که آنها فکر کنند اهانت و بی‌احترامی به آنها است. مانند دراز کشیدن، با خنده پیر صدا بحضور آنان دراز کشیدن و برهنه شدن. اشتغال به منکرات نزد آنان و غیر اینها که منافی ادب و احترام باشد.

۱۰- پرهیز از منت گذاشتن و به رخ کشیدن بخشش و یا خدمتی که نسبت به آنها انجام می‌دهید: منت گذاردن، احساس و نیکی انسان را به هدر می‌دهد، و از عیب‌های اخلاق است، و زشتی آن هنگامی بیشتر می‌شود که در حق پدر و مادر باشد.

۱۱- مقدم داشتن حق مادر «بر پدر به هنگام انتخاب یکی از آن دو»: از مواردی که باز رعایت آن لازم است مقدم داشتن نیکی و فرمانبرداری در حق مادر بر فرمانبرداری و توجه به پدر است. و آن بخاطر حدیث پیامبر است.

«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي؟ قَالَ: «أُمُّكَ». قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «ثُمَّ أُمُّكَ». قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «ثُمَّ أُمُّكَ». قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «ثُمَّ أَبُوكَ». (البخاری: ۵۹۷۱).

«ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: شخصی نزد رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: چه کسی برای خوش رفتاری من از دیگران، مستحق‌تر است؟ فرمود: «مادرت». گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: «مادرت». گفت: بعد از او چه کسی؟ فرمود: «باز هم مادرت». پرسید: پس از او چه کسی؟ فرمود: «بعد از او پدرت».

۱۲- عادت دادن فرزندان به نیکی کردن و فرمانبرداری: بطوریکه مرد خانه الگوی آنان شده و در حدّ امکان برای تقویت و تشبیت علاقه بین فرزندان خود و پدر و مادرش تلاش نماید.

۱۳- اجازه خواستن از آن‌ها و کمک گرفتن از رأی و اندیشه آنان: چه برای سفر با دوستان به صحرا، یا در سفر خارج شهر برای تحصیل و غیر آن، یا برای خارج شدن از منزل و اقامت در بیرون آن، اگر چنانچه اجازه دادند که خوب، و الاً در صورتیکه اجازه نداد باید کوتاه آمد و آنچه را می‌خواست انجام دهد ترک کند «که خیر در آن است» بخصوص اگر تدبیر و رأی آنان مستدل و یا از روی دانش و فهم باشد.

برادر و خواهر مسلمان بدانکه نافرمانی و آزردهن پدر و مادر: انکار و تکذیب نیکوئی و فضل، نمک شناسی و دلیل حماقت و نادانی و فرومایگی است.

نافرمانی و آزردهن نشانه‌های متعدد صورت‌های گوناگونی دارد که بعضی از آن‌ها بدین شرح است:

* گریاندن و اندوهگین نمودن آنان: داد زدن و درشتی نمودن با آنها، اظهار اندوه و دل‌تنگ شدن و بستوه آمدن از دستورات آنها، نگاه خشمگینانه به آنان، اخم کردن بر رویشان. ترک همکاری و کمک به آنها، کم اهمیت شمردن رأی آنان، طعنه زدن و نکوهش آنان.

* باز از گونه‌های نافرمانیست: بخیل بودن و خست و سخت‌گیری از لحاظ نفقه و مخارج بر آنها، دوری گزیدن و ترک دوستی و نصیحت آنان، مقدم داشتن فرمانبرداری و اطاعت همسر و فرزندان بر اطاعت آنان.

* باز از گونه‌های نافرمانی و آزار آن‌ها است: رها کردن و تنها گذاشتن آنان به هنگام نیاز و پیری و بیزاری جستن از آنان، پرهیز از یاد کردن و نام بردن و نسبت دادن خود به آن‌ها که این از بزرگ‌ترین نافرمانی‌هاست.

* باز از گونه‌های سرپیچی و نافرمانیست: دور شدن و جدایی و ترک آنان در دوران پیری و مراقبت. به هنگام مریضی و فقیر بودن‌شان آرزوی نابود شدن آنان، و خلاصی یافتن از دست‌شان.

* باز از گونه‌های نافرمانی و آزار والدین است: دزدی از آنان، تجاوز به حریم شخصیت آنان بوسیله ضرب و شتم، و یا منت گذاردن و به رخ کشیدن چیزی که به آن‌ها تقدیم کرده‌ای، یا اشتغال به کارهای زشت نزد آنان، و یا روی گرداندن با حالت تنفر به هنگام سخن گفتن آنان.

آنچه ذکر شد قسمتی از مظاهر و گونه‌های نافرمانی و آزار والدین است. پس چه دور است خیر و نیکی از کسیکه پدر و مادرش را آزار دهد، و چه عاقبت و کیفر بدی در انتظار اوست. شر و بدی چه زود به سراغش می‌آید، و این «عاقبت بد» امری است محسوس و قابل رؤیت که همه مردم می‌دانند و با چشم سر آن را دیده و داستان‌های متعددی را از مردمانی که به سبب نافرمای و آزار والدین به کیفر اعمال خود رسیده و خوار و ذلیل شده‌اند، شنیده‌اند.

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله و صحبه أجمعین.

اندرزدهنده خاموش

ترجمه:

الواعظ الصامت

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده نبينا محمد وعلى آله وصحبه، أما بعد:

سپاس و ستایش خدای یکتا را، درود و سلام خدا بر محمد ﷺ و آل و أصحاب او خاتم پیغمبران اما بعد.

قبر

قبر خانه تنهایی، سرای ترس و دلتنگی، زادگاه و موطن تاریکی است، ملازم آن در بیخوابی، و ساکن آن در خاموشی. یار و همدم وی، ناله و فریاد، خونا به کرم است. خانه مردگان، جای حسرت و افسوس و غصه‌هاست.

قبر: پیامبر درباره‌اش فرمودند: «إِنَّ الْقَبْرَ أَوْلُ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ فَإِنَّ نَجِي مَنَهُ فَمَا بَعْدَهُ أَيْسَرُ مِنْهُ، وَإِنْ لَمْ يَنْجِ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَشَدُّ مِنْهُ». (الترمذی). «قبر اولین منزل از منازل آخرت است. پس اگر فرد از آن نجات یافت بعد از آن (دنباله آن) آسان‌تر است. و اگر از آن رستگار نشد بعد از آن سخت‌تر است».

باز پیامبر ﷺ در درباره آن فرموده: «ما رأیت منظراً قط إلاً والقبر أفضح منه». (صحيح الترغيب والترهيب). «هرگز منظر وحشتناکی ندیدم، مگر اینکه قبر وحشتناک‌تر از آن است».

قبر خانه‌ای است که بعد چند لحظه یا چند ساعت و یا چند سال دیگر بطرف آن کوچ خواهی نمود، و مسلمان شکی در آمدن این لحظه را ندارد. قبر: منظره‌ایست که با آن دل‌ها نرم، و چشم‌ها گریان می‌شوند. انسان را نسبت به دنیا بی‌علاقه، و به آخرت ترغیب و علاقه‌مند می‌نماید. یادآور مرگ، در هم کوبنده لذات و خوشیها. جدائی‌کننده جمعیت‌هاست. پند و عبرت و بیداری از غفلت را یاد می‌دهد.

قبر: با بی‌صدایی زندگان را پند می‌دهد. تا آینده را بیاد آورند و بیشتر برای آخرت و معاد آماده شوند. پیامبر ﷺ فرمود: «كنت نهيتكم عن زيارة القبور فزوروها فإنها تذكركم الآخرة». «شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم. از این به بعد آن‌ها را زیارت کنید. «به زیارت قبرها بروید» چون یادآور آخرت است».

در آنجا قبر می‌پرسد کجاست ثروت و سامان؟ کجاست زیبایی و فرزندگی؟ تندرستی و نیرو کجاست؟ بیماری و ناتوانی «سستی» کجاست؟ کجاست توانایی و قدرت؟ سلطه و عظمت کجاست؟ تضرع و فروتنی یا خواری کجایند؟ آری قطعاً قبر جسم‌های نازک و توانگری را که همواره در نعمت بودند و بوی عطر از آن‌ها برمی‌خواست می‌فشارد. و چه کاری که با آن‌ها می‌کند؟!.

در داخل قبر چهره‌های فریبنده، دست‌های ستمکار، زبان‌های دروغگو، چشم‌های خائن و دل‌های سیاه به استخوان‌های پوسیده تبدیل می‌شوند. و بجز اعمالی که صاحب قبر پیش از خود فرستاده چیزی باقی نمی‌ماند «تنها کارهای نیک انسان در دنیا است که در قبر بداد او می‌آید».

عذاب قبر: پیامبر ﷺ هیچ نمازی را نمی‌خواند مگر آنکه در آن نماز از عذاب قبر بخدا پناه می‌برد. و می‌فرمود: «إِذَا فَرَغَ أَحَدُكُمْ مِنَ التَّشْهَدِ الْأَخِيرِ فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ أَرْبَعٍ: مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الرَّجَالِ». (ابن ماجه). «هرگاه در نماز به آخر تشهد دوم رسیدید «قبل از سلام کردن» از چهار چیز به خدا پناه برید: ۱- از عذاب جهنم، ۲- عذاب قبر، ۳- فتنه زنده‌ها و مرده‌ها، ۴- و فتنه دجال».

پیامبر ﷺ به اصحاب و یاران خود می‌فرمود: «استعینوا بالله من عذاب القبر فَإِنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ حَقٌّ». (أحمد). «از عذاب قبر بخدا پناه ببرید، همانا عذاب قبر حق است».

و پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ الْقُبُورَ مَمْلُوءَةً ظَلَمَةٌ عَلَى أَهْلِهَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَنْوِّرُهَا لَهُمْ بِصَلَاتِي عَلَيْهِمْ». (مسلم). «همانا این قبرستان‌ها بر ساکنینش بسیار تاریک است. خداوند عَزَّ وَجَلَّ بوسیله دعای من برایشان آن را روشن و نورانی می‌گرداند».

برادر و خواهر جان: قبر همان اندرز دهنده ساکت است. اندرزها و پندهای آن را شنیدی حال چه چیزی برایش مهیا نموده‌ای؟ آیا کردار نیک و عمل صالحی که شما را از ترس و عذاب آن نجات دهد برای داخل قبر آماده نموده‌ای؟ یا اینکه بی‌خبری از اینکه روزی به آنجا خواهی رفت. برادر و خواهرم بهتر است خود را برای آن روز آماده کنی «توشه‌ای برای آن روز داشته باشی» تو می‌توانی کارهای نیک انجام دهی و نیک باشی. باقیمانده عمر خود را غنیمت شمار. این زندگی فرصتی است برای نجات «در آنجا»، برخیز و کمر همت ببند و تصمیم بگیر که از این به بعد نیک باشی و نیکی کنی. قبل از اینکه به هنگام مرگ پشیمان و شرمنده شوی که فایده‌ای ندارد.

راه بدون بازگشت

ترجمه:

ذهاب بلا عوده

تالیف: ابو عبدالرحمن

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده نبينا محمد وعلى آله

وصحبه، أما بعد:

ناگهان خبر می‌رسد که فلانی فوت کرد:

«عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: كان النبي صلى الله عليه وآله يقول: إذا وُضعت الجنازة

فاحتملها الرجال على أعناقهم فإن كانت صالحية قالت قد موني وإن كانت غير

صالحية قالت لأهلها يا ويلها أين تذهبون بها، يسمع صوتها كل شيء إلا

الإنسان، ولو سمع الإنسان لصعق». (البخاری). «از ابو سعيد خدری رضي الله عنه روایت

شده که پیامبر صلى الله عليه وآله می‌فرمود هرگاه جنازه‌ای را گذاشتند و برای قبرستان آماده

شد. مردم آن را بر دوش خود حمل می‌کنند. اگر صالح و نیکوکار باشد می‌گوید:

مرا به جلو ببرید، و اگر آدم بدی باشد به خانواده‌اش می‌گوید: وای بر او کجایش

می‌برید «چه عذابی در انتظار او است». صدای این فریاد را بجز انسان همه چیز

می‌شنود، و اگر انسان آن را بشنود بیهوش خواهد شد.»

بعد از انسان چه چیزهایی بر جای می‌ماند: «قال النبي ﷺ يتبع الميت ثلاثة: أهله وماله وعمله: فيرجع اثنان ويبقى واحد، يرجع أهله وماله ويبقى عمله». (متفق علیه). «رسول الله ﷺ می‌فرماید: سه چیز بعد از مرده به او ملحق می‌شود. خانواده، ثروت و مال، و اعمال وی، سپس دو مورد آن باز می‌گردند و یکی از آن‌ها باقی می‌ماند و «با او وارد قبر می‌شود» خانواده و ثروت او بر می‌گردند، و عمل وی همراه اوست».

موعظه

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضي الله عنه قَالَ: خَطَّ النَّبِيُّ ﷺ خَطًّا مُرَبَّعًا، وَخَطَّ خَطًّا فِي الْوَسْطِ خَارِجًا مِنْهُ، وَخَطَّ خَطًّا صِغَارًا إِلَى هَذَا الَّذِي فِي الْوَسْطِ مِنْ جَانِبِهِ الَّذِي فِي الْوَسْطِ، وَقَالَ: «هَذَا الْإِنْسَانُ، وَهَذَا أَجَلُهُ مُحِيطٌ بِهِ، أَوْ قَدْ أَحَاطَ بِهِ، وَهَذَا الَّذِي هُوَ خَارِجٌ: أَمَلُهُ، وَهَذِهِ الْخُطُوطُ الصِّغَارُ: الْأَعْرَاضُ، فَإِنْ أَخْطَأَهُ هَذَا، نَهَشَهُ هَذَا، وَإِنْ أَخْطَأَهُ هَذَا، نَهَشَهُ هَذَا». (بخاری: ۶۴۱۷). «عبدالله بن مسعود رضي الله عنه می‌گوید: نبی

اکرم ﷺ مربعی رسم کرد و خطی هم از وسط آن، رسم نمود طوری که از آن، خارج می‌شد. و پیرامون آن قسمت از این خط که داخل مربع، قرار داشت، خط‌های کوچکی رسم نمود که به سوی آن، در حال حرکت بودند و فرمود: «این خط که داخل مربع قرار دارد، انسان است. و این مربع، اجل اوست که وی را احاطه کرده است. این خط که خارج از مربع، قرار دارد، آرزوهایش می‌باشند. و این خط‌های کوچک، مسائل و مشکلات‌اش هستند. اگر انسان از یکی از این‌ها نجات پیدا کند، به دام دیگری می‌افتد. و اگر از دومی، نجات پیدا کند، به دام آن یکی دیگر، خواهد افتاد».

	تصادف	زلزله	سرطان
	حادثه	آدمی	
اجل			آمل و

اجل

شکل مربع برابر حدیث فوق

«عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُنَّا فِي جَنَازَةٍ فِي بَقِيعِ الْعُرْقَدِ، فَأَتَانَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَعَدَ وَقَعَدْنَا حَوْلَهُ، وَمَعَهُ مِحْصَرَةٌ، فَنَكَّسَ فَجَعَلَ يَنْكُتُ بِمِخْصَرَتِهِ، ثُمَّ قَالَ: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ، مَا مِنْ نَفْسٍ مَنْفُوسَةٍ، إِلَّا كُتِبَ مَكَانُهَا مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَإِلَّا قَدْ كُتِبَ: شَقِيَّةٌ أَوْ سَعِيدَةٌ». فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَلَا نَتَّكِلُ عَلَى كِتَابِنَا وَنَدْعُ الْعَمَلَ، فَمَنْ كَانَ مِنَّا مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ فَسَيَصِيرُ إِلَى عَمَلِ أَهْلِ السَّعَادَةِ، وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَّا مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ فَسَيَصِيرُ إِلَى عَمَلِ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ، قَالَ: «أَمَّا أَهْلُ السَّعَادَةِ فَيَبْسُرُونَ لِعَمَلِ السَّعَادَةِ، وَأَمَّا أَهْلُ الشَّقَاوَةِ فَيَبْسُرُونَ لِعَمَلِ الشَّقَاوَةِ». ثُمَّ قَرَأَ: ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ﴿٦﴾ فَسَنِيبَهُ

لِلْيُسْرَى ﴿٧﴾﴾ [اللیل: ۵-۷]. (بخاری: ۱۳۶۲). «علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: برای تشییع جنازه‌ای به قبرستان بقیع غرقد، رفته بودیم. رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تشریف آورد و نشست. ما نیز اطراف او نشستیم. رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که عصایی در دست داشت و نوک آن را آهسته بر زمین می زد، فرمود: «کسی در میان شما نیست و اصلا هیچ انسانی وجود ندارد، مگر اینکه جایگاهش در بهشت و دوزخ، معین شده و سعادت و شقاوتش، تعیین گردیده است». یکی عرض کرد: ای رسول خدا! پس چرا عمل را کنار نگذاریم و به تقدیر خود، توکل نکنیم؟ زیرا هر کدام از ما، اهل سعادت باشد، خود به خود بسوی عمل اهل سعادت، می‌رود و اگر، اهل شقاوت باشد، به‌سوی عمل اهل شقاوت می‌رود».

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «چنین نیست، برای اهل سعادت، انجام اعمال نیک، آسان می‌شود، و برای اهل شقاوت، ارتکاب اعمال بد، آسان می‌گردد». سپس، آنحضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این آیه را تلاوت فرمود: ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ﴿٦﴾ فَسَنِيبَهُهُ لِّلْيُسْرَى ﴿٧﴾﴾ [اللیل: ۵-۷]. «اما آن کس که (در راه خدا) انفاق کند و پرهیزکاری پیش گیرد. و جزای نیک (الهی) را تصدیق کند. ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم».

و در روایتی: «كُلُّ يَعْْمَلُ لِمَا خُلِقَ لَهُ أَوْ لِمَا يُسَّرُ لَهُ». (بخاری: ۶۵۹۶).

«هرکس، عملی را انجام می‌دهد که برای آن، آفریده شده است. و یا هرکس، همان کاری را انجام می‌دهد که برایش میسر است».

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ﴾ [آل عمران: ۱۸۵].

«هر کسی مرگ را می‌چشد؛ و شما پاداش خود را بطور کامل در روز قیامت خواهید گرفت؛ آن‌ها که از آتش (دوزخ) دور شده، و به بهشت وارد شوند نجات یافته و رستگار شده‌اند و زندگی دنیا، چیزی جز سرمایه فریب نیست».

«آری آدمی که فوت کرد مردم جنازه او را بر دوش خود حمل و او را به خاک می‌سپارند». بعد از آن چه؟ همه چیز خاتمه یافت مردم به قبر تو پشت کرده «و بطرف خانه‌هایشان بر می‌گردند و تو صدای کفش‌های آن‌ها را می‌شنوی چند روزی خانواده‌ات در سوگ تو گریه می‌کنند و سپس تو را از یاد می‌برند.

تو تنها میمانی. حال فکر کن که اگر دوباره برانگیخته شدی و از قبر برخاستی چه چیزی را آرزو می‌کنی؟ سیگار؟ خلافتکاری و مزاحمت؟ آواز و ترانه؟ آرایش و خودنمایی، یا طاعت و عبادت؟ به خود فکر کن، و این‌ها را در نظر بیاور. بیاد بیاور که در قبر از اعمال و کردارت سوال می‌شود. چه آورده‌ای؟ آن وقت چه پاسخی خواهی داد؟ (۲۰) ترانه، (۶۰) فیلم، هزاران سیگار. یا نمازها و دعا و صلواتی که بدادت می‌رسند، و اعمال صالحی که از آن بهره‌مند شوی و بتو نفع رسانند. «كُفِيَ بِالْمَوْتِ وَعَظًا». مرگ بعنوان موعظه و پند کافی است. برای این سفر «بدون بازگشت» زاد و توشه آماده کن همانا بحقیقت بهترین توشه تقواست. ﴿فَإِنَّ خَيْرَ الْزَادِ الْقُتُوبِ﴾ [البقرة: ۱۹۷]. «که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است».

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا

يُظَلِّمُونَ ﴿٢٨١﴾ [البقرة: ٢٨١].

«و از روزی بپرهیزید (و بترسید) که در آن روز، شما را به سوی خدا بازمی‌گردانند؛ سپس به هر کس، آنچه انجام داده، به طور کامل باز پس داده می‌شود، و به آن‌ها ستم نخواهد شد. (چون هر چه می‌بینند، نتایج اعمال خودشان است)».

توضیح:

بقیع قبرستانی است در مدینه و به جایی گفته می‌شود که در آن درختان و گیاهان گوناگون باشد.

بقیع الغرقد: که در حدیث آمده چون در آن قبرستان گیاهی بنام غرقد زیاد است به بقیع غرقد مشهور است.

غرقد نام گیاهی است که به فارسی دیوچار نام دارد. گیاهی است دارای برگ‌های کامل و به رنگ‌های سفید و بنفش و قرمز و صورتی و زرد دیده می‌شود و (۷۰) گونه از آن شناخته شده است. که همگی در نواحی گرم و معتدل می‌رویند.

(فرهنگ معین جلد دوم).

پاک کنندگان گناهان

خصلت‌هایی که خطا و گناهان را محو می‌کند

ترجمه:

مذهبات السيئات

تأليف:

صالح بن عبدالله الصياح

(مطالب زیر) تو را بسوی کارهایی هدایت می‌کند که گناهان را محو، و از

بین می‌برد.

۱- ترک شرک: «قال الله تبارك وتعالى: يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ لَقَيْتَنِي بِمِثْلِ الْأَرْضِ

خَطَايَا لَا تَشْرِكُ بِي شَيْئًا لَقَيْتُكَ بِمِلءِ الْأَرْضِ مَغْفِرَةً». (مسلم).

«پیامبر ﷺ می‌فرماید: که خداوند «در حدیث قدسی» فرموده: ای بنی

آدم اگر به اندازه کره زمین خطا و گناه داشته اما شریکی برایم قائل

نشده باشی شما را با دنیایی از گذشت و مغفرت بحضور می‌پذیرم».

۲- نماز پنجگانه، و نماز جمعه: «الصلوات الخمس والجمعة إلى

الجمعة مكفرات لما بينهن إذا اجتنبت الكبائر، ما من امرئ

مسلم تحضره صلاة مكتوبة فيحسن وضوءها وخشوعها وركوعها إلاَّ

كانت كفارة لما قبلها من الذنوب ما لم يؤت كبيرة وذلك الدهر كله». (البخاری). «رسول الله ﷺ می فرماید: ادای نمازهای پنجگانه و نماز جمعه تا جمعه بعد، کفاره گناهان (صغیره) فاصله بین خود می باشند بشرطیکه از گناهان کبیره پرهیز شود. هر مسلمانی که به هنگام آمدن وقت نماز مرتب و کامل وضو بگیرد، و رکوع و سجود را نیکو بجا آورد، و خاشع و خاضع باشد. بشرطیکه بسوی گناهان کبیره نرود نمازهایش برای همیشه کفاره گناهان گذشته او خواهد بود».

نماز: عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رضی الله عنه: أَنَّ رَجُلًا أَصَابَ مِنْ امْرَأَةٍ قُبْلَةً، فَأَتَى النَّبِيَّ ﷺ فَأَخْبَرَهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ ﻋَلَيْهِ: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنْ أَيْلٍ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ [هود: ۱۱۴] قَالَ الرَّجُلُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِيَّيْ هَذَا؟ قَالَ: «لَجَمِيعِ أُمَّتِي كُلِّهِمْ». (بخاری: ۵۲۶). «ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: شخصی زنی را بوسید. بعد از آن، خدمت رسول الله ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! مرتکب چنین خطایی شده‌ام، تکلیف چیست؟ آنگاه، خداوند این آیه را نازل فرمود: «در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیئات (و آثار آن‌ها را) از بین می‌برند». آن شخص، سؤال کرد: ای رسول الله! آیا این حکم، ویژه من است؟ رسول الله ﷺ فرمود: «خیر، بلکه شمال حال همه‌ی امت من است».

۳- انجام دادن دو رکعت با خشوع: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ تَوَضَّأَ حَوْوً وَضُوءِي هَذَا ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ لَا يُحَدِّثُ فِيهِمَا نَفْسَهُ غُفْرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ دَنْبِهِ». (بخاری: ۱۵۹). «رسول الله ﷺ فرموده است: «هرکس، مانند این وضوی من، وضو بگیرد و با اخلاص، دو رکعت نماز بخواند، خداوند تمام گناهان گذشته‌اش را مورد عفو قرار خواهد داد».

۴- روزه: «فِتْنَةُ الرَّجُلِ فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ وَوَالِدِهِ وَجَارِهِ تُكْفَرُهَا الصَّلَاةُ

وَالصَّوْمُ وَالصَّدَقَةُ وَالْأَمْرُ وَالنَّهْيُ». (بخاری: ۵۲۵). «فتنه‌هایی که دامن‌گیر مرد از ناحیه زن، فرزند، ثروت و همسایه می‌شود به وسیله نماز، روزه، صدقه، و امر به معروف و نهی از منکر از بین خواهند رفت».

۵- روزه ماه رمضان: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخاری: ۳۸). رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که ماه رمضان را از روی ایمان و برای حصول اجر و پاداش، روزه بگیرد، گناهان گذشته‌اش، آمرزیده می‌شوند».

۶- قیام رمضان «تروایح» «مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخاری: ۳۷). پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هر کس، ماه مبارک رمضان را بقصد حصول ثواب، در عبادت بگذراند، تمام گناهان گذشته‌اش، مورد عفو قرار خواهند گرفت».

۷- بیداری و برپاداشتن شب‌های قدر: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ يَقُمْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخاری: ۳۵). از ابو هریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «هر کس، شب قدر را بقصد ثواب، زنده نگاه دارد، (یعنی آن شب را در عبادت و بندگی بسر برد)، همه گناهان گذشته‌اش، مورد عفو قرار خواهند گرفت».

۸- روزه روز عرفه، «روز قبل از عید»، «صیام یوم عرفة أحتسب علی الله أن یكفر السنة التي قبله والسنة التي بعده». (الترمذی و ابن‌ما‌جه و الحاکم). «پیامبر ﷺ می‌فرماید: روزه روز عرفه کفاره گناهان سال قبل و سال بعد از خود می‌باشد».

۹- روزه روز (۱۰) ماه محرم «عاشورا» «صیام یوم عاشوراء أحتسب علی

اللَّهِ أَنْ يُكْفِّرَ السَّنَةَ الَّتِي قَلْبُهَا». (أبو داود، ترمذی، ابن ماجه وحاكم). «روزه عاشورا» (روز دهم ماه محرم) كفاره گناهان سال قبل از خود است».

۱۰- صدقه: «الصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الحَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ النَّارَ النَّارُ».

(الترمذی). «صدقه گناهان را محو و نابود می کند همانطور که آب

آتش را خاموش می کند».

«يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ، فَإِنِّي أُرِيْتُكُنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ». (متفق عليه).

«ای گروه زنان! صدقه دهید. زیرا شما را بیشترین اهل دوزخ دیدم».

۱۱- امر بمعروف و نهی از منکر: «فِتْنَةُ الرَّجُلِ فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ وَجَارِهِ

تُكْفِرُهَا الصَّلَاةُ وَالصَّوْمُ وَالصَّدَقَةُ وَالْأَمْرُ وَالنَّهْيُ». (بخاری: ۵۲۵).

«فتنه‌هایی که دامن‌گیر مرد از ناحیه زن، فرزند، ثروت و همسایه

می‌شود به وسیله نماز، روزه، صدقه، و امر به معروف و نهی از منکر از

بین خواهند رفت».

۱۲- آمین گفتن: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه: أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله قَالَ: «إِذَا آمَنَ الْإِمَامُ

فَأَمَّنُوا، فَإِنَّهُ مَنْ وَافَقَ تَأْمِينَهُ تَأْمِينِ الْمَلَائِكَةِ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ

ذَنْبِهِ». (بخاری: ۷۸۱). «ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«هنگامی که امام آمین گفت، شما نیز آمین بگویید. زیرا آمین هر کس

که همزمان با آمین فرشتگان باشد، تمام گناهان گذشته‌اش، آمرزیده

می‌شود». (گفتنی است که بعد از آمین امام، فرشتگان نیز آمین

می‌گویند)». (مترجم).

۱۳- گفتن این ذکر: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِذَا قَالَ

الْإِمَامُ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ فَقُولُوا: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، فَإِنَّهُ مَنْ

وَأَفَقَ قَوْلُهُ قَوْلَ الْمَلَائِكَةِ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخاری: ۷۹۶). «ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هنگامی که امام (سَمِعَ اللَّهَ لِمَنْ حَمِدَهُ) می‌گوید، شما (اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ) بگویید. اگر این گفته شما همزمان با (اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ) ملائکه ادا شود، تمام گناهان گذشته شما مورد عفو قرار خواهند گرفت».

۱۴- حج مبرور و مقبول: «عن أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله و سلم يَقُولُ: «مَنْ حَجَّ لِلَّهِ، فَلَمْ يَرْفُثْ، وَلَمْ يَفْسُقْ، رَجَعَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ». (بخاری: ۱۵۲۱). «ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هرکس، بخاطر (رضای) خدا حج نماید و از مقاربت جنسی و مقدمات آن، (در زمان حج) پرهیز نماید و مرتکب معصیت نشود، چنان از گناه پاک می‌شود که گویی تازه از مادر، متولد شده است».

«الْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ». (بخاری: ۱۷۷۳). «حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد».

۱۵- اندوه و گرفتاری: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُصِيبُهُ أَدَى إِلَّا حَاتَّ اللَّهُ عَنْهُ خَطَايَاهُ، كَمَا تَحَاتُّ وَرَقُّ الشَّجَرِ». (بخاری: ۵۶۴۷). «هر مسلمانی که به مصیبتی، گرفتار آید، خداوند گناهانش را می‌ریزد همانگونه که برگ درختان، می‌ریزند».

«عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ وَأَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنهما عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم قَالَ: «مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ، وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ، وَلَا أَدَى وَلَا غَمٍّ، حَتَّى الشُّوْكَةِ يُشَاكُهَا، إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ». (بخاری: ۵۶۴۲). «ابوسعید خدری و ابوهریره رضی الله عنهما می‌گویند: نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مسلمان، دچار هیچگونه خستگی، بیماری، نگرانی، ناراحتی، گرفتاری و غمی نمی‌شود مگر اینکه

خداوند به وسیله آنها، گناهانش را می‌بخشد. حتی خاری که به پایش می‌خلد» (باعث کفاره گناهانش می‌شود)».

۱۶- تب: «لا تسبی الحمی فإِنَّهَا تذهب خطایا بنی آدم کما یذهب الکبیر خبث الحدید». (مسلم). «رسول الله ﷺ می‌فرماید: تب را دشنام ندهید چون بیماری تب بسان کوره آهنگری که زنگ آهن را می‌زداید، گناهان را محو می‌کند».

اعمال صالح و کردارهای نیک: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي الْتَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ [هود: ۱۱۴]. «در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیئات (و آثار آن‌ها را) از بین می‌برند».

۱۷- عمره: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا وَالْحُجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ» (بخاری: ۱۷۷۳). «از ابوهریره رَوایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «یک عمره تا عمره دیگر، موجب بخشش و کفاره گناهانی می‌شود که میان آن دو عمره، انجام گرفته‌اند. و حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد»».

۱۸- شهادت در راه خدا: «يُغْفِرُ لِلشَّهِيدِ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا الدَّيْنَ». (مسلم). «رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: همه گناهان کسی که در راه خدا شهید می‌شود بجز بدهی و قرض آمرزیده می‌شود».

۱۹- گفتن این ذکر هنگام خواب: «عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «إِذَا أَتَيْتَ مَضْجَعَكَ فَتَوَضَّأْ وَضُوءَكَ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الْأَيْمَنِ، ثُمَّ قُلْ: اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَعْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ لَا

مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ، فَإِنْ مِتُّ مِنْ لَيْلَتِكَ فَأَنْتَ عَلَى الْفِطْرَةِ، وَاجْعَلْهُنَّ آخِرَ مَا تَتَكَلَّمُ بِهِ»، قَالَ: فَرَدَدْتُهَا عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَلَمَّا بَلَغْتُ: اللَّهُمَّ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، قُلْتُ: وَرَسُولِكَ، قَالَ: «لَا، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ»». (بخاری: ۲۴۷). «از براء ابن عازب رضی اللہ عنہ روایت است که نبی اکرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم فرمود: قبل از رفتن به رختخواب، وضوی کامل بگیر و بر پهلوئی راست بخواب و این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ أَسَلَمْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ»». «پروردگارا! با خوف و رجا، چهره‌ام را بسوی تو برمی‌گردانم و تمام امورم را به تو می‌سپارم و تو را پشت و پناه خود می‌دانم. و یقین دارم که هنگام خشم و غضبت، پناهی جز تو ندارم. پروردگارا! به کتابی که نازل فرمودی و پیامبری که مبعوث نمودی، ایمان آوردم). اگر در همان شب بمیری، بر فطرت (با ایمان) از دنیا رفته‌ای. این جملات را آخرین کلام خود قرار بده. راوی (براء) می‌گوید: این دعا را نزد رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم خواندم. وقتی گفتم: آمَنْتُ بِرَسُولِكَ، آنحضرت صلی اللہ علیہ و آله و سلم فرمود: «بگو: آمَنْتُ بِنَبِيِّكَ». یعنی بجای لفظ رسول، کلمه نبی را بکار ببر».

۲۰- یاد خدا و تسبیح «سبحان الله گفتن: «مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ فِي يَوْمٍ مِائَةً مَرَّةً حَاطَتْ حَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَ مِثْلُ زَبَدِ الْبَحْرِ». (مسلم). «پیامبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم می‌فرماید: کسی که در روز صد بار بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ یعنی پاکی و بی‌عیبی و ستایش خدای را. گناهانش آمرزیده

می‌شود اگر چه به کثرت کف دریا باشد».

«أَيَعْرِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكْسِبَ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ. يُسَبِّحُ مِائَةَ تَسْبِيحَةٍ فَيَكْتُبُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَيُحِطُّ عَنْهُ أَلْفَ خَطِيئَةٍ» (مسلم). «پیامبر ﷺ هر روز صد بار بگوید: سبحان الله، صد حسنه را کسب، و صد گناه از او کاسته می‌شود».

۲۱- نماز جماعت: «من تَوَضَّأَ لِلصَّلَاةِ فَأَسْبَغَ الوُضُوءَ ثُمَّ مَشَى إِلَى الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ فَصَلَّاهَا مَعَ النَّاسِ أَوْ مَعَ الْجَمَاعَةِ أَوْ فِي الْمَسْجِدِ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذَنْبِهِ» (مسلم). «پیامبر ﷺ فرموده است: هر کس وضوء کاملی بگیرد بعداً برای ادای نماز واجب براه افتد آن را با مردم یا با جماعت و یا در مسجد بخواند خداوند گناهانش را عفو می‌نماید»^۱.

۲۲- وضوء زیبا و کامل: «من تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الوُضُوءَ خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهِ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ أَظْفَارِهِ» (مسلم). «پیامبر ﷺ فرمود: هر کس وضوء بگیرد و وضوءش کامل و زیبا باشد خداوند گناهان او را محو می‌نماید. «گناهانش از تن او حتی از زیر ناخن‌هایش خارج می‌شود»».

۲۳- وضوء کامل به هنگام سختی‌ها، رفت و آمد مسجد و انتظار نماز: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ؟ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: إِسْبَاغُ الوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ، وَكَثْرَةُ الْحِطِّاءِ إِلَى الْمَسَاجِدِ،

۱- حرف او بمعنی یا که در حدیث وجود دارد در اصطلاح علم حدیث تشکیک راوی است، یعنی راوی دقیق نمی‌داند که پیامبر هنگام بیان این حدیث فرموده: مع الناس یا مع الجماعة یا فی المسجد. یعنی فقط یکی از آنها را بیان فرموده اما راوی در شک است. پس در اینگونه موارد (او) یا بمعنی ترتیب نیست.

وانتظار الصلاة بعد الصلاة، فذلكم الرباط، فذلكم الرباط.» (مسلم). «رسول ﷺ اکرم فرمود: آیا به شما به چیزی راهنمایی کنم که گناهان را پاک و منزلت و درجات انسان را بالا می‌برد؟ عرض کردند آری ای رسول خدا، فرمود: وضو گرفتن به هنگام سختی‌ها (شدت سرما، و...)، رفت و آمد زیاد به مسجد، و انتظار نماز دیگر پس از نماز فعلی. این‌ها هستند ریسمان برای چنگ زدن (رباط یعنی ربط دهنده).»

۲۴- گفتن این ذکر بعد از اذان: «من قال حين يسمع المؤذن: أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأنَّ مُحَمَّدًا عبده ورسوله رضيت بالله رباً وبمحمد رسولاً وبالاسلام ديناً غُفِرَ لَهُ ذنبه». (مسلم). «پیامبر ﷺ می‌فرماید: کسی که به هنگام شنیدن اذان ذکر فوق را بگوید، گناهانش آمرزیده می‌شود.»

معنی ذکر: من هم گواهی می‌دهم که خدا یکتا و بی‌نیاز است و محمد بنده و فرستاده اوست و راضیم به اینکه الله پروردگار من و محمد ﷺ پیامبر، و اسلام دین من است.)

۲۵- گفتن و خواندن این ذکر بعد از نمازهای واجب: «من سبح الله في دبر كل صلاة ثلاثاً وثلاثين. وحمد الله ثلاثاً وثلاثين. وكبر الله ثلاثاً وثلاثين. فتلك تسعة وتسعون. وقال، تمام المائة: لا إله إلا الله وحده لا شريك له. له الملك، وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، غفرت خطاياهم وإن كانت مثل زبد البحر». (متفق علیه). «رسول الله ﷺ می‌فرماید: هر کس پس از هر نماز (۳۳) بار بگوید سبحان الله، و (۳۳) بار بگوید الحمد لله، و (۳۳) بار بگوید الله اکبر که جمعاً می‌شود (۹۹) و برای اینکه صد را تمام کند «ذکر را به صد مرتبه برساند» در آخر این (۹۹) بگوید: لا إله إلا الله وحده لا شريك له. له

الملك، وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، یعنی هیچ خدایی بحق جز او نیست تنها و بی نیاز است. عظمت و ستایش لایق اوست و بر هر چیزی قادر است. گناهانش اگر به مانند کف دریا هم زیاد باشد آمرزیده می شود».

۲۶- دست مالیدن و مسح رکن یمانی و حجر الاسود و طواف کعبه: «قال

ابن عمر سَمِعْتُهُ ص يَقُولُ إِنَّ مَسْحَهُمَا أَى الرُّكْنَيْنِ كَفَّارَةٌ لِلْخَطَايَا، وسمعتہ يقول: من طاف بهذا البيتِ أُسْبُوعاً فأحصاه كان كعتق رقبة، وسمعتہ يقول: لا يَضَعُ قدماً ولا يرفعُ أخرى إِلَّا حَطَّ اللهُ عنه خطيئته، وكتب له بها حسنة». (الترمذی والنسائی). «ابن عمر می گوید از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمود. همانا مسح آن دو «رکن یمانی و حجرالاسود» کفاره گناهان است، و شنیدم می فرمود: کسی که این خانه را «کعبه» هفته ای طواف نماید بمانند این است که بنده ای را آزاد کرده است، و شنیدم می فرمود: هیچ قدمی بر نمی دارد مگر اینکه خداوند گناهی از گناهان وی را بخشوده و یا حسنه ای برای وی می نویسد».

۲۷- کفاره مجلس: «من جلس في مجلس فكثر فيه لَعْنُهُ فقال قبل أن

يقوم من مجلسه ذلك: سبحانك اللهم وبحمدك أشهد أن لا إله إلا أنت أستغفرك وأتوب إليك إِلَّا غُفِرَ له ما كان في مجلسه ذلك». (الترمذی). «پیامبر ﷺ فرمود: کسی که در مجلسی بنشیند که در آن سخنان مختلفی رد و بدل شود، قبل از ترک آن مجلس دعای فوق را بخواند خداوند آنچه که از گناهان در آن مجلس گذشته می بخشد».

۲۸- مجالس ذکر: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ لِلَّهِ

مَلَائِكَةً يَطُوفُونَ فِي الطَّرِيقِ، يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الذُّكْرِ، فَإِذَا وَجَدُوا قَوْمًا

يَذْكُرُونَ اللَّهَ، تَنَادَوْا: هَلُمُّوا إِلَى حَاجَتِكُمْ، قَالَ: فَيَحْفُوتُهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا، قَالَ: فَيَسْأَلُهُمْ رَبُّهُمْ - وَهُوَ أَعْلَمُ مِنْهُمْ - مَا يَقُولُ عِبَادِي؟ قَالَ: يَقُولُونَ: يُسَبِّحُونَكَ، وَيُكَبِّرُونَكَ، وَيُحْمَدُونَكَ، وَيُتَجَدَّدُونَكَ، قَالَ: فَيَقُولُ: هَلْ رَأَوْنِي؟ قَالَ: فَيَقُولُونَ: لَا، وَاللَّهِ مَا رَأَوْكَ. قَالَ: فَيَقُولُ: وَكَيْفَ لَوْ رَأَوْنِي؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَوْ رَأَوْكَ كَانُوا أَشَدَّ لَكَ عِبَادَةً، وَأَشَدَّ لَكَ تَمَجُّدًا وَتَحْمِيدًا، وَأَكْثَرَ لَكَ تَسْبِيحًا. قَالَ: يَقُولُ: فَمَا يَسْأَلُونِي؟ قَالَ: يَسْأَلُونَكَ الْحِجَّةَ، قَالَ: يَقُولُ: وَهَلْ رَأَوْهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَا، وَاللَّهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا. قَالَ: يَقُولُ: فَكَيْفَ لَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْهَا، كَانُوا أَشَدَّ عَلَيْهَا حِرْصًا، وَأَشَدَّ لَهَا طَلَبًا، وَأَعْظَمَ فِيهَا رِعْبَةً. قَالَ: فَمِمَّ يَتَعَوَّدُونَ؟ قَالَ: يَقُولُونَ: مِنَ النَّارِ. قَالَ: يَقُولُ: وَهَلْ رَأَوْهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَا، وَاللَّهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا. قَالَ: يَقُولُ: فَكَيْفَ لَوْ رَأَوْهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَوْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ مِنْهَا فِرَارًا، وَأَشَدَّ لَهَا مَخَافَةً. قَالَ: فَيَقُولُ: فَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ عَفَرْتُ لَهُمْ. قَالَ: يَقُولُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ: فِيهِمْ فُلَانٌ لَيْسَ مِنْهُمْ، إِنَّمَا جَاءَ لِحَاجَةٍ. قَالَ: هُمْ الْجُلَسَاءُ لَا يَشْفَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ». (بخاری: ۶۴۰۸). «ابوهریره رضی اللہ عنہ

می گوید: رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «خداوند، فرشتگانی دارد که در راه‌ها مشغول گشت زنی هستند و بدنبال ذاکران می‌گردند. هرگاه، گروهی را ببینند که به یاد خدا مشغول‌اند، یکدیگر را صدا می‌زنند و می‌گویند: به هدف خود رسیدیم. آنگاه، ذاکران را تا آسمان دنیا زیر بالهایشان می‌گیرند. سپس خداوند که حال بندگانش را بهتر می‌داند از فرشتگان می‌پرسد که بندگانم چه می‌گویند؟ فرشتگان می‌گویند: پاک‌ی و بزرگی تو را بیان می‌کنند و تو را تعریف و تمجید می‌نمایند. خداوند می‌فرماید: آیا مرا دیده‌اند؟ جواب می‌دهند: خیر، سوگند به خدا که تو را ندیده‌اند.

خداوند می فرماید: اگر مرا می دیدند، چکار می کردند؟ می گویند: اگر تو را می دیدند، بیشتر عبادت می کردند و بیشتر حمد و ثنا و پاکیزگی را بیان می نمودند. آنگاه خداوند می فرماید: از من چه می خواهند؟ فرشتگان می گویند: از تو بهشت می طلبند. خداوند می فرماید: آیا آن را دیده اند؟ می گویند: ای پروردگارا! نه، سوگند به خدا که آن را ندیده اند. می فرماید: اگر آن را می دیدند، چکار می کردند؟ فرشتگان می گویند: اگر آن را می دیدند، بیشتر به آن علاقه مند می شدند، بیشتر به دنبال آن می رفتند و بیشتر به آن، تمایل نشان می دادند. خداوند می فرماید: از چه چیزی پناه می خواهند؟ می گویند: از جهنم. خداوند می فرماید: آیا آن را دیده اند؟ می گویند: ای پروردگارا! نه، سوگند به خدا که آن را ندیده اند. خداوند می فرماید: اگر آن را می دیدند، چکار می کردند؟ می گویند: اگر آن را می دیدند، بیشتر از آن، دوری می کردند و بیشتر می ترسیدند. سرانجام، خداوند می فرماید: شما گواه باشید که من آنان را بخشیدم. یکی از فرشتگان می گوید: در میان آنان، فلانی وجود دارد که جزو آنان نیست بلکه برای انجام کاری آمده است. خداوند می فرماید: آن ها کسانی هستند که همنشینشان هم بدبخت نمی شود».

۲۹- کنار زدن اشیاء مزاحم بر سر راه مردم: «بینما رجل یمشی بطریق وجد غصن شوك علی الطریق فأخره فشکر الله له فَعُفِرَ له». (مسلم). «یکبار مردی در راه عبور می کرد، برگ خاری را بر سر راه یافت آن را کنار زد، خداوند او را سپاس گفت و او را آمرزید».

۳۰- ترس از خدا: «یَعَجِبُ رَبُّكَ مِنْ رَاعِي غَنَمٍ فِي رَأْسِ شَطِئَةِ الْجَبَلِ يُؤْذِنُ بِالصَّلَاةِ وَيُصَلِّي. فَيَقُولُ اللَّهُ ﷻ انظروا إلى عبدي هذا يؤذن ويقيم الصلاة يخاف مني قد غفرت لعبدي وأدخلته الجنة». (أبو داود والنسائي والحاكم). «پیامبر ﷺ فرمود: خداوند از چوپانی که بر قله کوه

گوسفند می‌چراند و به هنگام نماز اذان می‌گوید و نماز می‌خواند در شگفت است، و می‌فرماید به این بنده من بنگرید. اذان گفته و نماز می‌خواند و از من می‌ترسد، من او را بخشیدم و به بهشت داخل نمودم».

۳۱- اذان: «المؤذن یغفر له بصد صوته ویشهد له کل رطب ویابس».
(النسائی). «مؤذن که بانگ بر آورد هر تر و خشکی «هر چیز» برایش شهادت و گواهی می‌دهد و گناهانش آمرزیده می‌شود».

۳۲- صلوات بر پیامبر ﷺ: «من صلی علیّی صلاةً واحدةً صلی الله علیه عشر صلوات، وحطت عنه عشر خطیئات، ورفعت له عشر درجات». (النسائی والحاکم). «رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: کسی که یک صلوات بر من بفرستد خداوند ده صلوات بر او می‌فرستد. و ده گناه او را محو، و ده درجه وی را رفیع و بلند می‌گرداند».

۳۳- نماز در مسجد الاقصی «بیت المقدس»: «لما فرغ سلیمان من بناء بیت المقدس سأل الله ثلاثاً: حکماً یصادف حکمه، ومُلکاً لا یَنبَغی لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، وأن لا یأتی هذا المسجد أحدٌ لا یرید إلاّ الصلاة فیهِ إلاّ خرج من ذنوبه کیوم ولدته أمه، فقال ﷺ أما اثنان قد أعطیهما، وأرجو أن یرجعوا قد أعطی الثالثة». (النسائی أحمد وابن ماجه). «پیامبر ﷺ فرمود: هنگامیکه سلیمان علیه السلام بنای بیت المقدس را به پایان رسانید سه چیز را از خدا درخواست کرد: ۱- حکمی که مطابق حکم خداوند باشد. ۲- ملک و پادشاهی که بعد از او برای کسی چنان میسر نشود. ۳- بخشیده شدن تمام گناهان کسی که محضاً بمنظور نماز خواندن وارد این مسجد شود. پیامبر فرمود اما آن دو «پادشاهی و ثروت» به وی داده شد و من از خدا می‌خواهم که سومی هم بوی عطا شود».

۳۴- نماز شب: «الصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الحَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ النَّارُ المَاءُ، وَصَلَاةُ

الرَّجُلِ مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ». (الترمذی و ابن ماجه). «رسول اکرم ﷺ می فرماید: صدقه گناهان را محو و نابود می کند همانطور که آب آتش را خاموش می کند. و همچنین نماز شب بسان آب که آتش را خاموش می کند و از بین می برد خطا و گناهان را از بین می برد».

۳۵- خواندن این ذکر عظیم: «عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ رضی الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ:

«مَنْ تَعَارَّ مِنَ اللَّيْلِ فَقَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي أَوْ دَعَا اسْتَجِيبَ لَهُ، فَإِنْ تَوَضَّأَ وَصَلَّى قَبِلَتْ صَلَاتُهُ».

(بخاری: ۱۱۵۴). «عباده بن صامت رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله

فرمود: «هرکس که در شب بیدار شود و این دعا، یعنی: (لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) را بخواند و سپس، بگوید: خدایا! مرا مغفرت کن. یا دعای دیگری نماید، خداوند، اجابت می کند. و اگر (بلند شود و) وضو بگیرد و نماز بخواند، این نماز (بیشتر) به درگاه خدا پذیرفته می شود».

۳۶- استغفار «طلب آمرزش از خدا»: «والذي نفسي بيده لو لم تذبوا

لذهب الله بكم وَلَجَاءَ بِقَوْمٍ يَذْنِبُونَ فَيَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ، فَيَغْفِرُ لَهُمْ». (مسلم). «رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: قسم به کسی که نفس من در دست اوست اگر گناه نکنید خداوند شما را از بین می برد و بجای شما قومی را می آفریند که گناه کنند و سپس استغفار نمایند و

خداوند گناهانشان بیامزد. (در این حدیث اثبات صفت دست برای خداوند است که به جلال و کمال او لایق است و با هیچ چیز تشابه ندارد)».

۳۷- توبه کردن: قال الله تعالی ﴿قُلْ يٰعِبَادِيَ الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلٰٓى اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوْا مِنْ رَّحْمَةِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ جَمِیْعًا اِنَّهٗ هُوَ الْعَفُوْرُ الرَّحِيْمُ﴾ [الزمر: ۵۳]. «بگو: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است».

قال الله تعالی: ﴿اَلَمْ يَعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهٖ وَيَاْخُذُ الصَّدَقٰتِ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ﴾ [التوبة: ۱۰۴]. «آیا نمی‌دانستند که فقط خداوند توبه را از بندگان می‌پذیرد، و صدقات را می‌گیرد، و خداوند توبه‌پذیر و مهربان است؟!».

قال الله تعالی ﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهٖ وَيَعْفُوْا عَنِ السَّيِّئٰتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُوْنَ﴾ [الشوری: ۲۵]. «او کسی است که توبه را از بندگان می‌پذیرد و بدی‌ها را می‌بخشد، و آنچه را انجام می‌دهید می‌داند».

و قال ﷺ: «من تاب قبل أن تطلع الشمس من مغربها، تاب الله عليه». (مسلم). «و پیامبر ﷺ فرموده است کسی که توبه کند قبل از بر پائی قیامت «قبل اینکه خورشید از طرف مغرب طلوع کند» خداوند توبه او را قبول می‌کند».

۳۸- آب دادن تشنگان: «بَيْنَمَا رَجُلٌ يَمْشِي بِطَرِيقٍ اشْتَدَّ عَلَيْهِ الْعَطْشُ فَوَجَدَ بَيْرًا فَنَزَلَ فِيهَا فَشَرِبَ ثُمَّ خَرَجَ فَإِذَا كَلْبٌ يَلْهَثُ يَأْكُلُ التُّرَى مِنَ الْعَطْشِ، فَقَالَ الرَّجُلُ لَقَدْ بَلَغَ هَذَا الْكَلْبُ مِنَ الْعَطْشِ مِثْلَ الَّذِي كَانَ بَلَغَ مِنِّي، فَنَزَلَ الْبَيْرَ فَمَلَأَ حُفَّهُ مَاءً ثُمَّ أَمْسَكَهُ بِيَدِهِ حَتَّى رَفَى

فَسَقَى الْكَلْبَ فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ فَعُفِرَ لَهُ: قالوا يا رسول الله وَإِنَّ لَنَا فِي هَذِهِ الْبَهَائِمِ لِأَجْرًا؟ فَقَالَ فِي كُلِّ كَبِدٍ رَطْبَةٌ أَجْرٌ». (مسلم). «یک روز مردی راهی را طی می کرد، در راه تشنگی بر او چیره شد و سپس چاه آبی را در راه یافت، وارد آن شد و از آب آن نوشید و از چاه بیرون آمد، سپس سگی را دید که از فرط تشنگی زبان بر خاک می مالید. آن مرد گفت این سگ به همان تشنگی من دچار گشته، وارد چاه شد و موزه (پاپوش) خود را پر از آب کرد و آن را بدهان گرفت و از چاه بیرون آمد و آب را به سگ داد، خداوند او را سپاس گفت بخاطر همین کار نیک گناهانش آمرزید. به پیامبر عرض کردند ای رسول خدا آیا در رابطه با این حیوانات نیز اجر داریم؟ پیامبر ﷺ فرمود: در ترحم به هر حیوانی که جگر دارد اجر و پاداش وجود دارد».

۳۹- خواندن این ذکر: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: «مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فِي يَوْمٍ مِائَةٌ مَرَّةً، كَانَتْ لَهُ عَدَلٌ عَشْرِ رِقَابٍ، وَكُتِبَ لَهُ مِائَةٌ حَسَنَةٍ، وَمُحِيَّتْ عَنْهُ مِائَةٌ سَيِّئَةٍ، وَكَانَتْ لَهُ حِرْزًا مِنَ الشَّيْطَانِ يَوْمَهُ ذَلِكَ حَتَّى يُمِيسِيَ، وَلَمْ يَأْتِ أَحَدٌ بِأَفْضَلٍ مِمَّا جَاءَ إِلَّا رَجُلٌ عَمِلَ أَكْثَرَ مِنْهُ». (بخاری: ۶۴۰۳). «ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «هرکس، روزانه صد بار لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بگوید، به او به اندازه آزاد ساختن ده برده، ثواب می رسد. و همچنین صد نیکی برایش نوشته می شود و صد گناه از گناهانش، پاک می گردد و آنروز تا شب از شیطان، حفاظت می شود. و هیچ کس (در روز قیامت) عملی بهتر از آن نمی آورد مگر فردی که عمل بیشتری انجام دهد». یعنی همین کلمه را

بیشتر بگوید و یا به طور کلی، اعمال بیشتری انجام داده باشد».

۴۰- نماز در چهار مسجد: «عن عاصم بن سُفیان الثقفی قال: قد أخبرنا أَنَّهُ من صلی فی المساجد الأربعة عُفِرَ له ذنبه». (أحمد والنسائی ابن ماجه وابن حبان). «قال ابن حبان المساجد الأربعة: المسجد الحرام، ومسجد المدينة، ومسجد الأقصى، ومسجد قباء». «از عاصم بن سفیان ثقفی روایت شده که گفت پیامبر ﷺ فرموده است. کسی که در چهار مساجد نماز بخواند گناهایش آمرزیده می‌شود. ابن حبان گفته که چهار مساجد عبارتند از: مسجد الحرام، مسجد مدینه، مسجد الاقصی، و مسجد قباء».

۴۱- زیاد خواندن سوره تبارک: «سُورَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ ثَلَاثُونَ آيَةً تَشْفَعُ لِصَاحِبِهَا حَتَّى يَغْفِرَ لَهُ: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾». (ابوداود، ابن ماجه، احمد وابن حبان). «پیامبر ﷺ می‌فرماید: در قرآن سوره‌ای هست که سی آیه می‌باشد و برای کسی که آن را می‌خواند شفاعت می‌کند تا آمرزیده می‌شود، آنهم سوره ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾ است».

۴۲- خواندن این ذکر: «قال ﷺ لِعَلِيٍّ أَلَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ إِذَا قُلْتَهُنَّ غُفِرَ لَكَ، مَعَ أَنَّهُ مَغْفُورٌ لَكَ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (الترمذی واحمد والنسائی). «پیامبر ﷺ به علی ؑ فرمود: کلماتی را به شما یاد دهم که اگر آن‌ها را بخوانی با اینکه آمرزیده شده‌ای خداوند گناهانت را عفو نماید. بگو، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيمُ الْكَرِيمُ...» تا آخر دعا که در حدیث فوق نوشته شده است.

یعنی: هیچ معبودی بحق بجز خدای مهربان و بخشنده نیست، خدایی بجز خدای با عظمت بلندمرتبه وجود ندارد. پاک‌ی و بی‌عیبی برای خداست، پروردگار هر هفت آسمان و پروردگار عرش عظیم. ستایش برای پروردگار عالمیان.

۴۳- انجام یک خصلت آدمی را وارد بهشت می‌نماید: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

عَمْرٍو م يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَرْبَعُونَ خَصْلَةً أَعْلَاهُنَّ مَنِيحَةُ الْعُزْرِ، مَا مِنْ عَامِلٍ يَعْمَلُ بِخَصْلَةٍ مِنْهَا رَجَاءً ثَوَابَهَا وَتَصْدِيقَ مَوْعُودِهَا إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ بِهَا الْجَنَّةَ». (بخاری: ۲۶۳۱). «عبد الله بن عمرو رضی اللہ عنہما

می‌گوید: رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود: «چهل خصلت (نیکو) وجود دارد که اعلاترین آنها، عاریت دادن بز شیر ده است. هر کس، یکی از این خصلت‌ها را بقصد ثواب و رسیدن به پاداش موعود، انجام دهد، خداوند او را وارد بهشت خواهد کرد».

۴۴- همکاری و کمک به فقرا و بیوه زنان: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی اللہ عنہ قَالَ: قَالَ

النَّبِيُّ ﷺ: «السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمُسْكِينِ، كَأَلْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَوْ الْقَائِمِ اللَّيْلِ الصَّائِمِ النَّهَارَ». (بخاری: ۵۳۵۳). «ابوهریره رضی اللہ عنہ

می‌گوید: نبی اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود: «کسی که در جهت تأمین نیازهای زنان بیوه و مساکین، تلاش می‌کند، مانند کسی است که در راه خدا، جهاد می‌نماید، و یا مانند کسی است که شب‌ها را در عبادت بسر می‌برد، و روزها را روزه می‌گیرد».

زنان دوزخی

ترجمه نساء فی النار

تالیف:

صالح بن عبدالله الصیاح

- ۱- گناه زنان خودنما
- ۲- ویژگی‌های حجاب شرعی
- ۳- فضائل حجاب شرعی
- ۴- بخاطر اینکه از زنان خودنما نباشید
- ۵- زنان ملعون
- ۶- آنچه بر زنان حرام است
- ۷- موارد حرامی که بین زنان شایع است
- ۸- پرهیز کن - مواظب باش

۱- آیا می‌دانید زنانی که زینت خود را نشان می‌دهند و خودنمایی می‌کنند و بد حجاب هستند چه گناهی دارند؟

۱- آن‌ها اهل آتش هستند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «صنفان من أهل النار لم أرهما: قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاريات مائلات مميلات، رؤوسهن كأسنة البخت المائلة، لا يدخلن الجنة، ولا يجدن ريحها، وإنَّ ريحها ليوجد من مسيرة

کذا وكذا». (مسلم). «دو گروه جهنمی هستند که من آن‌ها را ندیده‌ام: مردمی که به دستشان شلاق‌هایی همانند دم گاو است و مردم را با آن شلاق می‌زنند، و (گروه دوم) زنانی که با وجود پوشش، لخت و عریانند، دیگران را به‌سوی خویش متمایل می‌سازند در حالی که خودشان نیز به آن‌ها تمایل دارند، موهای سرشان بسان کوهان خمیده شتر است، آنان هرگز به بهشت وارد نمی‌شوند و هیچگاه بوی بهشت به مشام‌شان نمی‌رسد، گرچه بوی بهشت در مسافت چنین و چنان یافت می‌شود».

۲- در آخرت برهنه و عریانند: پیامبر ﷺ می‌فرماید: «رُبَّ كَاسِيَةٍ فِي الدُّنْيَا عَارِيَةٌ فِي الْآخِرَةِ»: یعنی چه بسیار زنانی هستند که در دنیا ظاهراً لباس پوشیده‌اند اما در آخرت عریان خواهند بود. زنانی که لباس‌های نازک و تنگ که برجستگی‌ها و بدن آن‌ها مشخص است.

۳- مبعوض‌ترین بندگان نزد خدا هستند: پیامبر در حدیث می‌فرماید: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: «أَبْغَضُ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ ثَلَاثَةٌ: مُلْحِدٌ فِي الْحَرَمِ، وَمُبْتَغٍ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ، وَمُطَلَبٌ دَمِ امْرَأَةٍ بِغَيْرِ حَقٍّ لِيُهْرَقَ دَمَهُ». (بخاری: ۶۸۸۲). «ابن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا می‌گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «مبعوض‌ترین مردم نزد خداوند سه گروه‌اند: نخست، کسانی که در حرم، ستم و الحاد کنند. دوم: کسانی که در اسلام بدنبال احیاء ارزش‌های دوران جاهلیت باشند. سوم: کسانی که به ناحق در صدد کشتن دیگران برآیند».

۴- «ومن سنة الجاهلية التبرج: یکی از سنت‌ها و رسوم جاهلیت تبرج و خودنمایی زنان است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ [الأحزاب: ۳۳]. «و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید».

- ۵- به اندازه گناه کسی که او را تقلید و یا فریب او را می‌خورد گناه بر اوست پیامبر ﷺ می‌فرماید: «من دعا إلى ضلالة كان عليه من الأثم مثل آثم من تبعه لا ينقص ذلك من آثامهم شيئاً». (مسلم)
- «دعوت‌کننده بسوی گمراهی علاوه بر گناهان خود در گناهان کسانی که از او پیروی می‌کنند نیز شریک است بدون آنکه چیزی از گناهان آن‌ها کاسته شود».
- ۶- ملعون و مورد نفرت خداست: «فقد روی ... نساء هم کاسیات، عاریات علی رؤوسهن کاسنمه البخت ... ملعونات ...». (احمد ابن حبان و الحاکم). معنی: «از پیامبر روایت شده که زنان بظاهر پوشش دار اما در واقع عریان که موی سرشان بمانند کوهان کج شتر است ملعون و مورد نفرت خدا هستند».
- ۷- زنا کار است: «أیما امرأة استعطرت فمرت علی قوم لیجدوا ریحها فهی زانیة». (ابوداود). «هرگاه زنی خود را معطر نماید و بر مردمی عبور نماید تا بوی عطرش به آن‌ها برسد مثل این است که زنا کرده است».
- ۸- نمازش قبول نمی‌شود: پیامبر ﷺ می‌فرماید: «أیما امرأة تطیبت ثم خرجت إلى المسجد لم تقبل لها صلاة حتی تغتسل». (ابن ماجه). «هر زنی که خود را معطر نماید و سپس به مسجد برود نمازش قبول نیست مگر اینکه آثار عطر را از خود بزدايد».
- ۹- پرده بین او و خدا پاره شده است: پیامبر ﷺ فرمود: «أیما امرأة وضعت ثیابها فی غیر بیت زوجها فقد هتکت سترها فیما بینها و بین الله». (الحاکم). «هر زنی که لباسش را در غیر منزل شوهرش بیرون آورد و برهنه شود پرده بین خود و خدایش را پاره و گشاده است».

۱۰- نسب به خدایش سرکش و نافرمان است: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ [الأحزاب: ۳۳] «و در خانه‌های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید». «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ وَلْيُخْرِجَنَّ وَهِنَّ تَفَلَّاتٍ وَيُؤْتِهِنَّ خَيْرٌ لهنَّ». (ابوداود). «زنان را از مساجد الهی منع نکنید و هنگام خروج باید بدون عطر و خوشبویی به مسجد بروند، اما در عین حال خانه‌هایشان بهتر است».

۱۱- (زن بد حجاب) اسلحه شیطان است: «المرأة عورةٌ فإذا خرجت استشرفها الشيطان وأقرب ما تكون من ربها وهي في قعر بيتها». (الترمذی). «زن عورت «پوشیده‌رو» است بمحض خارج شدن شیطان و شیطان صفتان سعی در فریب او را دارند. اگر در کنج خانه باشد و بیرون نیاید به خداوند نزدیک‌تر است».

۲- درود بر شما، باز درود بر شما، مبارکتان باد حجاب شرعی

۱- چون حجاب خود واجب شرعی و عبادت است و رعایت آن موجب اجر و پاداش بزرگی است و این عبادت و اجر با پوشیدن آن شروع، و با کنار گذاشتن آن پایان می‌یابد.

۲- قطعاً بدان که در حال عبادت دائمی هستید در صورتی که ۱- در خانه خود ماندگار و مگر برای رفع نیاز از خانه خارج نشوید. ۲- یا اگر از خانه خارج شدید از رفتن به اماکن مردان پرهیز نمائید. ۳- و اگر از کنار مردان گذشتید حجاب را رعایت نمائید. آنگاه به فرمان خدا پاسخ داده‌اید که می‌فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ [الأحزاب: ۳۳]. «و در خانه‌های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید».

۳- با پوشیدن حجاب در حال عبادت هستید: چون همانا پوشیدن حجاب نوعی جهاد در راه خداست، بخصوص که هم‌اکنون دشمنان اسلام تمام تلاش خود را برای کنار گذاشتن حجاب زن مسلمان و عملی نمودن این پدیده شوم بکار گرفته‌اند.

۴- رعایت حجاب، زن‌ها را شرارت‌های زیادی مانند نگاه‌های بد، ملاقات، تماس، تسلط شیاطین جن و انس محفوظ می‌دارد و منحرفین چشم طمع به تو نمی‌دوزند. خداوند می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذِينَ﴾ [الأحزاب: ۵۹]. «این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است».

۵- پوشش حجاب دلیل عفت و پاکی زن و قوت دین و عقل او و دوری از شبهات است و این موارد برای مرد مهم‌ترین صفات انتخاب شریک زندگی است.

۶- در ثواب، زنانی که نسبت به حجاب بی‌اهمیت و یا بد حجاب هستند و برای پوشش حجاب از تو پیروی می‌کنند نیز شریک هستید. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «من دل علی خیر فهو کفاعله». (مسلم). «کسی که دیگران را بسوی نیکی راهنمایی کند اجر او به اندازه کسی است که آن نیکی را انجام دهد».

و نیز می‌فرماید: «من دعا لی هدی کان له من الأجر مثل أجز من تبعه لا ینقص من أجزهم شیئاً». (مسلم). «کسی که دیگران را به هدایت دعوت کند اجری همانند کسانی که از او پیروی می‌کنند دارد بدون اینکه از اجر آن‌ها ذره‌ای کاسته شود».

۷- پوشیدن حجاب راه سلامتی تو از بدی‌های زیادی است که در انتظار توست مانند: خودنمائی، هتک حرمت، پیروی دیگران از شما،

و شیفته به شما وغیره.

۸- پوشیدن حجاب، غیر مسلمانان را به اسلام فرا می‌خواند و آنان را به کاوش در حقیقت دین و شناخت آن دعوت می‌نماید، بنابراین زن محجبه دعوتگر بسوی دین است.

۹- پوشیدن حجاب اسلامی سبب پاکی قلب است: ﴿ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يُعْرِفَنَّ فَلَا يُؤْذِينَ﴾ [الأحزاب: ۵۹]. «این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است».

۱۰- ثواب شکیبائی و صبر بر انجام دستورات خدا و رنج و محبت و گرفتاری‌های آن، خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ ۖ وَنَهَىٰ النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ [النازعات: ۴۰] «و آن کسی که از مقام پروردگارش ترسان باشد، و نفس را از هوی باز دارد».

آیا صفات و ویژگی‌های حجاب شرعی را می‌دانید؟

❖ باید بدون استثناء تمام بدن را بپوشاند. به همراه قرار دادن چادر بر سر.

❖ حجاب نباید تزیین شده باشد، یا در آن تصویر و نقش و نگار و نوشته‌هایی باشد.

❖ باید کلفت و ضخیم و غیر شفاف باشد، بطوریکه زیر آن دیده نشود.

❖ (یعنی نباید آنقدر نازک و شفاف باشد که بدن را نمایان سازد).

❖ باید گشاد و فراخ باشد و چنان تنگ نباشد که برجستگی‌ها و جزئیات بدن «نقاط فتنه‌انگیز» را نمایان سازد.

❖ نباید مشابه لباس مردان یا لباس زنان کافر باشد.

❖ نباید معطر و بخوردار باشد، بخصوص هنگامیکه از کنار مردان

می‌گذرد.

۱۱- «بخاطر اینکه از زنان خودنما و متبرج نباشید شما را راهنمایی می‌کنم» آیا شما از زنانی هستید که مو و زینت خود را به نامحرمان نشان می‌دهید و خودنمایی می‌کنید.

اگر یکی از موارد زیر در شما موجود باشد از زنان خودنما و متبرج می‌باشید، پس به‌سوی خدا باز گرد و توبه کن

۱- خودنمایی: اگر چیزی از بدن شما مانند سر و صورت و گردن و دست و بازو و ساق پا و سینه و غیر آن بیرون و آشکار باشد و همچنین اگر چادر و لباس‌ها یقه باز و دامن کوتاه را بپوشید.

۲- خودنمایی: اگر جامه تن «پوشاک» شما تنگ باشد. مانند چادر یا مانتوی تنگ چسبیده به بدن، پوشیدن شلوار، شلواری که جزئیات بدن در آن نمایان است و به لباس مردان می‌ماند.

۳- خودنمایی: اگر کفش‌های پاشنه بلند را بپوشد و چادر را بر دوش خود بینداری چون سر و شانه‌ها مشخص است و این خود فتنه است، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾ [النور: ۳۱] «و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت

پنهانیشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد)».

۴- خودنما هستی: اگر حجاب تو تزئینات داشته باشد. مانند چادر طلادوزی شده و زربافت.

۵- خودنمایی هستی: اگر لباس‌هایت نازک و شفاف باشد مانند گزاردن پرده نازکی بر صورت.

۶- خودنمایی هستی: اگر لباس‌هایت معطر و خوش بو باشد بخصوص اگر توجه مردان را جلب کند.

- ۷- خودنمائی هستی: اگر نزد محارم «اعضای خانواده خویش» شلوار تنگ بپوشید یا یقه و سینه خود باز بگذارید.
- ۸- خودنمائی هستی: اگر با عشو و کرشمه راه بروید و زیبائی‌های روی خود را به مردان نشان دهید.
- ۹- خودنمائی هستی: اگر صدای خود را برای مردان نرم و نازک و ملیح نموده و آن‌ها صدای خنده تو را بشنوند.

ده صنف از زنان مورد نفرت خدا و ملعون هستند

پناه به خدا که شما از آنان باشید.

- ۱- خالکوب کردن: پیغمبر ﷺ می‌فرماید: «لعن الله الواشمات والمستوشمات.... المغيرات خلق الله تعالى». (البخاری). «خداوند لعنت کرده بر زن خالکوب و زنی که درخواست خالکوبی کند. الواشمه کسی است که بدن دیگران را بوسیله سوزن و سرمه خالکوبی می‌کند. مستوشمه کسی است که به درخواست او بدنش خالکوبی می‌شود».
- ۲- موی ابرو را برداشتن: پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لعن الله المتمصصات والمتفلجات للحسن المغيرات خلق الله تعالى». (البخاری). «خداوند زنانی را که موی ابروی دیگران را بر می‌دارند، یا موی ابرویشان برداشته می‌شود، و یا به خاطر زیبائی محض میان دندان‌های خود فاصله می‌اندازند یا آن را باریک می‌نمایند و خلقت خدا را تغییر می‌دهند، لعنت کرده است».

نامصه: کسی است که موی ابروی دیگران را بر می‌دارد و آن را باریک می‌نماید.

متنمصه: کسی است که بدرخواست او موهایش برداشته می‌شود.

- ۳- فاصله انداختن بین دندانها: پیامبر می‌فرماید: «لعن الله ...

والمفدلجات للحسن المغيرات خلق الله». (البخاری).

۴- «لعن رسول الله ﷺ الواشرة والمؤثشرة». (احمد). «خداوند: زانی را که به خاطر زیبایی دندان‌ها را باریک و میان آن‌ها فاصله ایجاد و خلقت خدا را تغییر می‌دهند لعنت کرده است».

واشر: زانی که دندان دیگران را کوچک و باریک می‌نماید.
مستوشر و متفلج: زانی که بدر خواست آن‌ها دندانیشان باریک و کوچک می‌شود.

۵- وصل: رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «لعن الله الواصلة والمستوصلة». (متفق علیه). «خداوند واسله و مستوصله را لعن نموده است».
واسله زنی که موها را به هم وصل می‌کند: مانند: آرایشگر.
مستوصله: به زنی گفته می‌شود که از دیگران بخواهد این عمل را برایش انجام دهند.

۶- زنی که شوهرش از وی ناخشنود باشد: رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَأَبَتْ فَبَاتَ غَضَبَانَ عَلَيْهَا لَعْنَتَهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ». (بخاری: ۳۲۳). «ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمود: هرگاه، مرد، همسرش را به رختخواب فرا خواند و زن، اجابت نکند و شوهرش، شب را با خشم بر او، سپری نماید، فرشتگان تا صبح، او را لعنت می‌کنند».

۷- زانی که به شکل مردان در می‌آیند: در لباس و حرکات و ادا و اطوار و غیره: «لَعْنُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الْمُتَشَابِهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ». (البخاری). «پیغمبر ﷺ زانی را که به شکل مردان در می‌آیند لعن کرده است».

۸- زیارت کنندگان قبور: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ لَعَنَ زُورَاتِ

القبور». (النسائی و أبوداود و الترمذی). «از ابوهریره منقول است که پیامبر ﷺ زنانی که به زیارت قبور می‌روند را لعنت و نفرین کرده است».

۹- نوحه‌گر: «قال أبو موسیٰ ﷺ: لعن ﷻ من حلق أو سلق و خرق». (النسائی و احمد و أصله فی مسلم). «ابوموسی گفته که پیامبر ﷺ: کسی را که «به هنگام فوت یکی از بستگانش» پوست خود را بکند، بر صورت خود بزند و یقه خود را پاره کند و مو خود را بکند لعن کرده است».

۱۰- محلل: پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لَعَنَ اللَّهُ الْمُحَلَّلَ وَالْمُحَلَّلَ لَهُ». (ابوداود و احمد و النسائی و الترمذی و ابن ماجه). «خداوند تحلیل‌کننده و تحلیل‌شونده را لعن کرده است». (کسی که زن طلاق داده شده را برای شوهرش به طریق حيله حلال نماید)^۱.

۱- نکاح تحلیل عبارت است از حلال گرداندن زنی که طلاق سوم داده شده برای همسر اولش به این ترتیب که زن با مرد دیگری ازدواج کند و آمیزش با او صورت گیرد و سپس آن مرد او را طلاق دهد بدون اینکه قبلاً بر این ازدواج و طلاق دوم توافق شده باشد. که در این نوع نکاح شرعاً جائز است زن دوباره با شوهر اول خود ازدواج نماید. ﴿فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ﴾ [البقرة: ۲۳۰]. «اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر) او را طلاق داد، از آن به بعد، زن بر او حلال نخواهد بود؛ مگر اینکه همسر دیگری انتخاب کند (و با او، آمیزش جنسی نماید)».

ما آنچه که بعضی‌ها درباره نکاح تحلیل انجام می‌دهند و لعن پیامبر شامل آنهاست بدین صورت است که بعد از طلاق زن از همسرش، با مرد دیگری به توافق می‌رسند که زن را به عقد وی درآورند و سپس آن مرد بعد از آمیزش زن را طلاق بدهد. اینجا است که پیامبر ﷺ می‌فرماید (لعنت خدا بر تحلیل‌کننده و تحلیل‌شونده باد).

آنچه بر زنان حرام است و باید از آن پرهیزند

۱- ناسپاسی شوهر و لعن گفتن زیاد: «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضی الله عنه قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فِي أَضْحَىٰ أَوْ فِطْرٍ إِلَى الْمُصَلَّى، فَمَرَّ عَلَى النِّسَاءِ، فَقَالَ: «يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ، فَإِنِّي أُرِيْتُكُنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ». فُؤَلْنَ: وَبِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «تُكْثِرْنَ اللَّعْنَ، وَتَكْفُرْنَ الْعَشِيرَ، مَا رَأَيْتُ مِنْ نَاقِصَاتِ عَقْلِ وَدِينٍ أَذْهَبَ لِلْبَّ الرَّجُلِ الْحَازِمِ مِنْ إِحْدَاكُنَّ». قُلْنَ: وَمَا نُقْصَانُ دِينِنَا وَعَقْلِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «أَلَيْسَ شَهَادَةُ الْمَرْأَةِ مِثْلَ نِصْفِ شَهَادَةِ الرَّجُلِ؟» قُلْنَ: بَلَى، قَالَ: «فَذَلِكَ مِنْ نُقْصَانِ عَقْلِهَا، أَلَيْسَ إِذَا حَاضَتْ لَمْ تُصَلِّ وَلَمْ تُصُمْ؟» قُلْنَ: بَلَى. قَالَ: «فَذَلِكَ مِنْ نُقْصَانِ دِينِهَا». (بخاری: ۳۰۴). «ابو سعید خدری رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روز عید قربان یا عید فطر بسوی مصلا رفت. در آنجا، سری به زنان زد و خطاب به آنان فرمود: «ای گروه زنان! صدقه دهید. زیرا شما را بیشترین اهل دوزخ دیدم». پرسیدند: چرا؟ ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «بخاطر اینکه شما بکثرت نفرین می‌کنید و از شوهرانتان نافرمانی نموده و ناسپاسی می‌کنید و هیچ ناقص عقل و دینی نمی‌تواند مانند شما، مردان عاقل را فریب بدهد». عرض کردند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! نقصان عقل و دین ما چیست؟ فرمود: «مگر نه این است که گواهی یک زن، نصف گواهی مرد محسوب می‌شود؟» گفتند: بلی. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «این خود، نشانگر نقص عقل شما است». آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم باز فرمود: «مگر نه اینکه در ایام حیض و قاعدگی، نماز نمی‌خوانید و روزه نمی‌گیرید؟» عرض کردند: بلی. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «این هم دلیل بر نقص دین شماست».

۲- خلوت و سفر بدون همراهی محرم: چه با راننده یا غیر آن: «عَنِ ابْنِ

عَبَّاسٍ رضی اللہ عنہ: أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صلی اللہ علیہ وسلم يَقُولُ: «لَا يَخْلُونَ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ وَلَا تُسَافِرُنَّ امْرَأَةً إِلَّا وَمَعَهَا مُحْرَمٌ». فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، اكْتَتَبْتُ فِي غَزْوَةِ كَذَا وَكَذَا وَخَرَجْتَ امْرَأَتِي حَاجَةً؟ قَالَ: «أَذْهَبَ فَحَجَّ مَعَ امْرَأَتِكَ»». (بخاری: ۳۰۰۶). «ابن عباس رضی اللہ عنہما می گوید: شنیدم که نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «هیچ مردی با زنی (بیگانه) خلوت نکند. و هیچ زنی بدون محرم، به مسافرت نرود. مردی برخاست و گفت: ای رسول خدا! من برای فلان غزوه، ثبت نام شده‌ام و همسرم به حج رفته، پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «برو و با همسرت حج کن»».

۳- افشاء اسرار همبستری: رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم می فرماید: «إِنَّ مِنْ شَرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةَ الرَّجُلِ يَفْضِي إِلَى امْرَأَتِهِ وَتَفْضِي إِلَيْهِ ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا». (مسلم). «همانا بدترین انسان از لحاظ ارزش و منزلت نزد خداوند در روز قیامت مرد و زنی هستند که اسرار مربوط به همبستری خود را فاش می نمایند».

۴- اختلاط و در هم آمیختن با مردان و لو برادر همسر باشد: خداوند می فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَلَعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ [الأحزاب: ۵۳] «و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان (همسران پیامبر) می خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دل های شما و آن ها بهتر است».

«عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رضی اللہ عنہ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم قَالَ: «إِيَّاكُمْ وَاللُّخُوفَ عَلَى النِّسَاءِ». فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَرَأَيْتَ الْحُمُومَ؟ قَالَ: «الْحُمُومُ الْمَوْتُ»». (بخاری: ۵۲۳۲). «عقبه بن عامر رضی اللہ عنہ می گوید: رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «از رفتن نزد زنان (بیگانه) پرهیز کنید». مردی از انصار پرسید: ای رسول

خدا! نظر شما در مورد خویشاوندان شوهر (مثل برادر، عمو، پسر عمو و خواهر زاده شوهر) چیست؟ فرمود: «هلاکت، در همین است».

«امام نووی می‌فرماید: حمو نزدیکان شوهر غیر از پدر و پسران یعنی برادر و برادرزاده و عمو و عموزاده؟ و خواهر زاده‌ها را شامل می‌شود».

(مترجم).

۵- نرم و نازک نمودن صدا و آرام نمودن آن برای مردان: ﴿إِنَّ أَتَقِيَّتْنَ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ [الأحزاب: ۳۲] «اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگوئید».

مخالفت با حد شرعی به هنگام فوت شوهر در رابطه با مدت عده و زینت‌های آن، رسول اکرم ﷺ فرمود: «عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ رضی اللہ عنہا، زَوْجِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «لَا يَجُلُ لِامْرَأَةٍ تُوْمَنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ تُحِدُّ عَلَى مَيِّتٍ فَوْقَ ثَلَاثِ، إِلَّا عَلَى زَوْجِ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا». (بخاری: ۱۲۸۱).

«ام حبیبه رضی اللہ عنہا؛ همسر گرامی پیامبر اکرم ﷺ؛ می‌گوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «هر زن مؤمنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، مجاز نیست بیش از سه روز، برای کسی سوگوار باشد مگر برای شوهرش، که در آنصورت، باید چهار ماه و ده روز، به سوگ بنشیند».

استعمال زیور آلات، حنا، سرمه، عطر، خروج از منزل مگر (برای ضرورت) برای زن شوهر مرده حرام است.

توصیف کردن زنان دیگر برای مردان: رسول اکرم ﷺ فرمود: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضی اللہ عنہ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «لَا تُبَاشِرُ الْمَرْأَةَ الْمَرْأَةَ، فَتَنْتَعَتْهَا لِزَوْجِهَا كَأَنَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهَا». (بخاری: ۵۲۴۰). «عبدالله بن مسعود رضی اللہ عنہ می‌گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «هیچ زنی، نباید به بدن زن دیگری، نگاه کند و یا آنرا

لمس نماید و سپس او را نزد شوهرش، چنان توصیف کند که گویا او به آن زن، نگاه می‌کند».

۶- نگاه کردن به شهوات به مردان: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ [النور: ۳۱] «به زنان با ایمان بگو: چشمان خود را از هر نامحرمی فرو بندند و پاک دامن باشند».

قال: عنه «العینان تزنیان و زناهما النظر». (مسلم). «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: چشم‌ها نیز زنا می‌کنند، و زناى آن‌ها نگاه کردن به نامحرم و شهوات است».

۷- مصافحه و دست دادن به مردان: خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ﴾ [الأحزاب: ۵۳] «و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان (همسران پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید».

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إني لا أصفح النساء». (الترمذی والنسائی وأبوداود وأحمد). «من با زنان مصافحه نمی‌کنم» (به آنان دست نمی‌دهم).

۸- بیرون رفتن بحالت معطر: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إذا شهدت إحداكن المسجد فلا تمس طيباً». (مسلم). «هرگاه یکی از شما (زنان) به مسجد رفتید خود را معطر نکنید».

۹- درخواست طلاق: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «أیما امرأة سألت زوجها الطلاق من غير بأس فحرام عليها رائحة الجنة». (أبوداود، ترمذی، ابن ماجه، احمد وابن حبان). «هر زنی که بدون بدرفتاری شوهرش از او درخواست طلاق کند بهشت و بوی آن بر وی حرام است».

۱۰- روزه گرفتن مستحب بدون اجازه شوهر: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«لا یحِلُّ لِامْرَأَةٍ أَنْ تَصُومَ وَزَوْجِهَا شَاهِدٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَلَا تَأْذِنُ فِي بَيْتِهِ إِلَّا بِأَذْنِهِ». (البخاری و مسلم زاد أحمد إلا رمضان). «برای زن جایز نیست هنگامی که شوهرش در خانه است بدون اجازه او روزه «مستحب» بگیرد، یا به کسی اجازه ورود خانه بدهد، مگر با اجازه او». (احمد در کتاب حدیث جمله مگر در ماه رمضان را به حدیث فوق اضافه نموده است).

۱۱- سهل انگاری و بی‌اهمیت بودن نسبت به حق شوهر: پیامبر ﷺ فرمود: «لو كنتُ امرأةً أحداً أن يسجدَ لأحدٍ، لأمرتُ المرأةَ أن تسجدَ لزوجها». (الترمذی وابن حبان). «پیامبر ﷺ می‌فرماید: اگر به کسی دستور می‌دادم که برای احدی سجده برد قطعاً به زن دستور می‌دادم که برای شوهرش سجده ببرد».

۱۲- قرابت با زن در حال قاعدگی: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ﴾ [البقرة: ۲۲۲] «و از تو، در باره خون حیض سؤال می‌کنند، بگو: «چیز زيانبار و آلوده‌ای است؛ از این‌رو در حالت قاعدگی، از آنان کناره‌گیری کنید»».

موارد حرامی که معمولاً در بین زنان شایع است

۱- محرمات مجالس «آنچه در مجالس حرام است» مانند: غیبت، دورویی، حسادت، دروغ، افترا و بهتان (تهمت زدن به دیگران).

۲- خودپسندی: پیامبر ﷺ فرمودند: «لا یدخل الجنة مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ». (مسلم). «کسی که ذره‌ای کبر و خودپسندی در دلش باشد، وارد بهشت نمی‌شود».

۳- مراجعه به فالگیر و شعبده‌باز: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ

قَالَ: «اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُؤْبَقَاتِ». قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: «الشَّرْكَ بِاللَّهِ، وَالسَّحْرُ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ، وَأَكْلُ الرَّبَا، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ، وَالتَّوَلَّى يَوْمَ الرَّحْفِ، وَقَدْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْعَافِلَاتِ»». (بخاری: ۲۷۶۷). «از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «از هفت گناه نابود کننده اجتناب کنید». گفتند: ای رسول خدا! آن‌ها کدامند؟ فرمود: «شُرک به خدا، سحر، کشتن انسان بی‌گناه، خوردن ربا، خوردن مال یتیم، فرار از جهاد و تهمت زنا به زنان پاکدامن و بی‌خبر از فساد»».

از جمله آن‌ها شرک به خدا و جادو «شعبده‌بازی» «من أتى حائضاً، أو امرأة في دبرها، أو كاهناً فصدقه بما يقول، فقد كفر بما أنزل على محمد» (أبو داود و ترمذی و أحمد). «کسی که با زن در حال قاعدگی، یا از پشت «دبر» مقاربت، یا نزد غیبگو و کاهنی برود و گفته‌های او را باور داشته و تصدیق نماید، همانا نسبت به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده کفر ورزیده است».

۴- دعا بر علیه خود یا فرزندان خود: «لا تدعوا علی أنفسکم ولا تدعوا علی أولادکم ولا تدعوا علی أموالکم، لا توافقوا من الله ساعة يسأل فيها عطاء فيستجيب لكم». (مسلم). «بر علیه خود و فرزندان و اموال خود دعا نکنید که مبادا دعایتان در ساعتی باشد که خداوند در آن ساعت هر دعائی را قبول می‌نماید».

۵- بدیمنی و تفال به بدی: پیامبر صلی الله علیه و آله: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ: قَالَ: النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: «لَا طَيْرَةَ، وَخَيْرُهَا الْقَالُ». قَالَ: وَمَا الْقَالُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «الْكَلِمَةُ الصَّالِحَةُ يَسْمَعُهَا أَحَدُكُمْ»». (بخاری: ۵۷۵۵). «از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «شگون گرفتن هیچگونه اصلتی

ندارد و بهترین آن، فال است». پرسیدم: ای رسول خدا! فال چیست؟ فرمود: «سخن خوبی است که یکی از شما می‌شنود و آنرا به فال نیک می‌گیرد».

۶- خرید مجلات مبتذل: همچنین گوش دادن به آوازا و نگاه کردن به کانال‌های مبتذل ماهواره‌ای، چرا که حقیقتاً این کارها اسباب و وسایل انحراف و دل‌مردگی و اندوه‌آور می‌باشند.

۷- دراز کردن ناخنها: «قال أنس رضی الله عنه وَقَتَّ لَنَا النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم فِي قِصِّ الشَّارِبِ وَتَقْلِيمِ الْأَظْفَارِ وَحَلْقِ الْعَانَةِ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا مَرَّةً». (مسلم وأحمد). «انس رضی الله عنه می‌گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ما اصحاب سفارش می‌کرد که هر چهل روز یکبار سیبیل و ناخن را کوتاه و موی شرمگاه را بتراشیم».

۸- حضور در جشن‌ها: جشن‌هایی که در آن خلاف شرع و موارد ناپسند (مانند عکس‌ها) و فیلمبرداری و رقص، خواننده‌ها وجود داشته باشد. برابر فتوای شیخ محمد بن عثمان: حضور در آن حرام است.

از موارد و کارهای زیر پرهیزید و جداً بر حذر باشید

۱- دوستان ناباب و بد: که شما را بسوی بدی‌ها و گرفتاری‌ها و

خلافکاری و کارهای زشت و آتش دوزخ می‌کشانند. قال صلی الله علیه و آله و سلم «المرء علی دین خلیله». «مرد بر کیش دوست صمیمی خود است».

تا توانی می‌گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد مار بد تنها تو را بر جان زند یار بد هم جان و هم ایمان زند

۲- خلافکاری و متلک گوئی: از محرّمات بسیار زشت و ناپسند و بمانند سرطان غافلگیر کننده است. جوانان آن را ساده می‌پندارند در حالیکه آن‌ها را به نابودی و مرگ می‌کشاند. خداوند می‌فرماید:

﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ﴾ [الأحزاب: ۳۲] «پس به گونه‌ای هوس‌انگیز

سخن نگویند».

۳- **بازارها:** منشأ و مرکز گناهان و بدیهاست. از رفتن به بازار مگر برای حاجتی، خوداری کنید. مواظب باشید و احتیاط کنید.

۴- **پدیدار نمودن و اظهار چشم‌ها:** با پوشیدن نقاب یا مقنعه و روبند به صورت و بیرون بودن چشم‌ها، شیخ محمد بن عثیمین: فتوا داده که روا نیست و می‌گوید در زمان کنونی فتوا به جائز بودن آن نمی‌دهیم. بنظر ما منع آن بهتر است. چون وسیله‌ای است برای اجازه دادن به چیزی که جائز نیست.

۵- **تقلید از زنان کافر:** با تقلید مدل‌ها و لباس‌ها و عادت‌هایی که شما را به برهنه شدن و رها کردن حجاب اسلامی دعوت می‌کنند - مانند کوتاه نمودن مو - مدل‌های آرایش مو گِرد نمودن، و ژولیده نمودن «فرفری و درهم برهم کردن سر» باریک نمودن و حرص زیباپرستی.

۶- **پدیده عاشق شدن بین جوانان:** بطوریکه یکی به شدیدترین شیوه محبت، عاشق و شیفته دیگری می‌شود و شب و روز به وی می‌اندیشد و ساعت‌های طولانی تلفنی با او صحبت می‌کند و گاهی اوقات از کارهای وی تقلید می‌نماید، این نوع عشق حرام است و توبه نمودن و دوری از اسباب آن و اجتناب از آن واجب است.

۷- **کشف عورت:** نزد زنان کافر یا غیر آن‌ها شدیداً حرام است.

۸- **اوقات فراغت و بیکاری:** اوقات فراغت خود را با برنامه‌های دینی و مفید برای دنیا و آخرت سپری نمائید.

یعنی اوقات فراغت خود را با برنامه‌هایی سپری نمائید که هم برای دنیا و هم برای آخرت مفید باشد.

قرآن سندی است

یا به نفع شما، و یا بر علیه شما

ترجمه:

القرآن حجة لك أو عليك

تألیف:

صالح بن عبدالله الصیاح

- ۱- فضائل عمومی قرآن
 - ۲- فضائل سوره‌های معینی از قرآن
 - ۳- فضائل آیات معینی از قرآن
 - ۴- انواع دوری از قرآن
 - ۵- آداب تلاوت و مصاحبت قرآن
 - ۶- برنامه‌ای ساده برای تلاوت و ختم قرآن
 - ۷- برنامه‌ای ساده برای حفظ و ختم قرآن
 - ۸- برنامه‌ای ساده برای ختم و یادگیری معنی قرآن
- مطالب زیر بخوان تا فضائل و عظمت عمومی قرآن را دریابی

ذکر فضائل قرآن با استفاده از دلیل قرآن و سنت

۱- آرامش دل‌ها: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ [الرعد: ۲۸] «آگاه

باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد!».

۲- قرآن برای همنشینان خود شفاعت می‌کند: «اقرأ القرآن فإنه يأتي

يوم القيامة شفيعاً لأهله». (مسلم). پیامبر ﷺ فرمود: «قرآن

بخوانید همانا روز قیامت برای اصحاب خود شفاعت می‌کند».

۳- یاد گرفتن و یاد دادن آن موجب کسب نیکی است. «عَنْ عُمَانَ بْنِ

عَفَانَ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ».

(بخاری: ۵۰۲۸). «عثمان بن عفان رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود:

«بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران، یاد بدهد».

۴- طردکننده شیطان است: دلیل آنست که در فضیلت سوره بقره و آیه

الکرسی و معوذتین خواهد آمد.

۵- قرآن برای کسی که آنرا تلاوت می‌کند نفع دارد اگرچه منافق باشد.

«عَنْ أَبِي مُوسَى رضی الله عنه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «الْمُؤْمِنُ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ

وَيَعْمَلُ بِهِ كَالْأُتْرَجَةِ، طَعْمُهَا طَيِّبٌ، وَرِيحُهَا طَيِّبٌ، وَالْمُؤْمِنُ الَّذِي لَا

يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَعْمَلُ بِهِ، كَالثَّمَرَةِ طَعْمُهَا طَيِّبٌ وَلَا رِيحَ لَهَا، وَمِثْلُ الْمَنَافِقِ

الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ، كَالرِّيحَانَةِ رِيحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ، وَمِثْلُ الْمَنَافِقِ

الَّذِي لَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ، كَالْحَنْظَلَةِ طَعْمُهَا مُرٌّ أَوْ حَبِيثٌ، وَرِيحُهَا مُرٌّ».

(بخاری: ۵۰۵۹). «ابو موسی اشعری رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم ﷺ

فرمود: «مؤمنی که قرآن می‌خواند و به آن عمل می‌کند مانند ترنجبی

است که هم طعم خوبی دارد و هم از بوی خوشی برخوردار است. و

مؤمنی که قرآن نمی‌خواند ولی به آن، عمل می‌کند مانند خرمایی است

که طعم‌اش شیرین است ولی بویی ندارد. و مثال منافقی که قرآن

می‌خواند، مانند ریحانی است که بویش خوب ولی طعم‌اش، تلخ است. و

مثال منافقی که قرآن نمی‌خواند، مانند حنظله (هندوانهٔ ابوجهل) است که هم طعم‌اش، تلخ یا ناپاک است و هم بوی تلخی دارد».

۶- اهل قرآن اهل الله و از خاصان درگاه خدا می‌باشند: «إِنَّ لِلَّهِ عَلَيْكَ أَهْلِينَ مِنَ النَّاسِ. قِيلَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: أَهْلُ الْقُرْآنِ هُمْ أَهْلُ اللَّهِ وَخَاصَّتُهُ». (احمد). «رسول اکرم ﷺ فرمود: همانا خداوند در میان مردم اهل خاصی دارد. عرض کردند آن‌ها چه کسانی هستند یا رسول الله؟ فرمود: اهل قرآن اهل الله و خواص او می‌باشند».

۷- قرآن سندی «حجتی» است برای تو: «القرآن حجةٌ لك أو عليك». (بخاری). «قرآن سندی است یا به نفع تو و یا علیه تو».

۸- قرآن حافظ تو از هر بلائی است: چنانچه در بیان فضیلت معوذتین و دو آیه آخر سوره بقره خواهد آمد.

۹- تلاوت قرآن از بزرگ‌ترین نعمت‌ها است: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «لَا حَسَدَ إِلَّا فِي اثْنَتَيْنِ: رَجُلٌ عَلَّمَهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ، فَهُوَ يَتْلُوهُ آتَاءَ اللَّيْلِ وَآتَاءَ النَّهَارِ، فَسَمِعَهُ جَارٌ لَهُ، فَقَالَ: لَيْتَنِي أُوتِيتُ مِثْلَ مَا أُوتِيَ فَلَانٌ فَعَمِلْتُ مِثْلَ مَا يَعْمَلُ. وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالاً، فَهُوَ يُهْلِكُهُ فِي الْحَقِّ، فَقَالَ رَجُلٌ: لَيْتَنِي أُوتِيتُ مِثْلَ مَا أُوتِيَ فَلَانٌ فَعَمِلْتُ مِثْلَ مَا يَعْمَلُ»». (بخاری: ۵۰۲۶). «ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: رسول الله ﷺ

فرمود: «فقط در مورد دو نفر، می‌توان غبطه خورد: نخست، مردی که خداوند به او قرآن، آموخته است و او آنرا شب و روز، تلاوت می‌کند. پس همسایه‌اش می‌شنود و می‌گوید: ای کاش! به من نعمتی مانند نعمتی که به فلانی عطا شده است، ارزانی می‌شد. در آن صورت، من هم مانند او قرآن تلاوت می‌کردم. و دیگر، مردی که خداوند به او ثروت، عنایت کرده است و او آنرا در راه خدا انفاق می‌کند. پس شخص دیگری می‌گوید: ای کاش! به من هم نعمتی مانند نعمتی که به فلانی عطا شده است، ارزانی

می‌شد. در آن صورت، من هم مانند او انفاق می‌کردم».

۱۰- بلندپایگی و رفعت در دنیا و قیامت: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً

لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾ [الإسراء: ۷۹] «و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد!».

﴿إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَذَا الْكِتَابِ أَقْوَامًا وَيَضَعُ بِهِ الْأَخْرِينَ﴾. (مسلم). «رسول اکرم ﷺ: خداوند بوسیله این کتاب (قرآن) اقوامی را سربلند، و اقوامی را بر زمین می‌زند «شکست می‌دهد»».

۱۱- شما را از تاریکی بیرون می‌آورد: ﴿الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ

النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ [إبراهیم: ۱] «الر، (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکیهای (شرک و ظلم و جهل) به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی) در آوری».

۱۲- حاضر شدن فرشتگان «به هنگام تلاوت قرآن»: ﴿تِلْكَ الْمَلَائِكَةُ

كَانَتْ تَسْتَمِعُ لَكَ وَلَوْ قَرَأْتَ لِأَصْبَحْتَ يَرَاهَا النَّاسُ مَا تَسْتَتِرُ مِنْهُمْ﴾. (مسلم). «پیامبر اکرم ﷺ: فرشتگان به شما گوش فرا می‌دهند و اگر به تلاوت قرآن ادامه می‌دادی، صبح می‌شد و مردم فرشتگان را می‌دیدند و از دید مردم پنهان نمی‌شدند».

۱۳- برای تلاوت هر حرفی ده حسنه وجود دارد: «من قرأ حرفاً من

کتاب الله فله حسنة، والحسنة بعشر أمثالها لا أقول ألم حرف ولكن ألف حرف، ولام حرف، وميم حرف». (الترمذی). «کسی که یک حرف از کتاب خدا «قرآن» را تلاوت کند. یک حسنه «نیکی»

نصیبش می‌شود. هر حسنه ده برابر پاداش دارد. «پس مزد هر حرفی ده حسنه است» و من نمی‌گویم که الم یک حرف است، بلکه الف یک حرف، و لام یک حرف، و میم یک حرف است».

۱۴- **علو درجه در بهشت:** «یُقَال لَصَاحِبِ الْقُرْآنِ اقْرَأْ وَارْقُ وَرَتَّلْ كَمَا كُنْتَ تُرْتَلُ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّ مَنزِلَتَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةِ تَقْرَأُهَا». (الترمذی). پیامبر ﷺ می‌فرماید: «روز قیامت به همنشین قرآن گفته می‌شود: بخوان و در درجات بالا برو و ترتیل کن و زیبا و با ادب بخوان همانا منزلت تو نزد آخرین آیه‌ی است که تلاوت می‌نمایی «یعنی بسیار بالاست»».

۱۵- **محفوظ شدن از فتنه‌ها و بلیات:** «من حفظ عشر آيات من أول سورة الكهف عُصِمَ من فتنة الدجال». (مسلم). پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هر کس ده آیه از اول سوره کهف را حفظ کند از فتنه دجال در امان خواهد ماند».

۱۶- **مقام رفیع و اجر و پاداش چند برابر:** «الماهر بالقرآن مع السفارة الكرام البررة والذي يقرأ القرآن وَيَتَتَعْتَعُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌ لَهُ أَجْرَانِ». (مسلم). رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «آنکه در خواندن قرآن مهارت دارد با کاتبان گرامی وحی خواهد بود و آنکه قرآن را می‌خواند ولی در آن درمی‌ماند و «بخاطر لکنت زبان» خواندن برایش دشوار است دو اجر دارد».

۱۷- **قرآن محافظ است.** چنانکه در بحث فضائل سوره فاتحه و آیه الکرسی و معوذتین خواهد آمد.

۱۸- **نزول آرامش، باریدن رحمت، قرار گرفتن در حضور خدا:** «ما اجتمع قوم في بيت من بيوت الله يتلون كتاب الله ويتدارسونه بينهم إلاَّ

نزلت علیهم السکینه و غشیتهم الرحمه و حفتهم الملائکه و ذکرهم الله فیمن عنده». (مسلم). رسول اکرم ﷺ می فرماید: «هرگاه گروهی در خانه‌ای از خانه‌های خدا «مسجد» گردهم آیند و دور هم جمع شوند و قرآن را تلاوت نمایند، و آن را بین خود تدریس کنند. و تفسیر و تبیین و تمرین کنند، خداوند آرامش را بر آنان نازل، و رحمت را بر آن‌ها می‌باراند، و فرشتگان پیرامون آنان حلقه می‌زنند، و در ملاً اعلی بفرمان خدا مورد بحث قرار می‌گیرند، و خداوند آن‌ها را از مقربان درگاه خود محسوب می‌نماید».

۱۹- ازدیاد ایمان و پایداری: ﴿وَإِذَا تُلِّیَتْ عَلَیْهِمْ آیَاتُهُ وَرَأَتْهُمْ إِیْمَانًا﴾ [الأنفال: ۲] «و هنگامی که آیات «قرآن» بر آنان خوانده می‌شود بر ایمانشان می‌افزاید».

﴿كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِیْلًا﴾ [الفرقان: ۳۲]. «همین‌گونه «ما قرآن را بصورت آیات جداگانه و بخش بخش فرستیم» تا دل تو را (بانس بدان و حفظ آن پابرجا و استوار بداریم) و آنرا آرام و آرام فرو خوانیم (تا آنرا بدقت بیاموزی و کم کم به خاطر بسپاری)».

۲۰- شفاء و رحمت است: ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ﴾ [الإسراء: ۸۲]. «ما آیاتی از قرآن را فرو می‌فرستیم که مایه بهبودی (دل‌ها از بیماری نادانی و گمراهی و پاکسازی درون‌ها از کثافات هوی و هوس و تنگ چشمی و آزمندی و تباهی) و رحمت مؤمنان (به سبب در برداشتن ایمان و رهنمودهای پرخیر و برکت خدا) است».

۲- انواع دوری، جدائی، رها کردن و قطع رابطه با قرآن:

- ۱- دور بودن از ایمان به آن. ۲- دوری از تلاوت و شنیدن آن. ۳- دوری از عمل نمودن به آن. ۴- دوری از حاکم گردانیدن و داوری با آن.

۵- دوری از تأمل کردن و فهم و درک آن. ۶- دوری و اجتناب از دعوت کردن «مردم» بسوی آن. ۷- دوری از مصاحبه کردن و درمان نمودن «دل‌های خود» با آن.

۳- فضائل سوره‌های معینی از قرآن

الفاتحه، البقره، آل عمران، الکهف، الملک، الکافرون، الإخلاص، المعوذتین (الفلق، الناس).

سوره الفاتحه:

۱- «أُبَشِّرُ بَنُورِينَ أَوْتَيْتَهُمَا لَمْ يُؤْتِيَهُمَا نَبِيٌّ قَبْلَكَ. فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَخَوَاتِيمَ سُورَةِ الْبَقْرَةِ، لَنْ تَقْرَأَ بِحَرْفٍ مِنْهَا إِلَّا أُعْطِيَتْهُ». (مسلم). «مژده بده به دو نور که به شما عطا کرده‌ام و قبل از تو به هیچ پیغمبری عطا نکرده‌ام. یکی فاتحه کتاب «سوره فاتحه» و دیگری آخرهای سوره البقره. حرفی از آن‌ها را قرائت نمی‌کنی مگر آنکه آنچه بخواهی بشما عطا می‌کنم».

۲- «لَأُعَلِّمَنَّكَ سُورَةً هِيَ أَعْظَمُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ؟ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ هِيَ: السَّبْعُ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمُ الَّذِي أُوتِيَتْهُ»». (بخاری: ۴۴۷۴). «سوره‌ای را که بزرگ‌ترین سوره قرآن است، به تو می‌آموزم؟ فرمود: «آن، سوره حمد است که دارای هفت آیه می‌باشد و در هر رکعت نماز، تکرار می‌شود و آن، همان قرآن بزرگی است که به من عنایت شده است»».

۳- «رَقِي صَحَابِي مَلْدُوعًا فَكَانَ يَقْرَأُ عَلَيْهِ أُمَّ الْقُرْآنِ وَيَجْمَعُ بَزَاقَهُ وَيَتْفَلُّ فَبِرَأٍ، فَأَتَى النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ وَاللَّهِ مَا رَقِيتُ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ. فَتَبَسَّمَ ﷺ وَقَالَ وَمَا أَدْرَاكَ أَنَّهَا رَقِيَةٌ». (متفق علیه). «یکی از اصحاب برای کسیکه «حشره‌ای» او را نیش زده بود «نیش زده شده» دعا کرد، او سوره فاتحه را بر فرد نیش زده می‌خواند و آب دهان خود را جمع می‌کرد و بر جای

نیش می‌دمید پس خوب شد. خدمت پیامبر ﷺ آمد و گفت بخدا بجز فاتحه چیزی بر آن نخوانده‌ام، پس پیامبر ﷺ تبسمی کرد و فرمود: چه می‌دانستی که فاتحه رقیه و تعویذ است».

۴- «وما أنزل الله في التوراة ولا في الإنجيل مثل أم القرآن وهي السبع المثاني، قال الله تعالى: هي مقسومي بيني وبين عبدي ولعبدي ما سألت». (النسائی والترمذی). پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خداوند نه در تورات و نه در انجیل همانند ام القرآن «فاتحه» نازل ننموده، و همان است سبع مثانی. خداوند می‌فرماید که فاتحه بین خود و بندگانم تقسیم کرده‌ام و بنده من آنچه را که بخواهد و طلب کند».

۵- «من صلی صلاة لم یقرأ فیها بأَم القرآن فھی خداج خداج غیر تمام». (مسلم). پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «کسی که نماز بخواند و در آن فاتحه نخواند نمازش ناقص و ناتمام است».

سورة البقره:

۱- «اقرأوا الزهراوين: البقرة وسورة آل عمران فَإِنَّهُمَا تَأْتِيَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَأَنَّهُمَا غَمَامَتَانِ أَوْ غَيَايَتَانِ، أَوْ كَأَنَّهُمَا فِرْقَانِ مِنَ الطَّيْرِ صَوَافٍ تَحَاجَانِ عَنْ أَصْحَابِهِمَا. (مسلم). وفي رواية: أهل القرآن الذين يعملون به». رسول اکرم ﷺ فرمود: «دو سوره زهراوين: البقره و آل عمران را بخوانید، همانا آن دو سوره روز قیامت می‌آیند، مانند دو ابر یا دو سایبان سیاه هستند، یا اینکه مانند دو گروه از پرندگان صف شده که بال‌های خود را بهم نزنند از صاحب خود حمایت می‌کنند. در روایتی هست که قرآن و کسانی که به آن عمل می‌کرده‌اند را می‌آورند «آن دو سوره قرآن بترتیبی که ذکر شد از آن‌ها حمایت می‌کنند»».

۲- «اقرءوا سورة البقرة فَإِنَّ أَخْذَهَا بَرَكَةٌ وَتَرْكُهَا حَسْرَةٌ وَلَا تَسْتَطِيعُهَا الْبَطْلَةُ». (مسلم). البطلَةُ السَّحَرَةُ. «سوره بقره را بخوانید و یاد بگیری که فرا گرفتنش برکت و ترک آن مایه حسرت و پشیمانی است و جادوگران بر آن ناتوانند». - «لَا تَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ مُقَابِرَ: إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْفِرُ مِنَ الْبَيْتِ الَّذِي تَقْرَأُ فِيهِ سُورَةَ الْبَقَرَةِ». (مسلم). «خانه خود را قبرستان نکنید. همانا شیطان از خانه‌ای که در آن سوره بقره خوانده می‌شود فرار می‌کند».

سوره آل عمران:

در خلال بیان فضیلت سوره البقره فضل سوره آل عمران نیز بیان شد.

سوره الکهف:

۱- «من حفظ عشر آيات من أوَّلِ سورة الكهف عصم من فتنة الدجال». (مسلم). پیامبر می‌فرماید: «هر کس ده آیه از اول سوره کهف را حفظ کند از فتنه دجال درامان خواهد ماند».

۲- قال أبوسعید: «من قرأ سورة الكهف يوم الجمعة أضاء له من النور فيما بينه وبين البيت العتيق». (الدارمی). از ابن مسعود رضی الله عنه نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «هر کس سوره الکهف را در روز جمعه بخواند. نوری در بین او و خانه خدا (بیت الله) برایش روشن می‌شود».

سوره ملک:

۱- «سورة من القرآن ثلاثون آية تستغفر، أو تشفع لصاحبها حتى يغفر له: تبارك الذي بيده الملك». (أبوداود، الترمذی، ابن ماجه وابن حبان). رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «در قرآن سوره‌ای هست که سی آیه

دارد. برای کسیکه آنرا می‌خواند درخواست مغفرت و شفاعت می‌کند تا آمرزیده شود و آن سوره تبارک الذی بیده الملك می‌باشد».

۲- «قال ابن مسعود رضی الله عنه: سوره الملك هي المانعة من عذاب القبر من قرأها كل ليلة فقد أكثر وأطيب». (عبدالرزاق والطبرانی والحاكم).
«ابن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: سوره ملك مانع و نجات‌دهنده از عذاب قبر است. هر کس آنرا هر شب بخواند بهتر و بیشتر و افزون‌تر است».

سوره الكافرون:

۱- «سمع رضی الله عنه رجلاً يقرأ «الكافرون» قال رضی الله عنه أما هذا فقد برىء من الشرك». (أحمد والدارمی). «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مردی شنید که سوره «کافرون» می‌خواند فرمود اما این مرد از شرک و بت‌پرستی بری است».
۲- «اقرأ قل يا أيها الكافرون ثم نم على خاتمتها فإنها براءة من الشرك». (ترمذی). پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «سوره قل يا أيها الكافرون را بخوان و در پایانش بخواب که امان از شرک خواهد بود».

سوره اخلاص ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾:

۱- «وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ خَدْرِيِّ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص لِأَصْحَابِهِ: «أَيَعِجْزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ فِي لَيْلَةٍ؟ فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ، وَقَالُوا: أَيْنَا يُطِيقُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: «اللَّهُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ ثُلُثُ الْقُرْآنِ»». (بخاری: ۵۰۱۵). «ابوسعید خدری رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به یارانش فرمود: «آیا کسی از شما می‌تواند یک سوم قرآن را در یک شب، تلاوت کند؟ این کار برای آن‌ها دشوار به نظر رسید. لذا پرسیدند: ای رسول خدا! چه کسی از ما توانایی چنین کاری را دارد؟ فرمود: «سوره اخلاص، برابر با یک سوم قرآن است»».

۲- «عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعَثَ رَجُلًا عَلَى سَرِيَّةٍ، وَكَانَ يَقْرَأُ لِأَصْحَابِهِ فِي صَلَاتِهِمْ فَيَخْتِمُ بِـ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾. فَلَمَّا رَجَعُوا ذَكَرُوا ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «سَلُوهُ لِأَيِّ شَيْءٍ يَصْنَعُ ذَلِكَ؟» فَسَأَلُوهُ، فَقَالَ: لِأَنَّهَا صِفَةُ الرَّحْمَنِ، وَأَنَا أَحِبُّ أَنْ أَقْرَأَ بِهَا. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَخْبِرُوهُ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُ»». (بخاری: ۷۳۷۵). «عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌گوید: نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مردی را بعنوان فرمانده یک دسته‌ی نظامی، تعیین و اعزام کرد. او که نماز را برای یارانش امامت می‌کرد، قرائتش را با ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ به پایان می‌رساند. آنان هنگام بازگشت، مسئله را برای نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بازگو کردند. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «از او بپرسید که چرا چنین می‌کند». از وی پرسیدند. گفت: چون در این سوره، صفت خدای رحمان، بیان شده است لذا دوست دارم آنرا بخوانم. نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «به او بگویند که خداوند هم او را دوست دارد»».

۳- «إِنَّ اللَّهَ جَزَأَ الْقُرْآنَ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءَ فَجَعَلَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ جِزَاءً مِنْ أَجْزَاءِ الْقُرْآنِ». (مسلم). پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «همانا خداوند (ثواب قرائت) قرآن را سه قسمت نموده که ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾. جزئی از این سه جزء قرآن است».

یعنی معادل ثلث قرآن است.

۴- «عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ كُلَّ لَيْلَةٍ، جَمَعَ كَفَّيْهِ ثُمَّ نَفَثَ فِيهِمَا، فَقَرَأَ فِيهِمَا: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ ثُمَّ يَمْسَحُ بِهِمَا مَا اسْتَطَاعَ مِنْ جَسَدِهِ، يَبْدَأُ بِهِمَا عَلَى رَأْسِهِ وَوَجْهِهِ، وَمَا أَقْبَلَ مِنْ جَسَدِهِ،

يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ». (بخاری: ۵۰۱۷). «عایشه رضی الله عنها می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله هر شب، هنگامی که که به رختخواب می رفت، کف دست هایش را به هم نزدیک می کرد و سوره های اخلاص و فلق و ناس را می خواند و در آن ها می دمید. سپس از سر و صورت و قسمت جلوی بدنش شروع می نمود و تا جایی که می توانست مسح می کرد و این کار را سه بار، تکرار می نمود».

۵- «سمع رضی الله عنه رجلاً یقرأ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ فقال أما هذا فقد عُفِرَ له». (أحمد والدارمی). «پیامبر صلی الله علیه و آله از مردی شنید که ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ می خواند فرمود اما این مرد آمرزیده شده است».

۶- «قال عبدالله بن خبيب رضی الله عنه قال لي صلی الله علیه و آله قل فقلت ما أقول؟ قال ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ والمعوذتين حين تسمي وحين تصبح ثلاثاً تكفيك كل شيء». (النسائي والترمذی). «عبدالله بن خبيب رضی الله عنه می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود بگو. گفتم چه بگویم؟ فرمود ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ومعوذتين را هنگام شام و صبح سه بار بخوان که از هر چیز تو را کفایت می کند».

۷- «عن أبي هريرة رضی الله عنه: أنه قال سمع صلی الله علیه و آله رجلاً یقرأ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ فقال وجبت. قلت وما وجبت؟ قال: الجنة». (الترمذی والنسائي وأحمد). «از ابوهریره رضی الله عنه نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که مردی ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ می خواند فرمود: برایش واجب شد. گفتم که چه چیزی واجب گردید؟ فرمود: بهشت».

سوره‌های معوذتین

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾:

۱- «ألم تر آيات أنزلت الليلة لم ير مثلهن قط، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾». (مسلم). پیامبر ﷺ فرمود: «آیا نشنیده‌ای آیاتی را که در شب نازل شده و هرگز مثل آنرا ندیده‌ای (آن آیات) ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ می‌باشند». (مسلم).

۲- «عن ابن عباس رضي الله عنه أنه رضي الله عنه قال له يا ابن عباس ألا أدلك بأفضل ما يتعوذ به المستعوذون؟ قال: بلى، قال: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾، هاتين السورتين». (النسائي وأحمد). «از ابن عباس رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ به او فرمود: ای ابن عباس آیا خبرت ندهم به بهترین چیزی که پناهندگان به آن پناه برده‌اند؟ عرض کرد بله. فرمود ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾.. این دو سوره». (نسائی و أحمد).

۳- «عن عائشة رضي الله عنها قالت: كان رضي الله عنه إذا مرَّضَ أحدًا من أهله نفث عليه بالمعوذات». (مسلم). «از عائشه رضي الله عنها نقل شده که گفت هرگاه یکی از اعضاء خانواده پیامبر ﷺ بیمار می‌شد معوذتین را می‌خواند و بر او می‌دمید».

۴- «وَعَنْهَا رضي الله عنها: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ رضي الله عنه كَانَ إِذَا اشْتَكَى نَفَثَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْمُعَوِّذَاتِ، وَمَسَحَ عَنْهُ بِيَدِهِ فَلَمَّا اشْتَكَى وَجَعَهُ الَّذِي تُؤَفِّي فِيهِ، طَفِقَتْ أَنْفِثَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْمُعَوِّذَاتِ الَّتِي كَانَ يَنْفِثُ، وَأَمَسَحَ بِيَدِ النَّبِيِّ رضي الله عنه

عَنْهُ». (بخاری: ۴۴۳۹). «عایشه رضی الله عنها می گوید: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بیمار می شد، معوذات (سوره ناس، فلق و اخلاص) را می خواند و بر خود می دمید و با دست خود، بر بدن اش می مالید. پس هنگامی که در بیماری وفاتش بسر می برد، من نیز همان معوذات را که او می خواند و بر خود می دمید، می خواندم و دست نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بر بدنش می کشیدم».

۴- فضائل آیات معینی از قرآن:

آیه الكرسي:

۱- «قَالَ لِي: إِذَا أُوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ مِنْ أَوَّلِهَا حَتَّى تَخْتِمَ الْآيَةَ: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ وَقَالَ لِي: لَنْ يَزَالَ عَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ، وَلَا يَقْرَبَكَ شَيْطَانٌ حَتَّى تُصْبِحَ». (بخاری: ۲۳۱۱). «به من گفت: هرگاه به بستر خواب رفتی آیت الكرسي را از اول تا آخر بخوان که از طرف خداوند بر تو نگهبان خواهد بود، و ناخوشایندی نخواهی دید و تا صبح فرشتگان تو را از شیطان، حفاظت خواهند کرد».

۲- «عن أبي كعب رضی الله عنه قال: قال لي رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم أتدري أي آية من كتاب الله معك أعظم؟ فقلت: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ فضرب في صدري وقال ليهنك العلم أبا المنذر». (مسلم). «از ابی بن کعب رضی الله عنه نقل شده که گفت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: آیا می دانی کدام آیه قرآن نزد تو از همه بزرگتر و عظیمتر است. گفتم آیه ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ پیامبر دست به سینه ام زد و فرمود: احسن بر تو ای ابا منذر».

۳- «من قرأ آية الكرسي في دُبُرِ كل صلاة مكتوبة لم يمنعه من دخول الجنة إلا أن يموت». (النسائي في الكبرى). رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «کسی که بعد از هر نماز واجب آیت الكرسي را بخواند هیچ چیز جز مرگ مانع از داخل شدنش به بهشت نیست».

دو آیه آخر سوره البقره:

- ۱- «عَنْ أَبِي مَسْعُودِ الْبَدْرِيِّ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «الْآيَاتَانِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ مَنْ قَرَأَهُمَا فِي لَيْلَةٍ كَفَّتَاهُ» (بخاری: ۴۰۰۸).
- «ابومسعود بدری رضي الله عنه می‌گوید: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «هرکس، دو آیه آخر سوره بقره را در شب بخواند، او را کفایت می‌کنند».
- ۲- «أَبَشْرُ بنورين أوتيتهما لم يؤتهما نبي قبلك فاتحة الكتاب وخواتيم سورة البقرة لن تقرأ بحرف منهما إلا أعطيته» (مسلم). حدیث قدسی: پیامبر صلى الله عليه وآله می‌فرماید که خداوند فرموده: «مژده بده بدو نوری که به شما عطا نموده‌ام و قبل از تو به هیچ پیغمبری نداده‌ام: یکی سوره الفاتحه و دیگری آیه‌های آخر سوره البقره، هیچ حرفی از آن‌ها «دو نور» را قرائت نمی‌کنی مگر آنکه خواسته‌ات را برآورده می‌نماید».
- ۳- «آيتين ختم بهما سورة البقرة ولا تقرآن في دار ثلاث ليال فيقر بها شيطان» (الترمذی). رسول اکرم صلى الله عليه وآله می‌فرماید: «دو آیه وجود دارد که با آن‌ها سوره البقره پایان یافته آن دو آیه در هیچ خانه‌ای سه شب خوانده نشوند مگر اینکه شیطان به آن خانه نزدیک نشود».

آداب و دستوراتی در باره قرآن کریم

- ۱- حفاظت و پایبندی و کثرت تلاوت آن: «عَنْ أَبِي مُوسَى رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله قَالَ: «تَعَاهِدُوا الْقُرْآنَ، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ نَفْصًا مِنَ الْإِبِلِ فِي عُقْلِهَا» (بخاری: ۵۰۳۳). «ابوموسی اشعری رضي الله عنه می‌گوید: نبی اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: «از قرآن، مواظبت کنید (همواره آنرا تلاوت نمایید) سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، قرآن سریع‌تر از شتری که زانویش بسته باشد، می‌گریزد».

(یعنی همانطوریکه اگر مدتی شتری را که زانوبند به پایش بسته شده رها کنیم و مواظب آن نباشیم. زانو بند آن پاره و شتر رها می‌شود. قرآن نیز اگر از آن محافظت نشود و مرور و تمرین و بر خواندن آن مداومت نشود از یاد می‌رود).

۲- ختم آن در هر ماه، یا بیست روز، یا ده روز، یا هفت روز یکبار: «واقراً القرآن في كل شهر، قال: قلت: يا نبي الله! إني أطيق أفضل من ذلك. قال: فاقراءه في كل عشرين قال قلت: يا نبي الله! إني أطيق أفضل من ذلك. قال: فاقراءه في كل عشر قال قلت: يا نبي الله! إني أطيق أكثر من ذلك. قال: فاقراءه في كل سبع، ولا تزدد على ذلك». (البخاری و مسلم).

رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم می‌فرماید: «قرآن را در مدت یکماه ختم کنید، صحابی گفت: ای پیامبر خدا، من می‌توانم کم‌تر از یکماه ختم کنم، فرمود: در بیست روز ختم کنید، صحابی گفت: ای پیامبر خدا، من می‌توانم کم‌تر از بیست روز ختم کنم، فرمود: در ده روز ختم کنید، صحابی گفت: ای پیامبر خدا، من می‌توانم کم‌تر از ده روز ختم کنم، فرمود: در هفت روز قرآن را ختم کن و کم‌تر از هفت روز ختم نکن».

۳- آنرا در کم‌تر از سه روز ختم نکن: «من قرأ القرآن في أقل من ثلاث لم يفقهه». (أحمد، أبوداود وابن ماجه). پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم می‌فرماید: «کسی که قرآن را در کم‌تر از سه روز ختم کند آن را نمی‌فهمد». (یعنی تدبر نمی‌کند).

۴- آراستن و نیکو کردن صدا: «لیس منا من لم يتغنَّ بالقرآن، يجهر به». (البخاری). پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم: «بر روش ما نیست کسی که قرآن را با صدای زیبا و بلند نخواند و آنرا آشکار نکند».

۵- ادا نمودن قسمت‌هایی از قرآن «حزب قرآن» که جا گذاشته و نخوانده است. «من نام عن حزبه، أو عن شيء منه، فقرأه فيما بين صلاة الفجر وصلاة الظهر، كتب له كأنما قرأه من الليل» (مسلم). پیامبر ﷺ می‌فرماید: «کسی که نتواند شب زنده‌داری کند تا قسمتی از قرآن که هر شب در نماز می‌خوانده بخواند و خوابش رود، سپس آن قسمت را در فاصله میان نماز صبح و ظهر بخواند ثوابش مثل آنست که آن قسمت را در شب خوانده باشد».

۶- پائین آوردن صدا: «الجاهر بالقرآن كالجاهر بالصدقة، والمسر بالقرآن كالمسر بالصدقة». (أبو داود). پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هرکس قرآن را علنی بخواند مثل آنست که صدقه را علنی داده است و هر که قرآن را مخفیانه بخواند مثل آنست که صدقه را مخفیانه داده است».

۷- در حال جنابت «جنب» آنرا نخواند: «قال علي لم يكن رسول الله ﷺ يحجبه عن القرآن شيء ليس الجنابة». (أبو داود). «علی ﷺ می‌گوید: هیچ چیز بجز جنابت پیامبر را از تلاوت قرآن منع نمی‌کرد».

۸- ترتیل و زیبا گردانیدن آن: ﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾ [المزمل: ۴] «و قرآن را با دقت و تأمل بخوان و فصاحت تلاوت کن».

۹- تدبر و اندیشیدن در معانی آن: ﴿كَتَبُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبْرَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ ۖ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴿٦٩﴾﴾ [ص: ۲۹]. «این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبر کنند و خردمندان متذکر شوند».

۱۰- خشوع و فروتنی و گریه نمودن: ﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ﴾ [الحديد: ۱۶]. «آیا وقت آن

نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق (قرآن) نازل کرده است خاشع گردد؟!».

۱۱- استعاذه و پناه بردن بخدا: اعوذ بالله من الشیطن الرجیم گفتن.

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾

[النحل: ۹۸]. «هنگامی که قرآن می‌خوانی، از شر شیطان مطرود، به خدا پناه بر».

۱۲- ذکر و خواندن سجده تلاوت: «سجد وجهی للذي خلقه وشق سمعه

وبصره بحوله وقوته». (أبوداود).

هرگاه به جایی رسید که مشتمل بر سجده بود بعد از تلاوت آن به حالت

سجده درآید و بگوید: «سجد وجهی للذي خلقه وشق سمعه وبصره بحوله وقوته».

یعنی: صورت من برای کسی که او را آفرید، سجده کرد و گوش و چشم نیز تا حد توانایی و قدرت بشکافت. آفرین بر خداوند که بهترین آفرینندگان است.

۱۳- واکنش و تحت تأثیر قرار گرفتن بوسیله معانی آیات: «كان ﷻ يقرأ

مترسلاً إذا مر بآية فيها تسبيح، سبح، وإذا مر بسؤال، سأل، وإذا مر

بتعوذ، تعوذ» (مسلم وأحمد). «پیامبر ﷺ آهسته و بدون شتاب

قرآن قرائت می‌فرمود: هرگاه به آیه‌ای می‌رسید که در آن تسبیح بود،

تسبیح «سبحان الله» می‌گفت، و اگر در آیه‌ای دعا بود دعا می‌کرد، و

در هر آیه‌ای پناه بردن بود، بخدا پناه می‌برد».

۱۴- واجب بودن پاکی و وضوء به هنگام دست زدن به آن: «لايمس

القرآن إلا طاهر». (مالک والدارمی). پیامبر ﷺ خطاب به قرآن:

«همانا هیچ چیز مرا منع نمی‌کند که بسوی تو بیایم و تو را تلاوت نمایم

بجز اینکه وضوء ندارم».

۸	۱	۱/۶	۲	۳	۱/۴	۴	۱/۸	۶	۸	۱	۲
ماه					۳		۴			۲	۴

مقداری که در سال حفظ می شود

مثال: اگر روزانه فقط یک سطر قرآن حفظ شود در مدت بیست و چهار سال تمام قرآن حفظ خواهد شد. (مترجم).

برنامه‌ای آسان برای یادگیری و تدبیر در قرآن با فراگرفتن چند آیه در روز با استفاده از تفاسیر مختصر و خوب مانند «تفسیر سعدی، زبده التفاسیر و تفسیر ابن کثیر» همراه با حفظ آن «در صورت تمایل»:

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۹	۱۱	۱۲	۱۶	۱۱	۱۶	۱۵	۱۰	۱۹	۱۷
۱	۱/	۲	۲	۲/	۳	۴	۵/	۸	۱۷

تعداد آیات یادگرفته در روز آنچه در چند سال و ماه یاد می گیرید

مثال: اگر روزانه یک آیه قرآن را حفظ و یاد بگیرید (همراه با معنی) در مدت هفده سال و هفت ماه معنی تمام قرآن را یاد گرفته و حفظ می نمائید.

دعا و ذکرهایی که مسلمان را در برمی‌گیرد و محفوظ می‌نماید

اذکار در برگیرنده (حافظ) مسلمان

ترجمه رساله:

أذکار المسلم الشاملة

تألیف:

عید العنزى

ذکرهای هنگام خواب و هنگام بیدار شدن

ذکر هنگام خوابیدن:

۱- آیت الکرسی را بخوانید:

فضیلت آن: حافظ شما خواهد بود و آن شب تا صبح از شر شیطان محفوظ خواهی ماند.

۲- دو آیه آخر سوره بقره:

فضیلت آن: از بدی و غم تو را کفایت می‌کند.

۳- دست‌های خود را «بمانند دعا» جمع کنید و سوره‌های اخلاص،

فقل، ناس را بر آن بخوانید و در دستان خود بدمید و سپس دستان

خود را بر سر و صورت و تن خود بمالید.

فضیلت آن: سحر و جادو و چشم‌های بد و جنی‌ها را دفع می‌نماید.

۴- ذکر سبحان الله والحمد لله والله اکبر را بخوانید.

فضیلت: حاصل شدن و بدست آوردن اجر عظیم.

۵- خواندن این ذکر: «اللَّهُمَّ أَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي

إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ

لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ

وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ». (البخاری مع الفتح ۱۱۳/۱۱ و مسلم

۲۰۸۱/۴). «بار الها! جانم را به تو سپردم، و کار خود را به تو تفویض

نمودم، و چهره‌ام را به سوی تو گرداندم، و به تو اتکا کردم، در حالی که به

نعمت‌های تو امیدوارم و از عذابت بیم‌ناکم، به جز تو پناهگاهی و جای

نجاتی ندارم. الهی! به کتابی که تو نازل فرمودی، و پیامبری که تو

مبعوث کردی، ایمان آوردم».

فضیلت آن: اگر در شبی که این دعا را خوانده‌ای فوت کنی بر فطرت

اصلی خود «دین اسلام» فوت نموده‌ای.

دعای هنگام بیدار شدن از خواب در شب

۱- این ذکرها را بخوانید «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي».

(البخاری مع الفتح ۳۹/۳ و غیرها و لفظ از ابن ماجه است، نگا:

صحیح ابن ماجه ۳۳۵/۲). «هیچ معبودی به جز الله «بحق» وجود

ندارد، یکتاست و شریک ندارد، و پادشاهی و ستایش از آن اوست، و او بر

هر چیز تواناست. الله پاک و منزّه است، و حمد از آن اوست، و هیچ

معبودی به جز الله «بحق» وجود ندارد، و خدا بزرگ‌ترین است، و هیچ

حول و قدرتی بجز از طرف خدای بلندمرتبه و بزرگ نیست. خدایا! مرا پیامرز».

فضیلت آن: هر کس این ذکر را بعد از بیدار شدن در خواب بخواند اگر دعا کند دعایش مستجاب، و اگر از خدا طلب مغفرت نماید آمرزیده می‌شود، و اگر نماز بخواند قبول می‌شود.

دعا و ذکر هنگام بیدار شدن از خواب «در صبح»

۱- «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ». (البخاری مع الفتح ۱۱۳/۱۱، و مسلم ۴/۲۰۸۳). «تمام ستایش‌ها از آن خدایی است که پس از میراندن ما را زنده کرده است، و بازگشت به سوی اوست».

* هنگام دیدن کسی که او را دوست دارید بگویید الحمد لله و سپس به وی بگویید که شما را دوست دارم.

* هنگام دیدن کسی که از او بدتان می‌آید: از شر او بخدا پناه ببرید و بگویند أعوذ بالله من شره، و به او نگویند که شما را دوست ندارم و از دیدنتان ناراحتم.

ذکرهای هنگام اذان گفتن

به هنگام اذان: همان ذکرهایی که مؤذن در اذان می‌گوید تکرار کنید. مگر وقتیکه مؤذی می‌گوید: «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، وَحَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ»، که در جواب می‌گوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (البخاری ۱۵۲/۱ و مسلم ۱/۲۸۸).

فضیلت آن: کسی که از ته قلب آنرا بگوید. بهشتی است.

بعد از پایان اذان: ۱- صلوات بر پیامبر ۲- گفتن این ذکر: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مُحَمَّدًا الَّذِي وَعَدْتَهُ، [إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ]». (البخاری ۱۵۲/۱ و آنچه در بین گروه آمده از سنن بیهقی ۴۱۰/۱ روایت شده، و علامه عبدالعزیز بن

باز در کتاب (تحفه الأخیار ص ۳۸) سندش را حسن دانسته است). «بار الها! ای پروردگار این ندای کامل و نماز بر پا شونده، به محمد ﷺ وسیله «مقامی والا در بهشت» و فضیلت عنایت بفرما، و او را به «مقام شایسته‌ای» که وعده فرموده‌ای نایل بگردان، امانا تو خُلف وعده نمی‌کنی».

۳- نیز شخص گوید: «وَأَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا». (مسلم ۲۹۰/۱). «و من گواهی می‌دهم که هیچ معبودی، بجز الله «بحق» وجود ندارد، یکتاست و شریکی ندارد، و محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ی اوست، من از اینکه الله، پروردگار و محمد، پیامبر و اسلام، دین من است، راضی و خشنودم». (پس از اینکه مؤذن شهادتین را گفت، این ذکر، خوانده شود). (ابن خزیمه ۲۲۰/۱).

ذکرهای گوناگون

ذکر هنگام غذا خوردن و نوشیدن: در ابتدا بسم الله و در پایان الحمدلله بگویند.

دعاء مهمان: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهُمْ فِيْمَا رَزَقْتَهُمْ، وَاعْفِرْ لَهُمْ وَارْحَمُهُمْ». (مسلم ۱۶۱۵/۳). «الهی! آنچه را که به ایشان ارزانی داشته‌ای، برکت ده و آن‌ها را ببخش، و بر آن‌ها رحم کن».

* دعا به هنگام رسیدن به کسی که تازه ازدواج نموده: «بَارَكَ اللَّهُ لَكَ، وَبَارَكَ عَلَيْكَ، وَجَمَعَ بَيْنَكُمَا فِي خَيْرٍ». (أصحاب السنن بجز النسائی، ونگا: صحیح الترمذی ۳۱۶/۱). «خداوند به شما برکت عنایت فرماید، و کار شما را بابرکت کند، و پیوندتان را مبارک و باعث خیر گرداند».

* دعایی که مقیم باید به مسافر بگوید: «أَسْتَوْدِعُكُمُ اللَّهَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ». (أحمد ۴۰۳/۲ و ابن ماجه ۹۴۳/۲، ونگا: صحیح ابن ماجه ۱۳۳/۲).

«من شما را به خدایی می‌سپارم که امانت‌هایش ضایع نمی‌شود».

* دعای «برطرف شدن» اندوه و غصه: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ الْأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ». (بخاری ۱۵۴/۷ و مسلم ۲۰۹۲/۴). «هیچ معبودی بحق بجز خدای بزرگ و بردبار وجود ندارد. هیچ معبودی جز الله که پروردگار عرش بزرگ است وجود ندارد. هیچ معبودی بحق به جز الله که پروردگار آسمان‌ها و زمین و عرش گرامی است وجود ندارد».

* دعا به هنگام زیارت قبور: «السلام علیکم دار قوم مؤمنین وَاِنَّا اِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ». «سلام بر شما ای «ساکنین» خانه مؤمنان و هر وقت خدا اراده کند ما هم به شما می‌پیوندم».

* سبحان الله گفتن «تسبیح» دو چندان: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ: عَدَدَ خَلْقِهِ، وَرِضَا نَفْسِهِ، وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمَدَادَ كَلِمَاتِهِ». [هنگام صبح، سه بار بخواند]. (مسلم ۲۰۹۰/۴). «تسبیح و پاکی الله و ستایش او را به تعداد آفریدگانش خشنودیش و سنگینی عرشش و جوهر سخنانش، بیان می‌نمایم».

* به هنگام وارد شدن به مسجد: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ». (مسلم ۴۹۴/۱). «الهی! درهای رحمت خود را بر من بگشا».

و هنگام خارج شدن از مسجد: «بِسْمِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ، اللَّهُمَّ اعْصِمْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (مسلم ۴۹۴/۱). (و. نگا: صحیح ابن ماجه ۱۲۹/۱). «به نام خدا و درود و سلام بر رسول الله ﷺ، الهی! از تو فضل را مسألت می‌نمایم، الهی! مرا از شیطان مردود، حفاظت فرما».

* دعاء هنگام داخل شدن منزل: وقت دخول بگویند بسم الله و به هنگام خارج شدن بگویند: «بِسْمِ اللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

أبوداود ۴/ ۳۲۵ والترمذی ۵/ ۴۹۰، و نگا: صحیح الترمذی ۳/ ۱۵۱). «به نام خدا، بر خدا توکل کردم، و هیچ قدرت و توانائی جز از طرف خدا نیست».

* **دعا هنگام وارد شدن به توالت:** «إِسْمِ اللَّهِ»، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخُبَائِثِ». (البخاری ۱/ ۴۵، ومسلم ۱/ ۲۸۳)، به اضافه (بسم الله) در اولش سعید بن منصور آنرا روایت کرده است، (نگا: فتح الباری ۱/ ۲۴۴). «[به نام خدا] الهی! از جن‌های خبیث و پلید، اعم از زن و مرد، به تو پناه می‌برم».

هنگام خارج شدن بگوید: «عُقْرَانِكَ». (أهل السنن بجز النسائی آنرا در کتاب: «عمل الیوم واللیلة» روایت کرده‌اند. نگا: تخریج زاد المعاد ۲/ ۳۸۷). «الهی! از تو آمرزش می‌طلبم».

ذکرهای صبح و شام «عصر یا غروب»

* ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ ۳ بار.

فضیلت: از هر چیزی شما را کفایت می‌کند.

* آیت الکرسی «آیه ۲۵۵ سوره بقره» ۱ بار.

فضیلت: سبب محافظت و دفع شیاطین خواهد بود.

* «اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ أَمْسَيْنَا [وهنگام شب می‌فرمود: «اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»]، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ النُّشُورُ». (الترمذی ۵/ ۴۶۶ ونگا: صحیح الترمذی ۳/ ۱۴۲). ۱ بار. «بار الها! با لطف تو صبح کردیم، و با عنایت تو به شب رسیدیم، و به خواست تو زنده‌ایم، و به خواست تو می‌میریم، و رستاخیز ما بسوی تو است».

* «أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ [وهنگام شب بجای جمله فوق می‌فرمود: «أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمَلِكُ لِلَّهِ»]. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ

الْمَلِكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذَا الْيَوْمِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ لَوْ هُنْكَامُ شَبِّ بَجَايَ جَمَلِهِ فَوْقَ مِى فَرْمُود: «رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهَا»، [وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذَا الْيَوْمِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ، وَسُوءِ الْكِبَرِ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ فِي النَّارِ وَعَذَابِ فِي الْقَبْرِ].

(مسلم ۲۰۸۸/۴). «ما و تمام جهانیان، شب را برای خدا به صبح رسانیدیم، و حمد از آن خداست، هیچ معبودی، بجز الله که یکتاست و شریکی ندارد وجود ندارد. پادشاهی و حمد فقط از آن اوست و او بر هر چیز قادر است. الهی! من خیر آنچه در این روز است و خیر آنچه بعد از آن است را از تو می‌طلبم، و از شر آنچه که در این روز و ما بعد آن، وجود دارد، به تو پناه می‌برم. الهی! من از تنبلی و بدی‌های پیری به تو پناه می‌برم، بار الها! من از عذاب آتش و قبر به تو پناه می‌برم.»

* «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأَبُوءُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ». هرکس هنگام شب آنرا با یقین بگوید و در آن شب بمیرد، و یا صبح بگوید و در همان روز بمیرد به بهشت وارد می‌شود. (البخاری ۱۵۰/۷). «الهی! تو پروردگار من هستی، بجز تو معبود دیگری نیست، تو مرا آفریدی، و من بنده‌ی تو هستم، و بر پیمان و عده‌ام با تو بر حسب استطاعت خود، پایبند هستم، و از شر آنچه که انجام داده‌ام به تو پناه می‌برم، به نعمتی که به من عطا فرموده‌ای، اعتراف می‌کنم، و به گناهم اقرار می‌نمایم، پس مرا ببخشای، چرا که بجز تو کسی گناهان را نمی‌بخشاید.»

فضیلت: کسی که با ایقان و ایمان این دعا را بخواند و بعد از آن فوت کند وارد بهشت می‌شود.

* «بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». هرکس سه بار در وقت صبح و سه بار در وقت شب این دعا

را بخواند هیچ چیزی به او ضرر نمی‌رساند. (أبوداود ۳۲۳/۴ و الترمذی ۴۶۵/۵ و ابن ماجه وأحمد. نگا: صحیح ابن ماجه ۳۳۲/۲ و علامه عبدالعزیز بن باز در کتاب (تحفة الأخیار ص ۳۹) سندش را حسن دانسته است. «به نام خدایی که با نام وی هیچ چیز در زمین و آسمان، گزندی نمی‌رساند، و او شنوا و دانا است».

* «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ». [هنگام شب، سه بار خوانده شود]. هرکس شامگاه سه مرتبه آنرا بخواند سختی‌های آن شب به او ضرری نمی‌رساند. (أحمد ۲۹۰/۲ و النسائی در کتاب: عمل اليوم واللیلة شماره ی ۵۹۰ و ابن السنی شماره ی ۶۸، ونگا: صحیح الترمذی ۱۸۷/۳، و صحیح ابن ماجه ۲۶۶/۲ و تحفة الأخیار ص ۴۵).

* «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ، وَأَهْلِي، وَمَالِي، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي، وَآمِنْ رَوْعَاتِي، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْ، وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي، وَعَنْ شِمَالِي، وَمِنْ قَوْعِي، وَأَعُوذُ بِعِظْمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْيِي». (أبوداود و ابن ماجه ونگا: صحیح ابن ماجه ۳۳۲/۲). «الهی! عفو و عافیت دنیا و آخرت را از تو می‌خواهم. بار الها! عفو و عافیت دین، دنیا، خانواده و مالم را از تو مسألت می‌نمایم. بار الها! عیوب مرا ببوشان و ترس مرا به ایمنی مبدل ساز. الهی! مرا از جلو، پشت سر، سمت راست و چپ و بالای سرم، محافظت بفرما، و به بزرگی و عظمت تو پناه می‌برم از اینکه بطور ناگهانی از طرف پایین کشته شوم».

فضیلت: کسی که این دعا را بخواند خداوند وی را از هر جهت محفوظ می‌نماید.

* «اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ [هنگام شب گفته شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُمْسَيْتُ»]. أَشْهَدُكَ وَأُشْهِدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ، وَمَلَائِكَتَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ، أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ». (این دعا (۴) بار

خوانده شود). هر کس صبح یا شب این دعا را چهار بار بخواند، خداوند او را از آتش نجات می‌دهد. (أبوداود ۳۱۷/۴، والبخاری در کتاب: الأدب المفرد شماره‌ی ۱۲۰۱، والنسائی در کتاب: عمل الیوم واللیلة شماره‌ی ۹، وابن السنی با شماره‌ی ۷۰، و شیخ ابن باز در کتاب: (تحفة الأخیار ص ۲۳) سند النسائی وأبی داود را حسن دانسته است). «الهی! من در این صبح‌گاه، تو را حاملان عرش و تمام فرشتگان و کلیه مخلوقات تو را گواه می‌گیرم بر این که تو الله هستی، بجز تو معبود دیگری «بحق» وجود ندارد، تو یگانه‌ای و شریکی نداری، و محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ی تو است».

ذکرهای بعد از سلام دادن «پایان» نمازهای واجب

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ (ثَلَاثًا) اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ». (مسلم ۴۱۴/۱). «از الله طلب آمرزش می‌کنم [سه مرتبه] الهی تو سلامی، و سلامتی از جانب تو است، تو بسیار بابرکتی، ای صاحب عظمت و بزرگی».

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجُدُّ». (البخاری ۲۵۵/۱ و مسلم ۴۱۴/۱). «معبودی «بحق» بجز الله، وجود ندارد. شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، ستایش شایسته‌ی اوست، و او بر هر چیزی توانا است، الهی! آنچه تو بدهی، هیچ کس مانع آن نمی‌گردد، و آنچه تو منع کنی، هیچ کس نمی‌تواند آنرا بدهد. توانگر، او را ثروتش از عذاب تو نجات نمی‌دهد، و «تمامی شکوه و» ثروت از آن تو است».

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ التَّعَمُّعُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ التَّنَاءُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ». (مسلم ۴۱۵/۱). «معبودی بجز الله «بحق» وجود ندارد، یگانه

اوست و شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، و ستایش مخصوص اوست، و او بر هر چیز توانا است. هیچ نیروی بازدارنده از گناهان و توفیق دهنده به نیکی، به جز الله وجود ندارد. هیچ معبودی جز او «بحق» نیست. جز او کسی دیگر را عبادت نمی‌کنیم، نعمت و فضل از آن اوست، ستایش نیکو مخصوص اوست، معبودی بجز او وجود ندارد، همه‌ی ما با اخلاص او را بندگی می‌کنیم هر چند کافران دوست نداشته باشند».

«سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ [۳۳ سپس] لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (مسلم ۴۱۸/۱).
 «کسی که آنرا بعد از هر نماز بگوید گناهش بخشوده می‌شود! هر چند به اندازه‌ی کف دریا باشد». «بجز الله یگانه، دیگر معبودی بحق نیست، شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، ستایش شایسته اوست، و او بر هر چیز تواناست».

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝۱ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝۲ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝۳ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝۴﴾ [الإخلاص: ۱-۴].

«به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. بگو خدا یکتا و یگانه است. خداوندی است که همه‌ی نیازمندان قصد او می‌کنند. (هرگز) نژاد و زاده نشد. و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است».

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝۱ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝۲ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝۳ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝۴ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝۵﴾ [الفلق: ۱-۵].

«به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌صبح. از شر تمام آنچه آفریده است. و از شر هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می‌شود. و از شر آن‌ها که در گره‌ها می‌دمند. و از شر هر حسودی هنگامی که حسد می‌ورزد».

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ ﴿مَلِكِ النَّاسِ﴾^۱
 إِلَهِ النَّاسِ^۲ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ^۳ ﴿الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ
 النَّاسِ﴾ ﴿مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ﴾^۴ [الناس: ۱-۶]. أبوداود ۸۶/۲ والنسائی
 ۶۸/۱۳ ونگا: صحیح الترمذی ۸/۲، سوره‌های سه‌گانه را معوذات
 می‌گویند. نگا: فتح الباری ۶۲/۹.

«به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان، بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم. به
 مالک و حاکم مردم. به (خدا و) معبود مردم. از شرّ وسوسه‌گر پنهان‌کار.
 که درون سینه‌ها انسان‌ها وسوسه می‌کند. خواه از جن باشد یا از انسان».
 [بعد از هر نماز خوانده شوند].»

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي
 السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ
 أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: ۲۵۵].
 بعد از هر نماز خوانده شود. هر کس پس از هر نماز آنرا بخواند مانعی از
 ورود بهشت او نمی‌شود مگر مردنش. (النسائی در کتاب: (عمل الیوم
 واللیلة) شماره‌ی ۱۰۰، وابن السنی شماره‌ی ۱۲۱ و ألبانی در صحیح الجامع
 ۳۳۹/۵ و سلسله الأحادیث الصحیحة ۶۹۷/۲ شماره‌ی ۹۷۲). «خداوند هیچ
 معبودی «بحق» جز او نیست، خداوندی که زنده و قائم به ذات خویش است، هیچ
 گاه خواب سبک و سنگین او را فرا نمی‌گیرد، برای اوست آنچه در آسمان‌ها و
 زمین است، کیست که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند، آنچه را پیش روی آن‌ها
 «بندگان» و پشت سر آنهاست می‌داند، و از گذشته و آینده‌ی آنان آگاه است، آن‌ها
 جز به مقداری که او بخواهد احاطه به علم او ندارند، کرسی او آسمان‌ها و زمین را
 دربرگرفته و حفظ و نگهداری آسمان و زمین برای او گران نیست، و او بلند مرتبه
 و باعظمت است.»

فضائل بعضی از سوره‌های و آیات قرآن

* سوره فاتحه: عظیم‌ترین سوره قرآن و شفاء هر دردی است.
 * سوره بقره و آل عمران: روز قیامت مانند دو ابر «سایبان» از صاحب خود حمایت می‌کنند.
 * آیت الکرسی: عظیم‌ترین آیه قرآن است سبب حفظ بندگان است (بوسیله خدا).

* دو آیه آخر سوره بقره: از هر بلائی آدمی را کفایت می‌کند.
 * ده آیه اول سوره کهف: از فتنه دجال در امان خواهی ماند.
 * سوره اخلاص «قل هو الله احد»: معادل یک سوم قرآن است.
 * آنچه را بیمار در حال بیماری خود باید بگوید. ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱]. «پروردگارا! به ما در دنیا (نیکی) عطا کن! و در آخرت نیز (نیکی) مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش نگاه دار!».

فضیلت: بیماری که این دعا را بخواند خداوند او را شفا می‌دهد.
 * دعا برای مریض: «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيكَ». (هفت بار بخواند). مسلمانی که به عیادت مریضی برود که اجزش فرا نرسیده است، و این دعا را هفت بار بر او بخواند، مریضش شفا می‌یابد. (الترمذی و أبوداود، ونگا: صحیح الترمذی ۲۱۰/۲ و صحیح الجامع ۱۸۰/۵).
 «از خداوند عظیم، پروردگار عرش بزرگ، می‌خواهم که تو را شفا دهد».
 «لَا بَأْسَ ظَهُورًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ». (البخاری مع الفتح ۱۱۸/۱۰). «هیچ باکی نیست، این بیماری به خواست خداوند، پاک کننده‌ی «گناهان» است».

افسون و دعاهاى شرعى برای بیماری و چشم بد و سحر

۱- «أَذْهِبِ الْبَأْسَ، رَبِّ النَّاسِ، وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاءُكَ شِفَاءً لَا يَغَاذُرُ سَقَمًا». «ای پروردگار انسان‌ها! (هرگونه) زیان و ترس را

زایل فرما و شفا(ی عاجل) عنایت کن که همانا تو (تنها) شفا دهنده هستی و جز شفای تو که تمامی بیماری‌ها را درمان می‌بخشد شفایی وجود ندارد».

۲- رسول الله ﷺ فرمود: دستت را بر جایی که درد احساس می‌شود بگذار، و سه بار «بِسْمِ اللَّهِ» بگو: سپس هفت بار بگو: «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ». (مسلم ۱۷۲۸/۴). «من به خدا و قدرتت پناه می‌برم از شر آنچه به آن دچار می‌شوم و از آن بیم دارم و می‌ترسم».

۳- «بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ». «به نام خداوند آنچه (از ارواح پلید و غیره که) موجبات اذیت و آزار تو (بیمار) را فراهم می‌کنند از تو دور می‌سازم و از گردن هر نفس (سرکش) یا چشم زخم حسودی می‌رهانمت. (بی‌تردید) این خداست که تو را شفا می‌دهد و من (تنها) با نام و یاد او به مداوایت می‌پردازم».

اذکار «ذکرهای» متنوع و گوناگون

۱- هنگام وارد شدن به هر خانه‌ای: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ». [هنگام شب، سه بار خوانده شود]. هرکس شامگاه سه مرتبه آنرا بخواند سختی‌های آن شب به او ضرری نمی‌رساند. (أحمد ۲۹۰/۲ والنسائی در کتاب: عمل الیوم واللیلة شماره‌ی ۵۹۰ وابن السنی شماره‌ی ۶۸، ونگا: صحیح الترمذی ۱۸۷/۳، و صحیح ابن ماجه ۲۶۶/۲ و تحفة الأخیار ص ۴۵).

فضیلت: تا هنگامی که در آن منزل است ضرری به او نمی‌رسد.

۲- بعد از وضوء: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ...». (مسلم ۱/ ۲۰۹). «شهادت می‌دهم که بجز الله، معبودی «بحق» وجود ندارد، یکتاست و شریکی برای او نیست، و شهادت می‌دهم که محمد، بنده و فرستاده‌ی اوست».

فضیلت: کسی که این ذکر را بعد از وضوء بخواند درهای هشتگانه بهشت بر او باز می‌شود.

۳- هنگام دعا کردن: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ». (أبو داود ۶۲/۲ و الترمذی ۵/۵۱۵ و ابن ماجه ۲/ ۱۲۶۷ و أحمد ۵/ ۳۶۰ و ننگا: صحیح ابن ماجه ۲/ ۳۲۹ و صحیح الترمذی ۳/ ۱۶۳).

«پروردگارا! من تنها از تو «احتیاجاتم را» می‌خواهم، چرا که شهادت می‌دهم که تو الله هستی، و هیچ معبودی بجز تو «بحق» وجود ندارد، تو آن یکتا و بی‌نیازی هستی که نه زاده است، و نه زائیده شده است، و همتایی ندارد».

فضیلت: این دعا نام خداست اگر بوسیله آن چیزی طلب شود عطا می‌شود. و اگر دعائی شود قبول می‌شود.

۴- به هنگام مصیبت: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ، اللَّهُمَّ أَجْرُنِي فِي مُصِيبَتِي وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا». (مسلم ۲/ ۶۳۲). «بدون تردید ما از آن الله هستیم و بازگشت همه‌ی ما بسوی اوست. الهی! مرا در مقابل مصیبت، پاداش ده، و در عوض آن چیز بهتری به من عنایت فرما».

فضیلت: در صورت خواندن این دعا در این مصیبت اجر و پاداش را می‌گیری و بهتر از آن را خداوند عطا می‌فرماید.

۵- برای محافظت اطفال: رسول الله ﷺ با خواندن این کلمات،

حسن و حسین علیه‌السلام را به خدا می‌سپرد تا آن‌ها را حفاظت کند: «أُعِيدُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَأَمَّةٍ». (البخاری ۱۱۹/۴) از حدیث ابن عباس رضی‌الله‌عنه. «من شما دو نفر (حسن و حسین علیه‌السلام) را به وسیله‌ی کلمات کامل‌الله از بدی هر شیطان و جانور زهردار و زخم چشم به حفظ خدا می‌سپارم».

فضیلت: این دعا چشم بدخواه را دفع می‌کند.

۶- هنگام خشمگین شدن: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (البخاری ۹۹/۷ و مسلم ۲۰۱۵/۴). «از شیطان رانده شده به الله پناه می‌برم».

فضیلت: خشم زائل می‌شود.

۷- برای راندن و دور کردن شیطان و وسوسه‌های او:

۱- ذکر الله ۲- پناه بردن به خدا «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». ۳- اذان ۴- اقامه.

۸- هنگام دیدن چیزی شگفت‌آور: «مَا شَاءَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». «هر چه خدا بخواهد، قوتی نیست مگر به خدا».

فضیلت: خداوند آنرا خجسته و با برکت می‌نماید.

۹- هرگاه از قومی ترسیدید بگویند: «اللَّهُمَّ اكْفِنِيهِمْ بِمَا شِئْتَ». (مسلم ۲۳۰۰/۴). «ای الله! تو در برابر دشمنان به هر طریق که می‌خواهی، مرا کفایت فرما». فضیلت: خداوند آن‌ها را دفع می‌نماید.

۱۰- هنگام تعزیه: «إِنَّ لِلَّهِ مَا أَخَذَ، وَلَهُ مَا أَعْطَى وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُّسَمًّى ... فَلِتَصْبِرْ وَلِتَحْتَسِبْ». (البخاری ۸۰/۲ و مسلم ۶۳۶/۲).

«همانا آنچه را که خداوند گرفت، از آن خودش بود، و آنچه را که داده است نیز مال خود او می‌باشد، مسلماً هر چیز، میعاد معینی دارد، لذا

باید صبر کنی و امید ثواب داشته باشی».

فضیلت: موجب کاستن اندوه اهل میت است.

ذکرهای مهم «عظیم»

- ۱- سبحان الله (۱۰۰) بار یک، هزار نیکی برایش نوشته می‌شود، یا یک هزار گناه او محو می‌گردد.
- ۲- سبحان الله و بحمده (۱۰۰) بار، بوسیله آن گناهان آمرزیده می‌شوند اگرچه مثل کف دریا باشد.
- ۳- «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (البخاری ۶۷/۷ و مسلم با همین لفظ ۲۰۷۱/۴، ونگا: فضیلت کسی که در هر روز صد بار آنرا می‌گوید، در همین کتاب). «هیچ معبودی به جز الله «بحق» وجود ندارد، یکتاست و شریکی ندارد، پادشاهی و ستایش از آن او است، و او بر هر چیز تواناست».
- (۱۰۰) بار، این ذکر معادل آزاد کردن (۱۰) بنده و بدست آوردن (۱۰۰) حسنه و آمرزیده شدن (۱۰۰) گناه و پناهگاهی امن از دست شیطان است.
- ۴- «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ». (البخاری ۱۶۸/۷ و مسلم ۲۰۷۲/۴). «الله پاک و منزّه است، و او را ستایش می‌کنم، خداوند عظیم، پاک و منزّه است».
- ۵- «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (أبوداود ۳۲۵/۴ و الترمذی ۴۹۰/۵، و نگا: صحیح الترمذی ۱۵۱/۳). «و هیچ قدرت و توانائی جز از طرف خدا نیست».

به هر تعداد خوانده شود: گنجی از گنج‌های خداست.

- ۶- «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بگویم، نزد من

از آنچه که خورشید بر آن طلوع کرده است (یعنی همه‌ی دنیا) دوست داشتنی‌تر است). (مسلم ۲۰۷۲/۴).

۷- «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ نَبِيَّنَا مُحَمَّدٍ». به هر تعداد خوانده شود.

خدایا بر محمد پیامبر ما درود و سلام بفرست. پیامبر فرموده هر کس یک صلوات بر من فرستد خداوند ده صلوات بر او می‌فرستد.

۸- «أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»: آمرزش می‌خواهم از خداوند و به او باز می‌گردم.

به هر تعداد موجب کفارت گناهان است.

۹- قبل از برخاستن از مجلس بگوید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ

أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ». «خدایا! تو پاک و منزهی، تو را ستایش می‌کنم، و گواهی می‌دهم که بجز تو، معبود دیگری «بحق»

وجود ندارد و از تو آمرزش می‌خواهم و بسوی تو توبه می‌کنم».

۱۰- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْبُخْلِ

وَالْجُبْنِ، وَصَلِّحَ الدِّينِ وَعَلَبَةِ الرَّجَالِ». (البخاری ۱۵۸/۷). «بار الها!

من از غم و اندوه، و ناتوانی و سستی، بخل و ترس، سنگینی وام،

غلبه‌ی مردان، به تو پناه می‌برم».

به هر تعداد خوانده شود: غم و اندوه را برطرف می‌نماید.

وصیت پیامبر ﷺ: «لَا يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْبًا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ».

(الترمذی ۴۵۸/۵، وابن ماجه ۱۲۴۶/۲ ونگا: صحیح الترمذی ۱۳۹/۳،

وصحیح ابن ماجه ۳۱۷/۲). «پیوسته زبانت با یاد خدا تر باشد».

خانواده ناپاکیها
مسکرات و مخدرات
«مواد مخدر» ره آورد استعمار

ترجمه: العائلة الخبيثة
تأليف:
صالح بن عبدالله الصباح

مسکرات و مخدرات «مواد مخدر» زندگی را بر باد می دهد

* جوانی است که پسر بچه سه ساله‌ای را ربوده و سپس به وی تجاوز نموده و به این هم اکتفا نکرده، آنرا خفه نموده و به قتل رسانیده است، بعداً که حقایق کشف گردیده معلوم شده که آن جوان اهل شرابخواری و مخدرات است.

* آن یکی، دختر بچه‌ایست که از خانه خود فرار و به خانه امام مسجد پناه آورده است، فرار از چه چیزی؟ از چه کسی؟ از پدری که شرابخوار است، و مدت بیست روز است که می‌خواهد با دخترش عمل فحشا انجام دهد.

* آن دیگری خانواده‌ایست که همیشه با رنج و مشکل زندگی می‌کنند.

مادر و دخترانش هیچگاه از قتل و تجاوز خود در امان نیستند، شب‌ها نمی‌توانند بخوابند مگر اینکه در اطاق را قفل و آنرا با وسایل سبک و سنگین محکم ببندند. ترس از چه؟ از چه کسی؟ از پسر مست و شرابخوار خانواده، که هر نصف شبی بسویشان می‌آید.

* دیگری خانواده‌ای که با ترس و وحشت و اضطراب از شهر خود به شهر دیگری فرار نموده‌اند. فرار از چه؟ از چه کسی؟ از دست پدر شرابخواری که همیشه مست است، و خانواده‌اش از ترس او نه شب و نه روز از ناموس و خون خود در امان نیستند.

* آن یکی شوهر مجرمی است که همسر و دختر هفت ساله و پسر پنج ساله‌اش را بقتل رسانده، و دست پسر سه ساله دیگرش را قطع نموده و به این جنایت هم اکتفا نکرده بلکه علاوه بر این تن آن‌ها را نیز قطعه قطعه نموده است.

* حوادث، داستان‌ها و داستان‌های دیگری که هر روز وقوع آن‌ها را در کشورهای غربی و کفر می‌شنویم. اما در تأیید، تصدیق یا تکذیب آن مانده‌ایم. «نمی‌دانیم باور کنیم یا نه؟» تا اینکه ناگاه جریان مشابهی در میان خود ما «در جامعه ما» روی می‌دهد و اثرات و آلام آنرا خود احساس می‌کنیم!!

چه بسیارند خانواده‌هایی که از دست پدر یا پسر منحرف خود که به گرداب این پلیدی‌ها افتاده، روزانه زندگی خفت‌باری را می‌گذرانند.

پلیدی‌ها و خبائثی که انسان را به هیولایی درنده و وحشی تبدیل می‌کند بطوریکه همه اطرافیان از او در هراسند. و برای همه غم و آشفستگی و مصیبت و مشکل بار می‌آورد.

پس بیایید همه با هم برای از بین بردن و قطع ریشه این پلیدی‌ها و خبائث همکاری کنیم. «برای ریشه کنی آن دست بدست هم دهیم».

مسکرات «مست کننده‌ها» تو را بسوی هر جرم و جنایتی می‌کشاند
س ۱: آیا می‌خواهید در عرض چند روز زندگی خود و خانواده‌ات از

دست برود؟

س ۲: آیا می‌خواهید که مورد نفرت خدا واقع، و یا چیزی مورد نفرت «ملعون» را وارد شکم خود نمائید؟

س ۳: آیا می‌خواهید که هر چه بدی و رذائل و بلايا و فقر و بیماریست بسویت سرازیر شود؟

س ۴: آیا می‌خواهید دروازه پلیدیها، بدی‌ها و رذالت باشید؟

س ۵: آیا می‌خواهید که به درنده‌ای وحشی و جنایتکاری قاتل که پدر و مادر و همسر و فرزندان و اطرافیان خود را نیز می‌گشند تبدیل شوید؟
جواب: اگر به مسکرات و مواد مخدر تن دهی و بسوی آن‌ها قدم برداری، همانا قطعاً پاسخ شما آری است.

بحق بدانید که همانا اسم خمر شامل همه انواع مسکرات «مست کننده‌ها» همه انواع مخدرات «مواد مخدر» تشفیط و همه انواع آن و تمامی آن چیزهایی است که به نحوی تعادل و توازن طبیعی عقل آدمی را بهم بزند و مختل نماید. حشیش، کوکائین، هروئین، تریاک، مرفین، شمه، همه این‌ها نوعی از انواع مخدرات هستند.

پزشکان بیماری‌های زیادی را که به علت نوشیدن مشروبات الکلی و استعمال مواد مخدر بوجود می‌آیند ذکر نموده‌اند. از جمله اتلاف کبد و کلیه، ضعیف نمودن عقل. و جسم و اعصاب، کاهش مقاومت بدن در برابر بیماری‌ها و ابتلاء به بیماری‌های مهلکی مانند سل و (سرطان)، و به نابودی کشاندن نسل بشر، ایجاد ضعف و ناتوانی عقلی و جسمی انسان و صدها نوع گرفتاری و مشکلات و بیماری‌های دیگر که در کتاب‌های پزشکی به تفصیل بیان شده است.

تشفیط راهی است بسوی دیوانگی

تشفیط نوع کثیفی از مسکرات است که با استنشاق و مکیدن مواد شیمیایی بوجود می‌آید. این مواد شیمیایی سلول‌های مغز را یکی بعد از

دیگری نابود، تا اینکه عقل مصرف کننده «مشفط» را زائل و او را به دیوانگی دائمی دچار می‌کند. سلول‌های مرده مغز نیز به هیچ وجه زنده و یا سلول دیگری جایگزین آن نمی‌شود. بیماری‌ها و گرفتاری‌های زیادی در مصرف این نوع ماده مخدر وجود دارد. که در کتاب‌های پزشکی به تفصیل بحث شده است.

مطالب زیر را بخوانید تا پلیدی و کیفر استعمال مسکرات و مخدرات را بهتر بشناسید.

۱- گناه کبیره است: خداوند می‌فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۱۹] «در باره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: «در آن‌ها گناه و زیان بزرگی است».

۲- شراب پلید و از کارهای شیطان است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المائدة: ۹۰]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و ازلام (نوعی بخت‌آزمایی)، پلید و از عمل شیطان است، از آن‌ها دوری کنید تا رستگار شوید!».

۳- خمر ملعون و نفرت شده است: «إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْخَمْرَ». الحاکم. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خداوند خمر را لعنت نموده».

پس چگونه آنرا تناول می‌نمائید؟

۴- هر کس به شراب علاقمند باشد ملعون است: «لعن ﷺ فی الخمر عشرة عاصرها ومعتصرها وشاربها وحاملها والمحمولة إليه وساقيتها وبائعها وأكل ثمنها والمشتري لها والمشتراه له». (الترمذی وابن ماجه). «رسول اکرم ﷺ ده صنف را که در کار مشروبات الکلی دخالت

دارند لعنت کرد. ۱- کسی که انگور را جهت شراب بفشارد ۲- کسی که برایش فشرده شود، و برایش ساخته شود ۳- کسی که آنرا می‌نوشد ۴- کسی که آنرا حمل می‌کند ۵- کسی که برایش حمل می‌شود. ۶- کسی که آنرا به دیگران تعارف می‌کند ۷- کسی که آنرا می‌فروشد ۸- کسی که پول آنرا دریافت دارد ۹- کسی که آنرا خریداری کند ۱۰- کسی که برایش خریداری شود».

۵- هر مسکری «مست کننده‌ای» حرام است: «کل مسکر خمر وکل خمر حرام». (مسلم). «هر مست کننده‌ی شراب است، و هر شرابی حرام است».

۶- نوشیدن عصاره اهل جهنم: «إِنَّ عَلَى اللَّهِ بِعَهْدِكَ لَمَنْ يَشْرِبِ الْمَسْكِرَاتِ لَيْسِقِيهِ مِنْ طِينَةِ الْخَبَالِ. فَقَالُوا وَمَا طِينَةُ الْخَبَالِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: عَرَقُ أَهْلِ النَّارِ، أَوْ عَصَارَةُ أَهْلِ النَّارِ». (مسلم). «خداوند عهد نموده که هر کس شراب مسکر بنوشد طینه‌ی الخبال را به وی بنوشاند. عرض کردند یا رسول الله طینه‌ی الخبال چیست؟ فرمود عَرَقُ جَهَنَّمِیان است».

۷- نوشیدن آب جوش جهنم: «أَقْسَمَ رَبِّي بِعِزَّتِهِ لَا يَشْرِبُ عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِي جُرْعَةً مِنْ خَمْرٍ إِلَّا سَقِيَتْهُ مَكَانَهَا مِنْ حَمِيمِ جَهَنَّمَ». (أحمد). «خداوند به عزت و جلال خود قسم خورده که هر کس از بندگان جرعته‌ی خمر «شراب» بنوشد خداوند بجای آن از آب جوش عرق جهنمیان بوی می‌نوشاند».

۸- نوشیدن از رودی که از مجرای ادرار زنان فاحشه جاری می‌شود: «مَنْ مَاتَ مَدْمَنًا لِلْخَمْرِ سَقَاهُ اللَّهُ جَلَّ وَعَلَا مِنْ نَهْرِ الْغَوْطَةِ قَيْلٍ وَمَا نَهْرُ الْغَوْطَةِ، قَالَ: نَهْرٌ يَجْرِي مِنْ فُرُوجِ الْمُؤْمِسَاتِ يُؤْذِي أَهْلَ النَّارِ رِيحُ فُرُوجِهِمْ». (أحمد، ابن حبان و ابویعلی والحاکم). «کسی که بمیرد و

دائم الخمر «شرابخوار دائمی» باشد خداوند وی را از رود غوطه می‌نوشاند. گفته شد که رود غوطه چیست؟ فرمود رودی است که از شرمگاه زنان فاحشه جاری و جهنمیان از بوی آن در عذابند».

۹- از دست دادن ایمان: «لا یشرب الخمر حین لیشریها وهو مؤمن، والتوبة معروضة بعد». (مسلم). «شرابخوار به هنگام نوشیدن شراب مؤمن نیست و توبه نیز از وی رویگردان است. یعنی در آنوقت در توبه هم از او بسته شده است».

«من زنی أو شرب الخمر نزع الله منه الإيمان». (الحاکم). «کسی که مشروب می‌خورد یا زنا می‌کند خداوند در آن هنگام ایمان را از وی می‌گیرد».

۱۰- داخل بهشت نمی‌شود: «ثلاثة لا يدخلون الجنة: العاق لوالديه والمدمن علی الخمر، والمنان». (النسائی والحاکم). «سه طایفه وارد بهشت نمی‌شوند: ۱- آزار دهنده پدر و مادر، ۲- مشروب خوار دائمی، ۳- منت گذار «کسی که نیکی و خدمتی را که به دیگری کرده بر او منت می‌نهد و به رُخ او می‌کشد».

۱۱- از شراب طهور نمی‌نوشد: «مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فِي الدُّنْيَا، ثُمَّ لَمْ يَتُبْ مِنْهَا، حُرِمَهَا فِي الْآخِرَةِ». (بخاری: ۵۵۷۵). عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هرکس، در دنیا شراب بنوشد و از آن، توبه نکند، از شراب آخرت، محروم خواهد شد».

۱۲- شراب درد و بیماری است: «إِنَّهَا لِيَسْتِ بَدْوَاءٍ وَلَكِنهَا دَاءٌ». (مسلم). «براستی شراب درمان نیست، بلکه درد و مَرَض است».

۱۳- خرید و فروش آن حرام است: «إِنَّ الَّذِي حَرَّمَ شَرِبَهَا، حَرَّمَ بَيْعَهَا». (مسلم). «براستی کسی که نوشیدن آن حرام کرده، داد و ستد آن نیز

حرام کرده است».

۱۴- نوشیدن آن از علائم آخرت است: «إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يُرْفَعَ الْعِلْمُ وَيَثْبُتَ الْجَهْلُ وَيُشْرَبَ الْخَمْرُ وَيَظْهَرَ الرِّئَا». (بخاری: ۸۰). رسول الله ﷺ فرمود: «از جمله نشانه‌های قیامت این است که جهل و نادانی فراگیر خواهد شد و علم و دانش از بین خواهد رفت. و زنا و شراب خواری آشکار و علنی انجام خواهد گرفت».

۱۵- مسکرات «ام الخبائث» ریشه پلیدی‌هاست: «قال عثمان رضی الله عنه فَاجْتَبُوا الْخَمْرَ فَإِنَّهُ وَاللَّهِ لَا يَجْتَمِعُ وَالْإِيمَانُ أَبَدًا إِلَّا يُوْشِكُ أَحَدُهُمَا أَنْ يُخْرِجَ صَاحِبَهُ». (النسائی). «از عثمان رضی الله عنه نقل شده است که: از شرابخواری پرهیزید. که شراب ریشه و مادر پلیدی‌هاست. قسم به خدا شرابخواری و ایمان با هم در یک فرد جمع نمی‌شوند مگر اینکه یکی از آن‌ها دیگری را از جسم بیرون کند «یعنی یکی از این دو: یا ایمان یا شرابخواری»».

۱۶- حرام بودن نشستن در مجلس شراب و شرابخواران: «من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يقعدنَّ على مائدة يدار عليها بالخمير». (الترمذی و الحاكم). «کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد نباید بر سفره‌ای بنشیند که بر روی آن خمر گذاشته شده است».

۱۷- شراب کلید و دروازه هر بدی است: «لا تشرَب الخمر فإنَّها مفتاح كل شر». (ابن ماجه). «شراب ننوشید که همانا دروازه و کلید هر بدی و فساد است».

۱۸- ریشه و مبنای هر خطا و گناهی است: «لا تشرَبوا الخمر فإنَّها رأس الخطايا كلها». (الطبرانی). «شراب ننوشید که ابتدا و ریشه هر گناهی است».

۱۹- شروع سرِ هر کار زشتی است: «لا تشرین خمراً فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ فَاحِشَةٍ». (الحاکم). «شراب ننوشید که بحقیقت شروع کننده و ابتدای ورود به هر کار زشتی است».

۲۰- راه گمراهی و فریبکاری است: «أما أَنْتَ لو أَخَذتَ الخمر غوتَ أمتك». (مسلم). (حدیث قدسی). در شب اسراء خطاب به رسول الله ﷺ است که: «همانا اگر شراب را انتخاب می‌کردی امت تو منحرف می‌شدند».

۲۱- شرابخوار تا چهل روز نمازش قبول نیست: «من شرب الخمر فسکر لم تقبل له صلاة أربعين صباحاً فإن مات دخل النار. فإن تاب تاب الله عليه». (الترمذی و الحاکم و ابن حبان). «کسی که شراب بخورد و مست شود تا چهل روز نمازش قبول نیست. پس اگر بمیرد به دوزخ می‌رود، و اگر توبه کند توبه‌اش مورد قبول خداوند واقع می‌شود».

۲۲- شرابخوار اگر بمیرد مرگ او مرگ جاهلیت است: «قال عبدالله بن عمر م إنَّ أعظم الكبائر شرب الخمر: إنَّ النبي ﷺ قال: ما من أحد يشربها فتقبل منه صلاة أربعين ليلة ولا يموت وفي مثانته منه شيء إلاَّ حرَّمت بها عليه الجنة فإن مات في أربعين ليلة مات ميتة جاهلية». (الطبرانی الحاکم). «عبدالله بن عمر رضی الله عنه می‌گوید: همانا نوشیدن شراب بزرگ‌ترین گناه است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کسی که شراب می‌نوشد تا چهل روز «اگر توبه نکند» نمازش قبول نیست، اگر بمیرد و در مثانه او چیزی از شراب وجود داشته باشد، بهشت بر وی حرام، و اگر در آن چهل روز فوت کند، بر دین جاهلیت مرده است».

۲۳- نوشنده شراب روز قیامت تشنه خواهد آمد: «من شرب الخمر أتى عطشان يوم القيامة». (أحمد وأبويعلى). «کسی که شراب بنوشد، روز قیامت بسیار تشنه خواهد بود»: (در حالی وارد قیامت می‌شود که بسیار تشنه است).

۲۴- برای امام مسلمانان جاز است شرابخوار را بقتل برساند: «من شرب الخمر فاجلوه فإن عاد في الرابعة فاقتلوه». (الترمذی). «شرابخوار را تازیانه بزنید، اگر برای بار چهارم تکرار کرد آنرا بقتل برسانید».

۲۵- هر مسکری «مست کننده‌ای» با اینکه تغییر نام داده شده باشد شراب است:

«لَيْشُرَّيْنَ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي الْخَمْرُ وَ يُسَمُّونَهَا بِغَيْرِ اسْمِهَا». (الترمذی). «گروهی از امت من شراب می‌نوشند و نام دیگری بر آن می‌نهند».

۲۶- اجرای حد و زدن تازیانه به نوشنده شراب لازم است: «قال علي بن أبي طالب: جلد النبي ﷺ أربعين و جلد أبوبكر أربعين و عمر ثمانين و كل سنة». (مسلم). «علی بن ابی طالب می‌گوید: پیامبر ﷺ و عمر ﷺ هشتاد تازیانه به شرابخوار می‌زدند. و همه آن‌ها سنت هستند».

(دخانیات «سیگار» با ایجاد بیماری‌های مهلک تو را بسوی مرگ می‌کشاند).

از سیگار، این ماده پلید، کثیف و کشنده پرهیز کنید. این ماده سمی بعد از آنکه اثرات بسیار مخربی بر مصرف‌کننده می‌گذارد صاحب خود را «چون قادر به ترک آن نیست» خانه‌نشین و بدامن پدر و مادرش می‌اندازد. «محتاج می‌گرداند» اعتیاد به سم‌های این ماده کافی

است تا فرد به بیماری‌های مهلک و غیرقابل‌علاجی مبتلا شود، بوی بد آن همه جا را آلوده، جسم و قلب و ریه و صورت آدمی را سیاه می‌نماید. بنابراین از مصرف این ماده خطرناک قبل از نزول عذاب و فرا رسیدن مرگ توبه کنید و بطرف خدا بازگردید.

حقیقتاً سیگار علاوه بر اینکه هیچ نفع و فائده‌ای ندارد، پیامدهای شوم و زیانبار، بیماری‌های فراوان و زبان‌های بیشمار آن برای همه جهانیان ثابت و تمام مردم بر آن اتفاق نظر دارند، سالیانه بیش از (۲/۵۰۰/۰۰۰) نفر در جهان به علت بیماری‌های ناشی از مصرف سیگار به بدترین شیوه جان خود را از دست می‌دهند.

وزارت بهداشت عربستان در سال ۱۴۰۲ هـ جمله هشداردهنده زیر را جهت نصب پر روی پاکت‌های سیگار تصویب نمود. (مصرف دخانیات عامل اصلی سرطان و بیماری‌های ریه و قلب و عروق است) مصرف دخانیات علاوه بر اینکه موجب ابتلاء به انواع سرطان‌ها مانند سرطان ریه، دهان و دها نوع بیماری ریه و قلب و عروق، سل ریه‌ها، سکت قلبی می‌گردد، بلکه بیماری‌های بیشمار دیگری مانند بیماری‌های کبد، زخم معده و اختلال در دستگاه‌های تنفسی و عصبی و خونی و گوارش و غیر آن را نیز به‌مراه دارد.

«ذکر این همه زیان برای سیگار» جای تعجب نیست چراکه اساس و ریشه اصلی دخانیات ماده تنباکو است، و آن ماده‌ای مخدر «بی‌حس‌کننده اعصاب»، سست‌کننده اعصاب و کشنده می‌باشد که شامل (۶/۸۰۰) ماده مضرّ است. از جمله ماده‌های سمّی موجود در آن نیکوتین، اکسیدکربن، اکسید نیتروژن و قطران «ماده سمی سیاه رنگ» می‌باشند که قوی‌ترین آن نیکوتین است، که ماده‌ای سمی و دارای عناصر بی‌حس‌کننده و سست‌کننده اعصاب است که اگر یک میلی گرم آن از طریق رگ تزریق شود فوراً انسان را می‌کشد. همچنین ماده قطران سرطانزاست. بررسی‌های بعمل آمده و حقایق کشف شده در مورد زیان‌های سیگار ما را بر آن می‌دارد که

قاطعانه اعلام کنیم استعمال دخانیات «تدخین» مخدر حقیقی است، بلکه از مخدرات بسیار قوی برای کشتن ناگهانی انسان می‌باشد. کدام نوع بیماری را در فرد سیگاری سراغ دارید که سیگار در ابتلاء به آن بی‌تأثیر باشد؟

معسل و قلیان راه تو بسوی سرطان

بدانکه همانا یک سنگ «چند گرم معادل نیم جو» از آن، معادل کارکرد (۱۵) نخ سیگار است. تنها یک جراک «پیمانه» آن پانزده درصد ۱۵٪ تنباکوی خالص است. بلکه معسل تنباکوی خالص است که با مقدار زیادی از انواع مواد سرطان‌زا مانند رنگ‌ها و بوها و مواد شیمیایی پخته شده و تخمیر شده مخلوط می‌شود.

از موادی که با معسل مخلوط می‌شود مثلاً ماده گلیسیرین است که استعمال و بکار بردن آن موجب استنشاق ماده خطرناکی است که باعث ابتلاء به سرطان می‌شود، ماده دیگری که با معسل مخلوط می‌شود ماده اکریلین است که ماده‌ای سمی، زهرناک و کشنده است که حتی تماس و دست زدن به آن بسیار خطرناک است، چه رسد به استنشاق و استفاده از آن!!! تمام آنچه در مورد مضرات سیگار بیان شد شامل معسل نیز می‌باشد.

این خبائث و مواد ناپاک از کجا به میان ما آمده‌اند

این مواد ناپاک و خبیث از طریق سفرهای خارج، دوستان ناباب خائن، تساهل و سهل‌انگاری در ابتدای شروع «کشیدن پُک اول از سیگار یا سایر مواد» و سپس ادامه دادن و بعد حسرت و پشیمانی به میان ما آمده و ما را مبتلا نموده است.

[این بلاى خانمانسوز ره‌آورد استعمارگران و دشمنان دین و بشریت است، قطعاً شیوع مواد مخدر و مشروبات الکلی یکی از دسیسه‌های مهم استعمار غرب است] این دشمنان، با اشاعه و انتشار این مواد ناپاک در میان

ما قدرت این را پیدا خواهند نمود که دین و امنیت و اخلاق و خوشبختی ما را تاراج و ما را به جانورانی وحشی «که فقط ب فکر لذات زودگذر باشیم» تبدیل نمایند. پس برای مقابله با دشمنان و حفظ عظمت و توان و دین و حیثیت خود باید از نزدیکی به این خانواده خبیث و پلید که بجز بدی و شرّ و بدبختی چیزی را به ارمغان نمی‌آورد دروی جسته و بشدت پرهیز نماییم. مخدرات پدر پلیدی‌ها، مشروبات مادر پلیدی‌ها و سیگار نیز فرزند پلید آنهاست.

بیائید به مقابله با این خبائث برخیزیم و به کمک از بین برندگان و مشاورین ترک اعتیاد بشتابیم. به امید خدا.

خانواده خبیثه‌ای که جامعه ما را به نابودی می‌کشاند

پنج نوع ناپاکی «مواد ناپاک» وجود دارند که استعمال آنها، خرید و فروش آنها، توزیع و تجارت‌ها آنها حرام است، حرام است، حرام است: ۱- مخدرات «مواد مخدر» ۲- مسکرات «مست کننده‌ها» ۳- تشفیط: «نوعی مسکر که با استشمام بوجود می‌آید» ۴- دخان «سیگار» ۵- شیشه «قلیان» این پنج ماده ناپاک که در جامعه ما نفوذ کرده قطعاً اشاعه آنها زندگی ما را تباه و خوشبختی و سعادت ما را از بین می‌برد. این مواد خطرناک: چه بسیار خانواده‌ها که متلاشی نمود؟ چه جوان‌ها که به نابودی کشانید. چه جرم و جنایاتی که سبب آن گردید.

چه بسیار جوانها، پدران، پسران و دخترها را به زندان‌ها و بیمارستان‌ها و قبرستان‌ها افکنده، چه ... چه و چه ...، آری ریشه و اساس همه گرفتاریها، و منشأ رنج و بدبختی و بیکاری و فقر در جامعه می‌باشند.

راهی است بسوی تباهی و هلاک، و فروریختن همه جوانب زندگی انسان. جنبه خانوادگی، سلامت بدنی، عقلی، جسمی و روحی، مالی، کاری و وطن دوستی وغیره. و این هم تکرار داستانی دیگر برای سیگاری‌ها.

داستان مرگ آن جوان چیست؟ چگونه است؟

سن او چهل سال و دارای شش فرزند بود. به سیاه سرفه مبتلا شد و هر روز سرفه‌اش شدیدتر می‌شد. ابتدا فکر کرد سرفه معمولی است، بعد از مدتی شروع کرد به استفراغ خون. بلافاصله شتابان بسوی بیمارستان رفت آشکارا و بی‌پرده به وی گفتند مبتلا به سرطان ریه است. عاجزانه دست بدامن آن‌ها شد تا تمام تلاش خود را برای معالجه‌ی وی بکار گیرند. به آنان وعده داد که دیگر به سیگار برنگردد. اما چه فایده بعد از چهار ماه فوت نمود و فرزندان را یتیم گذاشت.

مصرف سیگار بزرگ‌ترین قاتل ماست

نشریه ریاض شماره (۱۲۷۵) مورخ ۱۴۲۴/۳/۲۲ هجری بیان نمود که مرگ و میر ناشی از مصرف سیگار در عربستان سالیانه بیست و سه هزار «۲۳/۰۰۰» نفر است و این دولت با وارد نمودن (۱۵) میلیارد نخ سیگار در سال به ارزش (۶۳۶) میلیون ریال چهارمین وارد کننده سیگار در جهان است.

نزدیکترین راه بسوی بهشت

ترجمه: أقرب الطرق إلى الجنة

تهیه: قسم علمی دار الوطن

از شما برادر عزیز سؤال می‌کنم: که آیا بهشت را می‌خواهی؟

پاسخ داد: چه کسی است که خواهان بهشت نباشد؟ کیست که خوشی و نعمت پایدار را نخواهد؟ چه کسی است لذات دائمی، پیاپی و پایان‌ناپذیر را طالب نباشد. گفتم پس چرا کارهای نیک انجام نمی‌دهید تا وارد بهشت شوید و از لذت‌های آن بهره‌مند شوید؟ گفت همانا راه بهشت دشوار، طولانی، پر از گردنه و خار و صعب‌العبور است و برای فردی مانند من ضعیف مشکلات و سختی‌های این راه تحمل‌ناپذیر است. گفتم برادرم تو که نمی‌توانی بر طاعت خدا دوام آورده و صبر نمایی و قادر بر خورداری و صبر از انجام گناه و نافرمانی خدا نیستی؟ پس اگر خدای ناکرده اهل آتش گردی در آنجا چگونه تاب تحمل آتش دوزخ را خواهید داشت؟

گفت: این امر «سؤال و جواب» مرا از جا برگنده تکان داد و در حیرت و سرگردانی فرو برد اما نمی‌دانستم چکار کنم و از کجا شروع نمایم در حالیکه مسیر طولانی را در راه انجام گناه و معصیت و محرّمات طی نموده بودم «گناهان زیادی انجام داده بودم» گفتم برای رسیدن به بهشت شما را

به راه بسیار کوتاهی راهنمایی می‌کنم.

راهی ساده و آسان، بدون رنج و خستگی که در آن هیچ فشار و مشکلی نیست.

گفت: مرا راهنمایی کن که خدا خیرت دهد، من همواره بدنبال چنین راه ساده آسانی «برای بهشت» هستم.

گفتم این راه هموار و آماده را امام ابن القیم: در کتاب خود بنام «الفوائد» بیان نموده است. در آن کتاب می‌گوید:

از نزدیک‌ترین و آسان‌ترین راه، بدون رنج، خستگی و سختی برای همسایگی با خدا در بهشت بطرف او بیایید. بشتابید. «راه این است دقت کنید» تو در زمانی واقع شده‌ای که در بین دو زمان گذشته و آینده قرار گرفته، و آن در واقع عمر کنونی شماست، یعنی زمان فعلی و حاضر، تو می‌توانی گذشته خود را بوسیله توبه و پشیمانی و استغفار و طلب بخشش از خداوند اصلاح نمایی که این کار هیچگونه سختی و مشقتی ندارد، و کارکرد مشکلی نمی‌خواهد، بلکه عملی قلبی است.

«برای آینده» از این به بعد یعنی در آینده از انجام گناه و نافرمانی خدا امتناع، خودداری و پرهیز نمائید. خودداری تو از معصیت نیز آسایش و آسودگی است.

کار با اندام‌ها و اعضاء بدن نیست که انجام آن برای‌تان مشکل باشد. بلکه عزم و اراده و تصمیم قاطعی را می‌خواهد. که این تصمیم جسم و جان و درون و وجدان شما را آسوده و راحت می‌نماید.

پس گذشته را با بازگشت و پشیمانی از گناه و آینده را «آنچه در پیش است» با عزم و اراده و پرهیز از معصیت و «عمل صالح» اصلاح نمائید.

که در انجام هیچیک از این دو «اصلاح گذشته و پرهیز در آینده» برای اندام‌ها و اعضاء جسم خستگی و سختی و مشکلی وجود ندارد.

اما حال و وضعیت تو در دوران حیات: زمانی است بین گذشته و آینده که اگر این زمان را هدر دهی «و از این فرصت استفاده نکنی» رهایی، سعادت و خوشبختی خود را از دست داده‌ای «ضایع گردانیده‌ای» و اگر با اصلاح گذشته و آینده به روش مذکور از آن استفاده نمایی راه نجات و رهایی را یافته و آسایش و لذت و نعمت را بدست آورده‌اید.

خاتمه

این همان راه ساده بهشت است. توبه از گذشته، عمل صالح و ترک گناه در آینده. فرمایشی از رسول اکرم ﷺ را در این رابطه بتو یادآور می‌شوم. «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أَبِي». قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ يَأْتِي؟ قَالَ: «مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبِي»». (بخاری: ۷۲۸۰). «از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «همه امتیان من وارد بهشت خواهند شد مگر کسی که امتناع ورزد». صحابه عرض کردند: ای رسول خدا! چه کسی امتناع می‌ورزد؟ فرمود: «هرکس که از من اطاعت کند، وارد بهشت می‌شود و هر کس، از من نافرمانی کند، در حقیقت، امتناع ورزیده است»».

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «الْجَنَّةُ أَقْرَبُ إِلَيَّ أَحَدِكُمْ مِنْ شِرَاكِ نَعْلِهِ، وَالنَّارُ مِثْلُ ذَلِكَ»». (بخاری: ۶۴۸۸). «عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «بهشت و دوزخ از بند کفش‌هایتان به شما نزدیکتراند»».

«یعنی هر لحظه احتمال رسیدن مرگ وجود دارد که در اثر آن یا بهشت و یا دوزخ نصیب آدمی شود».

غمگین مباش

دعاهایی که غم و غصه و اندوه را برطرف می‌کند

ترجمه: لا تحزن
أدعية الكرب والهم والحزن
إعداد:
القسم العلمي بدار الوطن
تهیه و ترتیب:
گروه علمی دار الوطن

دعاهایی که غم و غصه و اندوه را از بین می‌برد

برادر و خواهر مسلمان! ادعیه و اذکاری از پیامبر ﷺ بما رسیده که اگر به هنگام بروز مشکلات، غم و غصه و اندوه خوانده شود تمام غصه‌ها را برطرف، و دل را شادمان، و به نور ایمان آنرا روشن می‌نماید. برادر و خواهر مسلمانم! بر یادگیری این دعاها بخصوص هنگام غمگین شدن و بروز اندوه و مشکلات حریص باش. بعضی از دعاها بدین شرح است.

۱- ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هنگام اندوه و پریشانی

می فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ الْأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ». (بخاری: ۶۳۴۶). «یعنی هیچ معبودی بحق جز خدای بزرگ و بردبار، وجود ندارد. هیچ معبودی بحق جز الله که پروردگار عرش بزرگ است، وجود ندارد. هیچ معبودی بحق جز الله که پروردگار آسمان‌ها و زمین و عرش گران‌بها است، وجود ندارد.»

۲- «اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَا ضِيَ فِي حُكْمِكَ، عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتَأْذَنْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ: أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَيْبَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدْرِي، وَجَلَاءَ حَزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي». (أخرجه أحمد وصححه ابن القيم وابن حجر).

«خداوندا! همانا من بنده تو و فرزند بنده و کنیز توام، زمام امورم در دست تو و وجودم در کانال تقدیر تو سیر می‌کند، تقدیر تو در مورد من عین عدالت است. تو را به همه اسم‌هایی می‌خوانم که از آن توست و تو آن‌ها را بر خود نهاده‌ای، یا آن‌ها را در کتاب خودت [قرآن] نازل فرموده‌ای، یا آن را به یکی از بندگانت آموخته‌ای و یا علم به آن را مخصوص خود گردانیده‌ای، [از تو می‌خواهم] که قرآن را بهار قلب من، نور سینهام، روزنه امید و روشنایی اندوهم و [وسیله] رفع ناراحتی‌ام قرار دهی.»

۳- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ: مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَأَعُوذُ بِكَ: مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَمِنَ الْبُخْلِ وَالْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ: مِنْ غَلْبَةِ الدِّينِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ». (متفق علیه). «خداوندا! از غم و اندوه، ناتوانی و سستی، بخیلی و ترسویی، ماندن به زیر قرض و تسلط مردان [ظالم] به تو پناه می‌آورم.»

۴- «اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو، فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ». (رواه أحمد وأبو داود وحسنه الألبانی).

«خداوندا! چشم به رحمت تو دارم، پس مرا یک چشم برهم زدن به حال خود رها مکن، و همه امورم را اصلاح نما، [که] هیچ معبودی بحق جز تو نیست».

۵- «اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا». (أحمد وأبو داود وصححه الألبانی).

«الله پروردگار و خدای من است هیچ شریکی برای او قرار نمی‌دهم».
در روایتی دعا اینطور آمده الله ربی لا شریک له. الله پروردگار منست و شریکی ندارد.

۶- «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ». (رواه الطبرانی وحسنه الألبانی). «ای زنده پا برجا! از رحمت تو درخواست یاری می‌کنم».

۷- «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ». (رواه أحمد والترمذی وصححه الألبانی). «خداوندا! هیچ معبودی به [بحق] جز

تو وجود ندارد، پاک و منزّه هستی و من از زمره‌ی ستمکاران بودم».
۸- «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيْعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ». (أبو داود وصححه الألبانی). «خداوندا! ستایش شایسته‌ی توست [زیرا که] جز تو معبودی بحق نیست، ای آفریننده آسمان‌ها و زمین! ای بزرگوار و ارجمند! ای زنده پا برجا! تو نیکوکار [و بخشنده‌ای]».

۹- «اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ». «خداوندا! تو معبود یگانه و برطرف کننده نیازها هستی،

زاده و زاده نشده‌ای، و کسی همتای تو نیست».

پیامبر ﷺ فرموده کسی که بوسیله این دعا و دعای قبل از آن «شماره ۸» چیزی را از خدا بخواهد مثل اینست که از خداوند بوسیله اسم اعظم چیزی خواسته باشد.

«اگر کسی بوسیله اسم اعظم چیزی را از خدا بخواهد و دعائی بکند دعایش قبول و حاجتش برآورده می‌شود».

۱۰- «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ. سُبْحَانَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (أحمد والحاكم وصححه ووافقه الذهبي).
«هیچ خدایی بحق جز الله مهربان و با گذشت نیست. شکوه و عظمت و مبارک بودن از آن اوست. پروردگار عرش عظیم. سپاس و ستایش لایق پروردگار عالمیان است».

۱۱- ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ [آل عمران: ۱۷۳]

«خداوند برای ما کافی است و او بهترین، کارساز است».

این ذکر در امور مهم خوانده می‌شود. «هنگام وقوع رویداد مهمی این ذکر را بخوانید».

۱۲- «اللَّهُمَّ إِنَّا نَدْرَأُ بِكَ فِي نُحُورِهِمْ وَنُعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ». (رواه ابوداود). «خداوندا! به [کمک تو] بر آنها [دشمنان] می‌تازیم و از شرشان به تو پناه می‌آوریم».

دروازه بديها يا كليلد گناهان كبيره

حکم یاوه سرائی
ترجمهء: مفتاح الفواحش
نشریه دار ابن الأثير
با اضافات و تعليقات

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبينا الهادي الأمين وعلى آله
وصحبه الميامين وعلى جميع أمته الصالحين.

سپاس بيكران مخصوص خداوند جهان است، و درود و سلام بر پیامبر ما
محمد هادی امين، نشان دهنده راه حق و امینی در تبليغ پیام قرآن مجيد،
و بر آل و ياران او باد.

سپس بايد دقت کرد که بدون تردید بزرگ‌ترین بلائی که در حال حاضر
مسلمانان به آن مبتلا شده‌اند «غناء» «بکسر حرف اول: ساز» و آوازی است
که افسون زنا و کلید زشتی‌های بی‌حدّ «فواحش - کبائر» است، هرگاه در
قلب جای‌گزين شد و آن را تسخير نمود آنگاه گناه = تمرّد از امر حق تعالی
سبک و اقدام به آن آسان می‌گردد. ساز و آواز خلاف شرع اولین دروازه
پستی و فرومایگی می‌باشد. هرکس به آن وارد شد داخل شدن باب تمام

رذائل بر او سهل می‌گردد. غنا افسون همجنس بازی و زنا است. وسیله آن افراد فاسق غایت کام خود را از معشوق فاسق خود می‌گیرند. شیطان عناصر فاسد را به آن فریب دهد و با مکر و حيله و نیرنگ آنرا تحسین، و شبه‌های بیهوده را بر زیبایی آن به ایشان الهام می‌نماید. و این نفوس باطله بلافاصله الهام شیطان را قبول می‌کنند. به همین سبب قرآن را مهجور قرار می‌دهند، و استماع و قرائت و تعلیم و تعلّم آن را که موجب رضای خداوند متعال است ترک می‌نمایند. آری غنا یکی از اسباب بیماری‌های روانی دل است. چون از عشق و عاشقی، و کلمات جنسی که بشدت شهوت جوانان را تحریک نموده و آن‌ها را به رذیله گناه ترغیب، و به سوی آن سوق می‌دهد، سخن می‌گوید.

شنیدن سوت و دستک زدن و غنا به آلات «ابزار و دستگاه‌های موسیقی» حرام از نیرنگ‌ها و تور شکارگاه‌های دشمن خدا «شیطان» است که افراد کم بهره از علم و عقل و دین را به آن‌ها فریب داده و دل‌های نادانان و نادرستان را وسیله آن‌ها شکار می‌کند، و بر فسوق و عصیان «خروج از فرمان خدا و نافرمانی» به صورت ماندگار قرار می‌دهد، تا از قرآن حکیم جلوگیری نماید. نگذارد مورد استفاده دین و دنیای بندگان خدای متعال قرار گیرد. غنا از لهُو حدیث «گفته سرگرم کننده» است که از اسباب گمراهی و دوری متکبران از شنیدن آیات خدای تعالی «قرآن مجید» است.

حق تعالی فرموده است: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٦﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَآلٍ مُّسْتَكْبِرِينَ كَانُوا لَمْ يَسْمَعُوهَا كَأَن فِي أذُنَيْهِمْ وَقْرًا فَبَسَّوْهُ

بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٧﴾﴾ [لقمان: ۶-۷] «و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده است. و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، مستکبران روی برمی‌گرداند، گویی آن را نشنیده است؛ گویی اصلاً گوش‌هایش سنگین است! او را به عذابی دردناک بشارت ده!».

کلمه من يشرى در آيه شريفه شامل تمام مشتريان خريدار و رغبت‌کنندگان و علاقه‌مندان لهوالحديث مي‌باشد. و لهو حديث، به گفتارهاي غافل‌کننده دل و مانع از بدست آوردن مطالب مهم و اهداف عاليه دين و دنيا تفسير شده است. بنابر اين چنانکه علامه شيخ عبدالرحمن بن ناصر السعدي: در تفسير همين آيه گفته است: ۱- گفتارهاي حرام. ۲- هر چه لغو و باطل و هرزه باشد از اقوال ترغيب‌کننده بر کفر و فسوق و عصيان. ۳- اقوال کساني که مي‌خواهند حق را مردود نشان دهند و بيهوده جدال کنند تا به خيال باطل و زعم کاذب حق را باطل ارائه دهند. ۴- غيبت. ۵- نيمت. ۶- دروغ. ۷- دشنام. ۸- غناء «مزامير شيطاني» همان ساز و آواز و ترانه‌هاي بيهوده. ۹- نقل يا ارائه ماجراهاي بي فائده غفلت‌آور فاقد فوائد دنيا و آخرت عموماً داخل لهوالحديث مي‌باشند.

* آري اين نوع مژده عذاب بشارت اهل شر است که مشتريان ساز و آواز و لهو حديث از زمره آنها هستند. اما مژده اهل خير و پرهيزکنندگان نيكوکار مؤمنی در دو آيه هشتم و نهم همين سوره مبارکه نازل شده است. که مي‌فرمايد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ التَّعِيمِ ﴿۸﴾ خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۹﴾ [لقمان: ۸-۹]. «(ولي) کساني که ايمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، باغهاي پر نعمت بهشت از آن آنهاست، جاودانه در آن خواهند ماند؛ اين وعده حتمی الهی است؛ و اوست عزيز و حکيم».

مفسرين و مؤلفين اسباب النزول آيات فرموده‌اند: اين دو آيه (۶-۷) سوره لقمان که مشتريان لهوالحديث و تضليل و انحراف سپس مژده عذاب آنها در آن مذکور است، درباره نضر بن الحارث دشمن سرسخت رسول الله ﷺ نازل شده. اين مرد کافر جهت تجارت مسافرت‌هايي به بلاد فارس و مستعمرات آن داشته است و کتاب‌هاي افسانه و حکايت پادشاهان عجم را مي‌خريد و به مکه مي‌آورد، و بر مشرکين عرب مي‌خواند و مي‌گفت: «نعوذ بالله» آنچه محمد ﷺ آورده است از اين است. و افسان‌هاي رستم و اسفنديار و

فارسی و روم می‌خواند و عرب‌ها را اشغال می‌کرد و نمی‌گذاشت به قرآن و تبلیغ رسول الله ﷺ گوش فرا دهند.

و گفته‌اند: در شأن کسانی که کنیزان آوازخوان را می‌خریدند و مردم را به آواز و أَلْحَان آن‌ها از شنیدن و فهم کلام خدا باز می‌داشتند نازل شده. به روایت طبری همان نضر بن الحارث وسیله تشکیل مجالس میگساری و احضار نوازندگان و کنیزان رامشگر، کسانی را که قصد ایمان آوردن داشتند پشیمان می‌کرد و به ساز و آواز معتاد می‌نمود. به هر صورت در این دو آیه کریمهٔ سورهٔ لقمان مانند بسیاری از سوره‌های دیگر قرآن هر چند سبب نزول خاص است، اما آیه عمومیت دارد و شامل هر کسی است که به وجهی از وجوه دارای شرایط مورد النزول باشد. علیهذا هر کس در هر کسوه و لباسی در هر عصر و زمانی و در هر موضع و مکانی مشتری و راغب و دوستدار و علاقه‌مند لهوالحدیث «بمعنی عام آن» باشد هرچند به ظاهر مؤمن و مؤمن‌زاده معروف گردد از این جهت «جهت خریداری» منحرف و منحرف‌کننده است، و این نعمت بزرگ وقت عزیز خود را به جهالت و آواز و رقص و پایکوبی که پیشهٔ جاهلیت است، صرف کرده است.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً﴾ [الأنفال: ۳۵]. «آن‌ها که مدعی هستند ما هم نماز داریم، نمازشان نزد خانه (خدا)، چیزی جز «سوت کشیدن» «کف زدن» نبود؛ پس بچشید عذاب (الهی) را بخاطر کفرتان!».

و مانند کافران تلاوت آیات قرآن در آنان تأثیر ندارد. چون شیطان ملعون توسط مزامیر خود ایشان را دعوت می‌کند و از قرآن مجید دور نگهدارد. آری غنا از جملهٔ یاوه و بیهوده و پوچی است که اعراض از آن و پرهیز جدی از آن برای هر مسلمانی ضروری است. ای برادر و خواهر مسلمان یکدم بخود آی و ببین به چه کسی؟ به چه دل بسته‌ای؟ با که هم‌منسی؟

حق تعالی در سورهٔ قصص آیه در تعریف مؤمنین که به تلاوت کلام خدا

گوش دل داده‌اند و ايمان آورده‌اند مي‌فرمايد: ﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ﴾ [القصص: ۵۵]. «و هرگاه سخن لغو و بيهوده بشنوند، از آن روي مي‌گردانند و مي‌گويند: «اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خودتان؛ سلام بر شما (سلام وداع)؛ ما خواهان جاهلان نيستيم!».

به هر كس مجازات عملش داده شود. آري مؤمنان از كردار و گفتار بي‌فائده نادانان دوري جويند، و گویند سلام عليكم بجز خيرخواهي و سلامتي از ما نخواهي ديد، و به مقتضاي جهل شما رفتار نخواهيم كرد، و گوش به باطل ندهيم و با سلام از يكدیگر جدا شويم، طالب مصاحبه نادانان و نادرستان نيستيم. و اين سلام را سلام توديع و متارکه گویند. نه سلام تحييت و درود و دعاء.

از بد بگريز و با نيكان نشين يار بد زهري است بي‌انگبين صحبت جاهل نمي‌جوئيم ما ره نه بر نفس و هوا پوئيم ما باز خداوند متعال در تعريف عباد الرحمن مي‌فرمايد: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾ [الفرقان: ۷۲]. «و كساني كه شهادت به باطل نمي‌دهند (و در مجالس باطل شركت نمي‌كنند)؛ و هنگامي كه با لغو و بيهودگي برخورد كنند، بزرگوارانه از آن مي‌گذرند».

و كلمه زور به قول و فعل حرام تفسير شده است. پس بندگان خداوند رحمن در مجالس مشتمل بر اقوال يا افعال محرمه مانند بيهوده‌گوئي در آيات خدا «تفسير بدون علم» و مجادله بي‌قائده براي اثبات باطل، و غيبت و نيمه و دشنام و قذف و استهزاء و آوازخواني منهي عنه، و ميخواري و فرش حرير و صورتهای حيوان و رقص و پايبوبي و كف زدن حاضر نشوند، و شهادت زور هم ندهند. و در كلمه مَرُّوا اشاره است به اينكه اين بندگان خدا اصلاً قصد حضور و سماع لغو ندارند و اگر اتفاقاً به آن عبور كردند خود

را کریم و آبرومند نگهدارند، و کریمانه می‌گذرند. مسلماً غنا صدای شیطان است. سوره الاسراء را بخوانید و صدای شیطان را در ساز و آواز و سائر صدهای ناحق مشاهده کنید و با استعاذه و ایمان خود را از شیطان نجات دهید.

﴿وَأَسْتَفْزِرُّ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجِدْبَ عَلَيْهِمْ بِخَبْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ [الإسراء: ۶۴]. «هر کدام از آن‌ها را می‌توانی با صدایت تحریک کن! و لشکر سواره و پیاده‌ات را بر آن‌ها گسیل دار! و در ثروت و فرزندان‌شان شرکت جوی! و آنان را با وعده‌ها سرگرم کن! - ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعده‌ای به آن‌ها نمی‌دهد». وعده شیطانی نبود جز کذب و فریب کس نبرد از غیر خواری زان نصیب صوت شیطان را به غنا، و مزامیر و سر و صدای خلاف شرع تفسیر کرده‌اند.

امام عبدالعزیز بن باز: گفته است: صوت و زور به غناء و آلات ملامی (ابزارهای موسیقی و رامشگری و نوازندگی) تفسیر شده باز صوت به هر صدائی که به باطل دعوت کند و زور به هر نوع منگری «که شرع اسلام آنرا انکار نماید» تفسیر شده است. و قطعاً بین این دو تفسیر خلاف وجود ندارد. پس مدلول هر دو آیه «آیه ۷۲ سوره الفرقان و آیه ۶۴ سوره الاسراء» شامل کل این مذکور است. بدون تردید اغانی و ملامی از قبیح‌ترین زور و پلیدترین آوازهای شیطان رجیم است. چون قسوت «سنگدلی» و ممانعت از ذکر خدا و قرائت قرآن و پیشگیری از جمیع طاعات «إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ» از آن‌ها مترتب می‌شوند، و بدون وقفه از آن‌ها بوجود آیند. به راستی رسول اکرم ﷺ خبر داده است به اینکه در آخرالزمان کسانی پیدا شوند که غنا و معازف «آلات طرب» و ارتکاب فواحش را حلال می‌پندارند. «عن أَبِي عَامِرٍ الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: «لَيَكُونَنَّ مِنْ أُمَّتِي أَقْوَامٌ يَسْتَحِلُّونَ الْحِرَّ،

وَالْحَرِيرِ، وَالْخَمْرَ، وَالْمَعَارِفَ» (بخاری: ۵۵۹۰). «ابوعامر اشعری رضی اللہ عنہ می گوید: شنیدم که نبی اکرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم فرمود: «در میان امت من افرادی پیدا خواهند شد که زنا، ابریشم، شراب و آلات موسیقی را حلال می دانند».

کلمه حر به کسر اول و تشدید و تخفیف راء مهمله بمعنی فرج و در اصل به زنا تفسیر شده است، و معارف جمع معزفه آلات طرب است. این حدیث صریح است در ذم حلال کنندگان آلت طرب مثل عود و کمانچه و تنبور و غیره، چون آنها را با حلال کنندگان زنا و شراب و ابریشم مقارن نموده است. بلکه این حدیث حجّتی است ظاهر در تحریم استعمال معارف که آلات ملاحی است، مثل طبل و تنبور و کمانچه و غیره، و تحقیقاً به اجماع اهل لغه معارف به آلات ملاحی تفسیر می گردد. و این مقوله «تحریم ملاحی و آلات آن» فقط به خاطر ترتب سنگدلی و مرض قلب و سرگرمی و غفلت از نماز و قرآن است، و هنگامی که غناء به آلات ملاحی ضمیمه شد گناه بزرگ تر و فساد عظیم تر گردد. عبدالله بن مسعود رضی اللہ عنہ گفته است: «الغناء ینبت النفاق فی القلب کما ینبت الماء البقل». «غناء نفاق را در قلب می رویند همچنانکه آب سبزی» یا دانه را می رویند.

عبدالله بن عمر رضی اللہ عنہما به محلی که دخترک کوچک آواز می خواند عبور کرد پس گفت: اگر شیطان احدی را ترک می کرد دست از این دختر صغیره برمی داشت «یعنی شیطان حتی این صغیره را وادار به آواز خوانی نموده است، این کودک غیرمکلف از دسیسه شیطان نجات نیافته آواز می خواند».

مردی درباره غنا از قاسم بن محمد بن ابی بکر صدیق رضی اللہ عنہ سؤال کرد. قاسم بن محمد در جواب گفت: تو را از آن نهی می کنم و آنرا برای تو مکروه می دانم. دوست ندارم. سائل عرض کرد: آیا حرام است؟ قاسم گفت: برادر زاده ام. اگر خداوند بزرگ جل جلاله حق و باطل را از هم جدا کند غنا بر کدام بخش گذاشته می شود.

فضیل بن عیاض: گفته است: غناء افسون زنا است «الْغِنَاءُ رُقِيَّةُ الزَّانَا». ابن الجوزی: گفته است: بدان که شنیدن غناء دو چیز در بردارد. اول اینکه قلب از تفکر در عظمت خداوند سبحان و قیام به عبادت او تعالی باز می‌دارد و غافل می‌کند. دوم اینکه آنرا به لذت‌های زودگذر متمایل و علاقه‌مند می‌سازد. و این لذات شتابان زیان‌آور بی‌فایده خواهان آن است که به تمام معنی از کلیه شهوت‌های حسی که معظم آن‌ها نکاح «عمل جنسی» برگرفته شود و لذت کامل این عمل فقط در همبسترهای جدید «از جنس لطیف» است و راهی برای همبستران جدید حلال به کثرت «بعد الأربع» وجود ندارد لذا او را به عمل زنا که حق تعالی از نزدیکی به آن، چه رسد به خود آن پلید، نهی بلیغ فرموده است.

﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهُوَ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: ۳۲].

«و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است.»

تشویق می‌کند.

پس میان غنا و زنا از جهت اینکه غنا لذت روح، و زنا بزرگ‌ترین لذت نفسی است تناسب وجود دارد. خدایا بندگان خود را از این دو بلا و سائر بلایای مهلک حرث و نسل به عنایت بیکران خود محفوظ بفرما. آمین یا ارحم الراحمین.

ابن القیم: گفته است: بدانید بدون شک در غناء خواصی وجود دارد که در رنگ نمودن قلب به نفاق و روئیدنش در آن مانند روئیدن مزارع به وسیله آب تأثیر دارد. پس از خواص غنا است که: همانا قلب را غافل و سرگرم نموده و آنرا از فهم قرآن و تدبّر در آن و عمل به مضامین آن باز می‌دارد. و بی‌گمان قرآن و غنا «کلام حق تعالی و ساز و آواز» ابداً با هم در قلب اجتماع نخواهند داشت. چون بین آن دو تضاد شدید وجود دارد. قرآن مجید اکیداً از اتباع هوا و هوس نهی می‌کند، و به عفت و پاکدامنی و دوری از شهوت‌های نفسانی و اسباب گمراهی فرمان می‌دهد، و از پیروی گام‌های شیطان ممانعت می‌کند.

ولی غنا درست بر ضد تمام این‌ها است. تبعیت از شیطان را زیبا جلوه می‌دهد، و نفس را به شهوت‌های گمراهی تحریک، و خفته‌های آنرا بیدار، و ساکن آنرا به‌سوی هر نوع قبیحی بحرکت در می‌آورد، و نفس را به‌سوی منجلاب قصد فجور با هر، زیبا رخ ملیح و ملیحه سوق می‌دهد. پس غنا و خمر «ساز و آواز و شراب = می: دو هم‌شیر یک دایه هستند، و آن دو در هیجان تحرک در میدان قبايح دو اسب گرو بستن می‌باشند، «فرسا رهان» غنا همسایه و هم‌شیره و نائب و هم‌پیمان و عاشق و دوست صمیمی شراب است، که شیطان میان آن دو پیمان برادری غیر قابل فسخ و انحلال را بسته، و راه وفاداری را که هیچگاه منسوخ نگردد، بین آن دو محکم کرده است. آری غنا جاسوس قلب و دزد مروت و حشره مضر «سوس = موربانه» عقل است، که به سرعت در اعماق پناهگاه‌های پوشیده‌ی قلوب آشوب و غوغا بوجود آورد، و با سختی و فشار داخل مکامن آن می‌شود، و از اسرار دل‌ها اطلاع می‌یابد، و به محمل تخیل می‌خزد، و هوا و شهوت و گستاخی و بی‌شرمی و سستی و حماقت را در آن تحریک می‌کند. لذا گاهی شخصی را می‌بینی که آثار وقار و بزرگی عقل و زیبائی ایمان و بردباری اسلام و حلاوه قرآن بر جمال و شخصیت او نمایان است. همین شخص محترم بمحض اینکه به غنا گوش داد، و به آن توجه نمود و مائل شد، عقلش ناقص و شرم و حیاء و ادبش کم، و مروّت و بهاء و وقار و عظمتش از بین می‌رود. و شیطان ملعون به او شاد می‌گردد و ایمان او بر ضدّ او بخداوند متعال شکایت می‌کند. و قرآن بر او گران می‌آید.

پس غنا قلب را فاسد می‌نماید و هرگاه قلب فاسد شد در نفاق هیجان می‌کند.

«اللهم احفظنا من شرور الشيطان ومكائده ومزاميره ومن شر اتباعه من الجنة والناس».

برادران و خواهران مسلمان. بزرگ‌ترین آفات غنا این است که شنونده را به‌سوی رذیله زنا، همان فاحشه که حق تعالی آنرا با شرک و قتل نفس ردیف

قرار داده است. و رسول اکرم ﷺ آنرا اعظم گناهان شمرده است می‌کشاند و دعوت می‌نماید. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٦﴾ يُضْعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٧﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٠﴾﴾ [الفرقان: ۶۸-۷۰] «و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند؛ و انسانی را که خداوند خودش را حرام شمرده، جز بحق نمی‌کشند؛ و زنا نمی‌کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید! عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد، و همیشه با خواری در آن خواهد ماند! مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می‌کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است!».

حق تعالی در خلال بیان صفات ارزنده عبادالرحمن که هر مؤمنی که خود را بنده خدا می‌خواند باید قطعاً موصوف به جمیع آنها باشد می‌فرماید: و آن کسانی که نخوانند از اثر با خدای خود خدایان دگر نه کشند آن نفس را کز حق حرام نه کنند ایشان زنا و زنی کند قتل او شد جز بحق در انتقام آنچه شد ذکر از جزا به وی رسد باشدش در حشر دو چندان عذاب جز که آرد بازگشت و بگردد کارهای شایسته و نیکو کند آنگزه را پی خدا سازد بدل مر بدیهاشان به نیکی در عمل کاوست آمرزنده و بی‌مهربان بخشد از رحمت گناه بندگان

در تفسیر این آیات آمده است. که کفر بعد از ایمان و زنا بعد از احسان و قتل بناحق انسان، مزیل رحمت و عصمت نفس است، پس حاکم اسلامی می‌تواند کافر حربی و مرتد و زانی محصن و زانیه محصنه و قاتل بناحق را بعد از ثبوت قطعی جنایت، به قتل برساند. پس قتل مسلمان و معاهد حرام است.

فائده: در آیه (۶۸) فعل مضارع مجزوم به حذف لام الفعل است، چون بعد از مَنْ یفعل و جزای شرط واقع شده و ماضی آن لقی به فتح فاء الفعل و کسر عین الفعل و فتح لام الفعل بر وزن عَلِمَ از باب رابع است. و اَثم بر وزن دوام مصدر بمعنی اثم: گناه و در معنی آن گفته‌اند: عقاب: کیفر گناه است. بنابر اینکه مضاف محذوف و اَثم مصدر بمعنی فعل حرام «گناه» باشد. از عبدالله بن عمر و عکرمه و مجاهد روایت شده که اَثم نام درّه‌ای در جهنم است که برای تعذیب، معین شده است، و مذکور است که اَثم نام یک وادی است در جهنم که زناکاران را در آن عقوبت می‌بینند، یا اینکه چیزی است که از اجسام دوزخیان مانند چرک و خون جاری می‌گردد. یا اینکه اَثم و غیّ به فتح غین معجمه و تشدید یاء نام دو چاه در جهنم هستند که برای تعذیب جمعی گناهکار مقرر شده‌اند. در تفسیر بیضاوی می‌گوید در قرائتی بجای اَثمًا، آیاماً خوانده شده است. و آیام با حرف همزه مفتوحه و یاء و الف و میم آخر بر وزن اَثم بمعنی شدائد است. علامه شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی در تیسیر الکریم الرحمن «تفسیری است مختصر و علمی: جمله: ﴿يَلْقَى أَثَمًا﴾. را به آیه: ﴿يُضَعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَحْلُدُ فِيهِ مُهَانًا﴾ [الفرقان: ۶۹]. تفسیر کرده است. در تفسیر قرطبی هم از سیبویه نقل شده که مضاعفه العذاب همان لُقِيَ اَثم است «روبرو شدن به عذاب» و کلمه مهاناً بمعنی خوار، سبک، بی‌مقدار و بی‌ارزش تفسیر شده است. در آیه (۶۸) شرک و قتل و زنا که اکبر کبائراند به ترتیب دنبال هم ذکر شده‌اند چنانکه در تیسیر الکریم الرحمن بیان شد. به علّت اینکه در شرک افساد ادیان، و در قتل افساد ابدان، و در زنا افساد اعراض انسان وجود دارد، این امر ردیف همدیگر نازل شده‌اند. و در صحیحین «بخاری و مسلم» هر دو کتاب صحیح و معتمد اهل سنت و جماعت از حدیث ابی وائل از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده که: بحضور رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم یا رسول الله: کدام گناه نزد خدای تعالی بزرگ‌تر است. فرمود: آنکه برای خدا شریک

قرار دهی و حال اینکه فقط اوست که تو را خلق کرده است. عرض کردم پس از آن چیست. فرمود: آنکه فرزند خود را از ترس اینکه با تو طعام بخورد بقتل برسانی. عرض کردم بعد این گناه کبیره چیست؟ فرمود: آنکه زنا کنی با زن همسایه خود. آنگاه خدای تعالی در قرآن مجید تصدیق کلام رسول خدا ﷺ را نازل فرمود: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ﴾

که مختصر ترجمه و تفسیر آن را خواندی. آری این کبائر بخصوص زنا بحدی زشت و پلیدند که حق تعالی جلّت قدرته نجات و رستگاری را از مرتکب آن بطور کلی نفی کرده است. اینک خدای تبارک و تعالی فرموده است: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿۲﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿۳﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ﴿۴﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿۵﴾﴾ [المؤمنون: ۱-۵]. «مؤمنان رستگار شدند؛ آن‌ها که در نمازشان خشوع دارند؛ و آن‌ها که از لغو و بیهودگی روی گردانند؛ و آن‌ها که زکات را انجام می‌دهند؛ و آن‌ها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند».

خلاصه اینکه رستگاری و سعادت مسلمان واقعی به اتصاف به این صفات عالیه است. کسی که فاقد این صفات مذکوره در این ۵ آیه کریمه باشد و مرتکب خلاف آن‌ها گردد قطعاً فلاح و ظفر و نجات ندارد. چنانکه در صریح عبارت همین رساله «اصل» بیان شده که نفی الله مرتکب‌ها الفلاح. صحیح عبارت اصل جهت بیان فاحشه زنا بدین قرار است: «وهي الفاحشة التي نفى الله تعالى الفلاح عن مرتكبها». آری زنا که خودداری از آن را در ردیف صفات بارز مؤمنین ناجی ظفرمند اعلام فرموده، رذیله پستی است که حق تعالی در کتاب عزیز خویش «قرآن حکیم» مردم را اکیداً از آن برحذر نموده، بلکه از نزدیکی آن نهی صریح فرموده و آنرا فاحشه «عمل نهایت درج قبیح» و راه بد که موجب قطع نسب و تحریک فتنه و فساد است نام برده است، پروردگار عالم جلّت عظمته فرموده است: ﴿وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهُوَ كَانَ

فَلْحِشَّةٌ وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿٣٦﴾ [الإسراء: ۳۲]. «و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است».

جالب اینکه در نظم قرآن مجید که حتی ترکیب حروف و کلمات و آیات آن حاوی معجزات است نهی از قرب زنا در میان آیه نهی از قتل اولاد و آیه نهی از مطلق قتل نفس ﴿الَّتِي حَرَّمَ﴾ نازل شده است. دانشمندان مفسر گفته‌اند: نهی از نزدیکی به آن عمل زشت پلید زنا بلیغ‌تر از نهی خود آن است. پس اگر قرب و نزدیکی آن این قدر منهی باشد، عین آن منهی‌تر و شدید‌الْقُبْحُ تر است.

از کلام مفسر معروف بیضاوی عبدالله بن عمر در تفسیر انوار التنزیل مشهور به تفسیر بیضاوی و کلام دیگر مفسران معتمد فهم می‌شود که عزم بر زنا، و اقدام به مقدمات آن همان نزدیکی است که حق تعالی صریحاً از آن نهی فرمود است. پس باید گفت در قباحت زنا کافی است که جامع کلیه صفات شرّ است. برای نمونه ۱- قلتِ دین. ۲- از بین رفتن پرهیزگاری و ورع. ۳- فساد مروّت. ۴- کم شدن غیرت.

هیچ زناکاری را نیایی که ورع یا وفا به عهد یا صدق گفتار یا محافظه دوست و دوستی یا غیرت کامل بر عائله خود داشته باشد، «غیرت بر عائله این است که حافظ عرض و ناموس همسر خود باشید، و وجود او را طبق دستور شریعت نگهداری کنید». ۵- عذر و پیمان‌شکنی و خیانت. ۶- دروغ. ۷- جنایت «در اصل خیانت چاپ شده ولی چون رذیله در ضمن عذر فهم می‌شود جنایت را با جیم نوشتیم. ۸- بی‌شرمی «در اصل قلة الحياء مذکور است که باید با رعایت امانت کم شرمی ترجمه گردد، ولیکن چون این کلمه در ادبیات فارسی قدیم و جدید کاربرد ندارد لذا قلة الحياء را به بی‌شرمی ترجمه نمودم. ۹- عدم مراقبت «عدم توجه به اموری که احتیاج به محافظت دارد». ۱۰- عدم عار و ننگ از جرم «عدم الأنفة للجرم». ۱۱- بیرون رفتن غیرت از قلب «ذهاب الغيرة من القلب».

خاتمه

در جهان هیچ وسیله‌ی از وسائل انتشار فواحش و کبائر و رذائل از غنا سریع‌تر نیست. چون محتوی کلام بی‌شرمانه «ماجن» و شعر پائین و پست و لحن و آواز غلط و فتنه‌گر و فریبنده می‌باشد.

لذا انکار آثار منفی غنا و نتایج ذلت‌آور قبیحه‌ی آن رذیله مکابره است: عناد و معارضه و کناره‌گیری و زورآزمائی و انکار عمدتاً و عالماً و غلبه بر خصم با دروغ و بزرگ‌نمائی را مکابره گویند.

و از پیشگاه خداوند عظیم‌الشان مسئله می‌نماییم که همه ما را از غنا و ساز و آوازی که کلید تمام فواحش «کبائر» است.

و از تمام گناهان صغیره و کبیره از لهو‌الحديث، و لهو‌العمل و لهو‌الأفکار به عنایات بی‌کران، و لطف عمیمش محفوظ فرماید، همانا ولیّ آن و قادر بر جواب مسئله خواسته شده فقط خدا است.

والله أعلم وأحكم وصلى الله على نبينا محمد وآله وصحبه وسلم. و آخر

دعوانا أن الحمد لله رب العالمين.

آیا می‌دانی مفلس کیست؟

مرد عاقل و خردمندی از اهل اصفهان بود که پدرش او را بسیار دوست می‌داشت و او را بسیار تمجید می‌کرد، دین قوم او مجوسی بود، روزی به خاطر نیازی از آنجا رفت و در مسیرش با گروهی از مسیحیان برخورد کرد که در کنیسه‌ای خدا را پرستش می‌کردند، بر آن‌ها وارد شد و از آن‌ها در مورد دینشان پرسید و به خاطر سازگاری دینشان با فطرت مورد پسند او واقع شد و آن را پذیرفت و با دین جدید فرار کرد و در شام ساکن شد، سپس به شهر موصل مهاجرت کرد، و بعد به شهر عموریه رفت و در تمام آن دوران حق را جویا شد، تا اینکه آخرین سفرش به مدینه الرسول (یثرب) بود تا در نهایت پیرو برترین مخلوقات، و بلکه جزو خاندان او شود: سلمان منا آل البیت.

حتماً فهمیدی منظورم چه کسی است؟ آری او سلمان خیر، و سلمان اسلام، یعنی سلمان فارسی است. اگر ما در این داستان عجیب تأمل کنیم می‌بینیم که سلمان با ترک وطن و خانواده و دین قومش، بعد از اینکه فهمید آن‌ها در اشتباه هستند از تمام مرزهای جغرافیایی و اجتماعی گذشت، و چون خداوند صداقت او را در جستجوی حق دید، هدایتش کرد و در دستیابی به آن موفقش گردانید تا اینکه او را از صحابه پیامبر ﷺ قرار داد.

بنابراین سلمان باید الگویی برای ما باشد که اگر حق را گم کردیم آیا در جستجوی حق به او اقتدا می‌کنیم؟ و از روی انصاف و بی‌طرفی و عدم پیش‌داوری به مخالف گوش می‌دهیم؟ و هر کس در جستجوی حق با خدا صادق باشد خداوند او را به حق راهنمایی می‌کند و موفقش می‌گرداند. اینک حقایقی را پیش روی تو قرار می‌دهیم تا کیفیت رابطه امامان آل بیت با صحابه برایت آشکار شود و نقطه آغازینی باشد برای اینکه حقیقت را جويا شوی و رابطه صمیمانه بین آل بیت و دیگران در عهد نبوت، سپس عهد خلفاء، و سپس عهد تابعین و مابعدشان را بشناسی، و ما تنها به نقل از کتب شیعه اکتفا می‌کنیم، امید است که مفید واقع گردد و حق را بدون ابهام و آنگونه که هست ببینی، بنابراین لازم است در هنگام خواندن بی‌طرف باشی، و ما مرجعی را که از آن نقل کرده‌ایم را ذکر نموده‌ایم. بنابراین برای اطمینان به آن مراجعه کن.

خلاصه کلام اینست که رابطه موجود بین آل بیت و دیگران یک رابطه صمیمانه بود، و این رابطه در موارد بسیاری متجلی می‌شود که آن‌ها را در چهار مورد خلاصه می‌کنیم:

۱- خویشاوندی: از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله عایشه دختر ابوبکر و حفصه دختر عمر بود، و پیامبر صلی الله علیه و آله دو دختر خود را به ازدواج عثمان بن عفان درآورد، و علی با اسماء دختر عمیس که همسر ابوبکر صدیق و مادر محمد بن ابی بکر بود وصلت کرد که این ازدواج بعد از وفات ابوبکر صورت گرفت و ثمره این ازدواج یحیی بن علی بود؛ بنابراین محمد بن ابی بکر و یحیی بن علی بن ابی طالب برادر مادری هستند، و عمر بن خطاب با ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب ازدواج کرد و از او صاحب دو فرزند به نام‌های زید بن عمر و رقیه بنت عمر شد^۱، و

۱- مجلسی در بحار الأنوار (ص ۶۲۱)، کلینی در الکافی قسمت فروع (۱۱۵/۶).

امام جعفر با افتخار می‌گوید: ابوبکر مرا دوبار به دنیا آورد^۱، و عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان فاطمه دختر حسین بن علی بن ابی طالب را به ازدواج خود درآورد، و از او صاحب فرزندی به نام محمد شد^۲، و معاویه بن مروان بن حکم اموی با دختر بیوه امام علی وصلت کرد^۳، و نیز زینب دختر حسن «المثنی» عقد شده ولید بن عبدالملک خلیفه وقت بود^۴، و همچنین ولید بن عبدالملک با نفیسه دختر زید بن حسن بن علی ازدواج کرد^۵؛ و امثال این وصلت‌ها در کتب سیره فراوان دیده می‌شود.

۲- مدح و ستایش: امام علی می‌فرماید: من اصحاب محمد را مشاهده کردم و کسی را همچون آنان نیافتم، با حالتی آشفته صبح می‌کردند، و در حالت سجده و قیام و در بین پیشانی و زانوهایشان شب را به استراحت می‌گذراندند، در هنگام ذکر قیامت همچون ذغال افروخته می‌شدند، به خاطر طول سجده‌هایشان بین چشمانشان همچون زانوی بز گود شده بود، هرگاه نام خدا برده می‌شد چشمانشان پر اشک می‌شد آنچنان که پیشانی‌شان خیس

۱- چون نسبش از دو جهت به ابوبکر منتهی می‌شود: اول از جهت مادرش فاطمه دختر قاسم بن ابی بکر. و دوم از جهت مادر بزرگ مادریش اسماء دختر عبدالرحمن بن ابی بکر که مادر فاطمه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر است. رجوع کشف الغمه اربلی (۳۷۳/۲).

۲- نگا: الکافی (۷/۵) و کتاب سلیم بن قیس (ص ۳۶۲).

۳- نسب قریش مصعب زبیری (ص ۴۵).

۴- نسب قریش مصعب زبیری (۵۲).

۵- عمدة الطالب فی أنساب آل ابی طالب. ابن عنبة (۱۱۱).

می‌شد، و از ترس عقاب و امید به ثواب همچون درخت در روز طوفانی به این سوی و آن سوی کشیده می‌شدند^۱ و نیز در مدح ابوبکر می‌گوید: او پاک جامه و کم عیب رفت، خیرش اصابت کرد و بر بدیش سبقت گرفت، فرمانبرداری از خداوند را ادا کرد و آنچنان که شایسته بود تقوای او را پیشه کرد^۲. آمده است که امام جعفر صادق به زنی که از او در مورد ابوبکر و عمر پرسیده بود: آیا باید ولایت آن‌ها را بپذیرم؟ گفت: ولایتشان را بپذیر، آن زن گفت: فردا که پروردگارم را ملاقات کنم به او می‌گویم که تو مرا به قبول ولایتشان امر کردی؟! گفت: آری بگو^۳. و روایت شده که مردی از یاران امام باقر وقتی شنید امام باقر ابوبکر را به لقب صدیق توصیف کرد تعجب کرد و گفت: آیا او را چنین توصیف می‌کنی؟ باقر گفت: آری او صدیق بود و هرکسی به او صدیق نگوید خداوند کلام او را در آخرت تصدیق نمی‌کند^۴.

۳- نامگذاری فرزندان: امامان آل بیت فرزندانشان را به نام خلفا نامگذاری می‌کردند؛ امام علی فرزندانش را: ابوبکر و عمر و عثمان نامیده بود، همانطور که علی اربلی آن را ثابت کرده است^۵، و ابوالفرج اصفهانی و اربلی و مجلسی ذکر کرده‌اند که ابوبکر بن علی بن ابی طالب از جمله کسانی بود که در کربلا همراه برادرش

۱- نهج البلاغة خطبه شماره (۹۷).

۲- نهج البلاغة (ص ۳۵۰) تحقیق: صبحی الصالح.

۳- روضة الكافي (۱۰/۱۸).

۴- كشف الغمة (۲/۳۶۰).

۵- علی اربلی (۶۶/۲) «كشف الغمة فی معرفة الأئمة».

حسین علیه السلام کشته شد، همچنین پسر حسین که ابوبکر نام داشت همراه با آن‌ها کشته شد (محمد اصغر کنیه ابوبکر بود).^۱

۴- دفاع فداکارانه: می‌بینیم هنگامی که فتنه جویان سرکش منزل عثمان بن عفان را محاصره کردند امام علی از او دفاع کرد و مردم را از او دور کرد و فرزندانش حسن و حسین و برادرزاده اش عبدالله بن جعفر را به دفاع از او فرستاد.^۲

بعد از این بررسی اجمالی شما را متوجه امر مهمی می‌سازیم و آن اینست که احیاناً اگر در مورد حقیقت این امور سوال کنی و در جواب به تو گفته شود: این سخن نادرست است، برای اطمینان می‌توانی به کتاب‌ها مراجعه کنی، یا اینکه ممکن است گفته شود: این کارها به خاطر تقیه بوده، اما ما به شما می‌گوییم لازم است که خط مشی و روشی برای تشخیص تقیه از حقیقت وجود داشته باشد، در غیر اینصورت انسان در نقل از تمایلاتش پیروی می‌کند و اگر کلامی را نپسندید می‌گوید این تقیه است، و اگر نپسندید می‌گوید این تقیه نیست، و ما از شما می‌پرسیم: چرا انسان به تقیه پناه می‌برد؟ مگر به خاطر نیاز و خوف نیست؟ در این صورت چرا امام علی باید بترسد و به تقیه پناه ببرد در حالی که بالاترین منصب سیاسی (امیرالمومنین) را داراست؟ در اینجا نیازی به تقیه نیست، این در حالی است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است یکی از سه گروهی که خداوند در روز قیامت به آن‌ها نظر نمی‌اندازد و تزکیه‌شان نمی‌کند و عذاب دردناکی دارند: پادشاه دروغگوست. چون او نیازی به دروغ ندارد، و اگر ما تقیه را در خطاب

۱- مقاتل الطالبیین» تألیف ابوالفرج اصفهانی (ص: ۸۸، ۱۴۲، ۱۸۸) چاپ بیروت. واربلی در «کشف الغمة» (۶۶/۲)، و مجلسی در جلاء العیون (ص ۵۸۲).

۲- شرح نهج البلاغة تألیف: ابن ابی حدید (۵۸۱/۱۰) چاپ ایران، و تاریخ مسعودی (۳۴۴/۲).

دینی در صورت عدم نیاز به آن جایز بدانیم به طریق اولی باید آن را در معاملات تجاری، سیاسی و اجتماعی جایز بدانیم، تا جایی که به مرحله‌ای می‌رسیم که بعضی از ما به دیگری سخن راست نخواهد گفت.

در پایان این سخن رسول گرامی را یادآور می‌شویم که فرمودند: «أتدرون من المفلس؟ قالوا: المفلس فينا من لا درهم له ولا متاع فقال: إنَّ المفلس من أمتي من يأتي يوم القيامة بصلاة، وصيام، وزكاة، ويأتي قد شتم هذا، وقذف هذا، وأكل مال هذا، وسفك دم هذا، وضرب هذا، فيعطى هذا من حسناته، وهذا من حسناته، فإن فنيت حسناته قبل أن يقضى ما عليه، أخذ من خطاياهم فطرحت عليه، ثم طرح في النار». (الترمذی، حدیث: ۲۴۱۸، وصححه الألبانی). یعنی: «آیا می‌دانی مفلس کیست؟ گفتند: مفلس نزد ما کسی است که پول و دارایی نداشته باشد. فرمود: به راستی مفلس کسی است که در روز قیامت با نماز و روزه و زکات می‌آید در حالی که به یکی توهین کرده و به یکی تهمت زده و مال دیگری را خورده و خون شخصی را ریخته و دیگری را زده، تمام این‌ها از حسناتش گرفته می‌شود؛ اگر حسناتش تمام شود قبل از اینکه خطاهایش قضا شود، از خطاهای آن‌ها گرفته می‌شود و به او منتقل می‌شود و در آتش افکنده می‌شود».

آیا نمی‌ترسی از اینکه در روز قیامت با افلاس روبرو شوی به خاطر کثرت توهین و دشنام به کسانی که مستحق توهین نبوده‌اند؟ و حسناتی که در کسب آن‌ها رنج برده‌ای را از تو بگیرند؟

توصیه ما به شما این است: تلاش کن خودت حق را جویا شوی، و بدان که هیچ کسی جز عمل خودت در روز قیامت به تو نفعی نمی‌رساند، بنابراین از عملت مطمئن شو که آیا صالح است یا خیر؟ گاهی انسان کاری را انجام می‌دهد و گمان می‌کند که عمل صالحی است، سپس در روز قیامت غیر آن ثابت می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ۝۲ عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ۝۳ تَصَلَّىٰ نَارًا حَامِيَةً ۝۴﴾ [الغاشية: ۲-۴]. «چهره‌هائی در آن روز خاشع

و ذلت بارند. آن‌ها که پیوسته عمل کرده و خسته شده‌اند. و (سرانجام این زحمت‌کشان خسته و بیهوده‌گر) در آتش سوزان وارد می‌گردند». و پیوسته از خداوندی که بر هر چیزی علیم است بخواه که تو را به سوی حقیقت راهنمایی کند، و به آن ختم دهد، و از جمله برترین دعاهایی که در روایت آمده اینست:

«اللَّهُمَّ أَرْنَا الْحَقَّ حَقًّا وَأَرزُقْنَا اتِّبَاعَهُ، وَأَرْنَا الْبَاطِلَ بَاطِلًا وَأَرزُقْنَا اجْتِنَابَهُ، وَلَا تَجْعَلْهُ مَلْتَبَسًا عَلَيْنَا فَنَضِلَّ وَاجْعَلْنَا لِمَتَّقِينَ إِمَامًا». «پروردگارا حق را آنگونه که هست به ما بنمایان و پیروی آن را بر ما ارزانی بدار، و باطل را آنگونه که هست بر ما بنمایان و اجتناب از آن را بر ما ارزانی بدار، و آن را بر ما ملتبس مگردان که گمراه شویم و ما را پیشوای متقیان قرار ده».

چرا صحابه را دوست داریم؟

ترجمه: لماذا نحب الصحابة

تهیه: خالد ابو صالح

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده نبينا محمد وعلى آله
وصحبه أما بعد:

همانا که محبت و علاقه به اصحاب رسول الله ﷺ در نزد اهل سنت و جماعت از اصول ایمان قلمداد می‌شود. چرا که این گروه (صحابه) برگزیدگان بشریت به شمار می‌آیند. آنان کسانی هستند که خداوند ﷻ ایشان را برای مصاحبت با رسولش و انتشار دینش انتخاب کرد. همان کسانی که وظیفه سنگین حفظ دین و تبلیغ آن را به نسل‌های آینده به نحو احسن انجام دادند. و گفتنی است که اگر این گروه برگزیده نبود شریعت اسلام نیز مانند دین یهود و مسیحیت دستخوش تحریف می‌شد. حال اگر کسی در صلاحیت و صداقت صحابه ایراد وارد کند در واقع به کتاب و سنتی که به وسیله ایشان به ما رسیده است طعن وارد کرده است. از جانب دیگر، آیات و احادیث زیادی در فضیلت صحابه وارد شده است که دوست داشتن و دفاع از آنها، و دشمنی با کسانی که به ایشان توهین می‌کنند را بر ما واجب می‌کند.

بنابراین ما صحابه را دوست داریم برای اینکه:

۱- خداوند تعالی از ایشان راضی گشته است، چنان که می‌فرماید:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ ﴿۸۸﴾ [الفتح:

۱۸]. «خداوند از مؤمنان - هنگامی که در زیر آن درخت (بیعه‌الرضوان که در حدیبیه انجام گرفت) با تو بیعت کردند - راضی و خشنود شد؛ خدا آنچه را در درون دل‌هایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می‌دانست؛ از این رو آرامش را بر دل‌هایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی (یعنی فتح خیبر) بعنوان پاداش نصیب آن‌ها فرمود».

۲- برای اینکه خداوند تعالی به صفت ایمان از صحابه یاد کرده است،

چنانکه فرموده است: ﴿هُوَ الَّذِي آيَدَكَ بِبَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأنفال: ۶۲]. «خداوند است که تو را، با یاری خود و مؤمنان، تقویت کرد».

۳- صحابه را دوست داریم زیرا خداوند آن‌ها را تایید کرده و آن‌ها را

رستگار خوانده و به ایشان وعده بهشت داده است، در این باره

می‌فرماید: ﴿لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيَّتِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ ﴿۸۸﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ

الْعَظِيمُ ﴿۸۹﴾ [التوبة: ۸۸-۸۹]. «ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و جان‌هایشان جهاد کردند؛ و همه نیکی‌ها برای آنهاست؛ و آن‌ها همان رستگاراند! خداوند برای آن‌ها باغهایی از بهشت فراهم ساخته که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند بود؛ و این است رستگاری (و پیروزی) بزرگ!».

۴- صحابه را دوست داریم زیرا خداوند درباره آن‌ها فرموده است: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰]. «شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند».

این عباس رضی الله عنه در تفسیر این آیه می‌گوید: منظور کسانی هستند که با محمد صلی الله علیه و آله و سلم هجرت کردند.

۵- صحابه را دوست داریم زیرا خداوند تبارک و تعالی نیز آن‌ها را دوست دارد، آنچنانکه فرموده است: ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ [المائدة: ۵۴] «خداوند به زودی قومی را به وجود می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آن‌ها نیز خداوند را دوست دارند». حسن بصری می‌گوید: قسم به خدا که این آیه در باره مردم حروراء^۱ نازل نشده است بلکه درباره ابوبکر و عمر و یارانشان نازل شده است.

۶- صحابه را دوست داریم زیرا که خداوند از آن‌ها با صفت ایمان یاد کرده است، در این باره می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آءَاوَأَ وَنَصَرُوا أَوْلِيَّكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [الأنفال: ۷۴]. «و آن‌ها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و آن‌ها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی‌اند؛ برای آنها، آمرزش (و رحمت خدا) و روزی شایسته‌ای است».

آن‌ها را دوست داریم چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محبتشان را نشانه ایمان، و بغضشان را نشانه نفاق دانسته است، «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم قَالَ: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ».

۱- حروراء نام منطقه‌ای در عراق است که خوارج در آن ساکن بودند.

(بخاری: ۳۳). «از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «نشانه منافق، سه چیز است: اول اینکه در صحبت‌های خود، دروغ می‌گوید. دوم اینکه خلاف وعده، عمل می‌کند. سوم اینکه در امانت، خیانت می‌کند».

نشانه ایمان دوست داشتن انصار و نشانه منافق تنفر از انصار می‌باشد.

۷- صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ما را از بدگویی آن‌ها منع کرده است و فرموده‌اند: «إذا ذكر أصحابي فأمسكوا». (الطبرانی). هرگاه درباره‌ی صحابه من صحبت به میان آمد از بدگویی آن‌ها خودداری کنید.

۸- صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن‌ها را سبب امنیت امت اسلام دانسته است، در این باره فرموده‌اند: «النجوم أمانة للسماء، فإذا ذهب النجوم أتى السماء ما توعد، وأنا أمانة لأصحابي فإذا ذهب أتى أصحابي ما يوعدون، وأصحابي أمانة لأمتي، فإذا ذهب أصحابي أتى أمتي ما يوعدون». (مسلم). «ستاره‌ها سبب امنیت آسمان هستند پس هر گاه از بین بروند وعده‌ی (ناآرامی) آن فراخواهد رسید، و من سبب امنیت اصحابم هستم، پس هر گاه از دنیا رفتم وعده‌ی ناآرامی در آن‌ها فراخواهد رسید، و اصحابم سبب امنیت امتم هستند، پس هرگاه آن‌ها از دنیا رفتند وعده‌ی ناآرامی در امت من فراخواهد رسید».

۹- صحابه را دوست داریم برای اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن‌ها را بهترین مردم معرفی کرده است، چنانکه می‌فرماید: «خير أمتي القرن الذي بعثت فيه، ثم الذين يلونهم، ثم الذين يلونهم». (مسلم). «بهترین افراد امت من کسانی هستند که من در بین آن‌ها مبعوث شده‌ام (صحابه)، سپس کسانی که بعد از ایشان می‌آیند (تابعین)، و سپس کسانی که بعد از ایشان می‌آیند (تبع تابعین)».

۱۰- صحابه را دوست داریم زیرا که پیامبر ﷺ ما را از ناسزا گفتن به آن‌ها باز داشته است، و فرموده است: «لا تسبوا أصحابي، فوالذي نفسي بيده لو أن أحدكم أنفق مثل أحد ذهباً ما بلغ مدَّ أحدهم ولا نصيفه». (مسلم). «به اصحاب من ناسزا نگوئید، قسم به آن کسی که جان من در دست اوست (خداوند) اگر هر یک از شما به اندازه‌ی کوه احد طلا بخشش کند، نمی‌تواند به اندازه‌ی نصف کف دست، حسنات آن‌ها نیکی کرده باشد، چه برسد به اندازه یک کف دست».

۱۱- صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ﷺ کسی را که به آن‌ها ناسزا بگوید لعنت کرده است چنانکه می‌فرماید: «لعن الله من سب أصحابي». (الطبرانی). «خداوند لعنت کند کسی که به اصحاب من ناسزا بگوید».

۱۲- صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ﷺ فرموده‌اند که نصرت و گسترش دین توسط ایشان و یارانشان خواهد بود، و این چنین هم شد. ایشان در این باره فرموده‌اند: «يأتي على الناس زمان، يغزو فئام من الناس، فيقال: فيكم من صاحب رسول الله ﷺ؟ فيقولون: نعم، فيفتح لهم، ثم يأتي على الناس زمان، فيغزو فئام من الناس، فيقال لهم: فيكم من صاحب أصحاب رسول الله ﷺ؟ فيقولون: نعم، فيفتح لهم، ثم يأتي على الناس زمان، فيغزو فئام من الناس، فيقال لهم: هل فيكم من صاحب أصحاب رسول الله ﷺ؟ فيقولون: نعم، فيفتح لهم». (بخاری و مسلم). یعنی: «زمانی فرا می‌رسد که گروهی از مردم جهاد می‌کنند، از آن‌ها پرسیده می‌شود که آیا در بین شما کسی هست که همراهی رسول الله ﷺ کرده باشد،

می‌گویند بله، و بدینوسیله پیروز می‌شوند، سپس زمان دیگری فرا می‌رسد و گروهی از مردم جهاد می‌کنند، به آن‌ها گفته می‌شود: آیا در میان شما کسی که صحابه‌ی پیامبر را همراهی کرده باشد، می‌گویند: بله، آنگاه پیروز می‌شوند، سپس زمانی فرا می‌رسد که گروهی از مردم به جهاد می‌پردازند، از آن‌ها سوال می‌شود که آیا در بین شما کسی هست که همراهان صحابه را همراهی کرده باشد، می‌گویند: بله، پس پیروز می‌شوند».

۱۳- صحابه را دوست داریم چون آن‌ها وزیران پیامبر ﷺ و یاران ایشان بودند، پیامبر ﷺ در این باره می‌فرماید: «إن الله تبارك وتعالى اختارني، واختار لي أصحاباً، فجعل لي منهم وزراء وأنصاراً، وأصحاباً، فمن سبهم فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين، لا يقبل منه يوم القيامة صرف ولا عدل». (حاکم و آنرا صحیح دانسته است). یعنی «خداوند تبارک و تعالی مرا برگزید، و همچنین برای من یارانی برگزید، و برایم از بین این یاران وزیران و یاوران و خویشانی قرار داد، پس اگر کسی به آن‌ها ناسزا بگوید لعنت خداوند و ملائکه و تمامی مردم بر او باد، و در روز قیامت هیچگونه توبه و فدیهای از او قبول نمی‌شود».

۱۴- صحابه را دوست داریم زیرا دوست داشتنشان دلیل بر دوست داشتن پیامبر ﷺ می‌باشد، و نفرت از ایشان نیز دلیل بر نفرت از پیامبر ﷺ می‌باشد، رسول الله ﷺ در این باره می‌فرماید: «اللهم الله في أصحابي، لا تتخذوهم غرضاً بعدي، فمن أحبهم فبحبي أحبهم، ومن أبغضهم فببغضي أبغضهم، ومن آذاهم فقد آذاني، ومن آذاني فقد آذى الله، ومن آذى الله أوشك أن يأخذه». «شما را بخدا،

شما را بخدا، راجع به یاران (خدا را در نظر داشته باشید) آن‌ها را بعد از من هدف-انتقاد- خود قرار ندهید هرکس که آن‌ها را دوست داشته باشد، بخاطر دوستی من با آن‌ها دوستی می‌کند، و هر کس که بر آن‌ها بغض بورزد بخاطر دشمنی با من بر آن‌ها بغض می‌ورزد، و هر کس آن‌ها را اذیت کند، مرا اذیت کرده است، و کسی که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده است، و کسی که خدا را اذیت کند بزودی او را بسزایش می‌رساند». (أحمد و ترمذی و او آن را حسن دانسته است).

۱۵- صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ﷺ ننگه داشتن احترام ایشان و منزلتشان را نگهداری مکانت خود دانسته است، آنچنانکه می‌فرماید: «أحفظوني في أصحابي، ثم الذين يلونهم، ثم الذين يلونهم». (ابن ماجه، و آلبنانی آن را تصحیح کرده است). یعنی «منزلت مرا با ننگه داشتن حرمت اصحابم و کسانی که تا دو قرن بعد از ایشان می‌آیند حفظ کنید».

۱۶- صحابه را دوست داریم زیرا آن‌ها از اهل علم و فضیلت و اخلاق و راستگویی هستند، آنچنانکه پیامبر ﷺ در این باره می‌فرماید: «أرأف أمتي بأمتي أبوبكر، وأشدهم في دين الله عمر، وأصدقهم حياء عثمان، وأفضاهم علي، وأفرضهم زيد بن ثابت، وأقروهم أبي، وأعلمهم بالحلال والحرام معاذ بن جبل، ألا وإن لكل أمة أميناً، وأميين هذه الأمة أبو عبيدة بن الجراح». (حاکم). «مهربان‌ترین فرد امتم برای امتم ابوبکر است، و محکم‌ترینشان در امر دین عمر است، و باحیاط‌ترینشان عثمان و بهترینشان در قضاوت علی و داناترینشان در علم میراث زید بن ثابت و آگاه‌ترینشان به قرائت قرآن ابی بن کعب و عالم‌ترینشان در حلال و حرام معاذ بن جبل می‌باشد، و در هر امتی

امینی وجود دارد و امین امت من ابو عبیده بن الجراح است.».

ابن مسعود رضی الله عنه اینگونه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را توصیف می‌کند:

وقتی که خداوند به قلب بندگانش نظر افکند قلب محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بهترین قلب بندگانش یافت، آنگاه بود که او را برای خود برگزید و به پیامبری مبعوث کرد، سپس برای بار دیگر به قلب بندگانش نظر افکند و قلب اصحاب پیامبر رضی الله عنهم بهترین قلب‌های بندگانش یافت، آنگاه بود که آن‌ها را وزیران پیامبر رضی الله عنهم قرار داد تا در راه دینش جنگ کنند.

و همچنین می‌فرماید: هر کس که می‌خواهد از سنت پیروی کند به کسانی که فوت کرده‌اند اقتدا نماید، زیرا نمی‌دانی آن کسی که زنده است دچار فتنه می‌شود یا نه، و آن کسانی که از دنیا رفته‌اند اصحاب پیامبر رضی الله عنهم هستند، کسانی که از بین امت اسلام از همه در باور دینی‌شان قوی‌تر و عالم‌تر بودند و تکلفشان در دین از همه کم‌تر بود، قومی بودند که خداوند آن‌ها را برای همراهی پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم و برپا کردن دینش برگزید، قدر و منزلت آن‌ها را بدانید و به روش آن‌ها اقتدا کنید چرا که آن‌ها بر هدایت و راه راست بودند.

فرموده امام اهل سنت احمد بن حنبل: در باره‌ی صحابه:

و از جمله مسایل واضح و آشکار بیان کردن نیکی‌های تمامی اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد، و همچنین خویشتن داری از بازگو کردن اشتباهات و مخالفت‌هایی که در بین آن‌ها رخ داده است نیز از جمله همین مسایل می‌باشد، بنابراین اگر کسی به اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یا یکی از آن‌ها ناسزا بگوید، یا به آن‌ها توهین یا طعنه وارد کند، یا به ذکر معایب آن‌ها بپردازد و از آن‌ها یا یکی از آن‌ها عیب جویی کند، چنین شخصی مبتدع، رافضی، ناپاک، و مخالف اهل سنت است، و خداوند هیچ‌گونه توبه و فدیة‌ای را از او قبول نمی‌کند، و بر خلاف آن دوست داشتن صحابه سنت است، و دعا کردن

در حقشان از قربات می‌باشد، و اقتدا کردن به آن‌ها وسیله نجات، و در پیش گرفتن راه و روش آن‌ها فضیلت به حساب می‌آید. و صحابه پیامبر ﷺ بهترین مردم هستند، شایسته‌ی هیچ کس نیست که از آن‌ها بدگویی کند، یا اینکه به آن‌ها طعنه، عیب و توهین وارد نماید.

فرموده امام آجری: در باره‌ی صحابه:

و از جمله چیزهایی که خداوند توفیقش را داد که در کتابیم: (شریعه) به رشته تحریر در آورم فضایل رسول الله ﷺ می‌باشد، و بعد از آن به ذکر فضایل صحابه کرامش خواهم پرداخت، آن کسانی که خداوند آنان را برگزید و برای پیامبرش وزیر، خویشاوند، یاور و خلفای او برای امتش قرار داد، و آن‌ها مهاجرین و انصار هستند، خداوند از آن‌ها در قرآن به زیباترین اوصاف یاد کرده است، و همچنین در قرآن آمده است که خداوند از آن‌ها در تورات نیز به بهترین اوصاف یاد کرده است، و این فضل خداوند است، آن خداوندی که از فضل بسیار بزرگ و عظیمی برخوردار است و آن را به هر کس که بخواهد عطا می‌کند.

مهاجرین:

مهاجرین آن کسانی هستند که به خداوند و رسولش ﷺ ایمان آوردند، و با عملشان ایمانشان را ثابت کردند، با پیامبر ﷺ در تمام سختی‌ها ایستادگی کردند، ذلت و گشنگی در راه خدا را بر عزت و سیری در راه غیر خدا ترجیح دادند. در راه رضای خداوندی با خویش و ناخویش در افتادند، با پیامبر ﷺ هجرت کردند، و پدر و مادر و خانواده و قبیله و ثروت و دارایی خود را در این راه رها کردند، و با تنگدستی به مدینه آمدند، تمام این‌ها به سبب آن محبتی بود که به خداوند تبارک و تعالی و رسول گرامیش داشتند.

خداوند و رسولش از تمام کسان و چیزهایی که ذکر کردیم برایشان مهم‌تر بودند، و این به سبب ایمان راستین، عقل صحیح، نفس پاک، رای

درست، صبر شکيبا، و توفيق خداوند ﷺ بود، خداوند می فرماید: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [المجادلة: ۲۲] «خداوند از آن‌ها خشنود است و آن‌ها نیز از خداوند خشنودند، آن‌ها حزب الله‌اند، بدانید حزب‌الله پیروزان و رستگارانند».

انصار:

کسانی هستند که خداوند آنان را برای نصرت و یاری دینش و پیروی از پیامبرش برگزید، از وقتی که پیامبر ﷺ هنوز در مکه بود ایمان آوردند، با او بیعت کردند، و در بیعتشان با او صادق بودند، او را دوست داشتند و به یاریش برخاستند، و از آن نوری که بر او نازل شد پیروی کردند، به سبب محبتی که به پیامبر ﷺ داشتند از او خواستند تا با ایشان به مدینه بیاید، ولی پیامبر به ایشان فرمود که هنوز وقتش نرسیده، سپس آن مهاجرینی که در مکه با پیامبر ﷺ بیعت کرده بودند به شهر خود مدینه بازگشتند و خبر ایمان خود را به پیامبر برای برادران خود بازگو کردند، پس آن‌ها نیز ایمان آوردند و در این راه استوار ماندند.

وقتی که پیامبر ﷺ به سوی ایشان هجرت فرمودند بسیار خوشحال شدند و مقدمشان را گرمی داشتند و با آغوش باز از او استقبال کردند، و او را اکرام و تعظیم نمودند، و دانستند که این هجرت مبارک نعمتی بزرگ از جانب خداوند برای آن‌ها می‌باشد.

سپس بقیه مهاجرین از مکه آمدند، انصار از هجرت آن‌ها نیز بسیار خوشحال شدند، به نحو احسن به آن‌ها نیکی کردند، خانه‌های خود را بین همدیگر تقسیم کردند، آن‌ها را بر زن و بچه‌ی خود ترجیح دادند، بسیار آن‌ها را دوست داشتند، و بعد از اینکه با هم دشمنی و عداوت داشتند به توفیق خداوند قلب‌هایشان با هم انس گرفت و در راه او با هم برادر شدند.

خداوند در وصف صحابه می‌فرماید: ﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾ [۶۳-۶۲]. «و اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا برای تو کافی است؛ او همان کسی است که تو را، با یاری خود و مؤمنان، تقویت کرد و دل‌های آن‌ها را با هم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می‌کردی که میان دل‌های آنان الفت دهی، نمی‌توانستی! ولی خداوند در میان آن‌ها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است!».

و در جای دیگر نیز می‌فرماید: ﴿وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا﴾ [آل عمران: ۱۰۳]. «و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد.».

پس همه صحابه از مهاجرین و انصار با هم بر محبت خداوند ﷺ و رسول گرامیش ﷺ، و بر همکاری و همدلی برای یاری دین پیامبر ﷺ و اجرا کردن دستورات ایشان در هر حالت خوش و ناخوشی متفق شدند، و از هیچ کس در این راه واژه‌ای نداشتند.

به همین سبب خداوند از مهاجرین و انصار در قرآن بیش از چند بار با بهترین اوصاف یاد کرده است، و به همه‌ی آن‌ها وعده بهشت برین را داده است، آن بهشتی که در آن جاویدان هستند، و فرموده است که او از صحابه و آن‌ها نیز از خداوند خشنود گشته‌اند: ﴿أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [المجادلة: ۲۲] «آن‌ها حزب الله‌اند، بدانید حزب‌الله پیروزان و رستگاراند.».

فرموده امام ذهبی رحمته الله علیه در باره‌ی صحابه:

کسی می‌تواند فضایل صحابه را بداند که زندگی و تعاملشان را در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از وفات ایشان مورد بررسی قرار دهد، آنانی که با هم در ایمان آوردن، جنگیدن با کفار، نشر دین، برپا کردن امور دین، بالا بردن شان دستور خداوند و پیامبرش، یاد آموزی فریضه‌ها و سنت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به دیگران، در تمام این امور از هم پیشی می‌گرفتند، و اگر صحابه نبودند به هیچ وجه نه اصل و نه فرعی از دین الهی به ما نمی‌رسید، و به هیچ وجه از اخبار و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله با خبر نمی‌شدیم. بنابراین اگر کسی به آن‌ها طعنه بزند، یا به آن‌ها ناسزا بگوید، به کلی از دین اسلام خارج می‌شود، زیرا طعنه زدن به صحابه مبنی بر اعتقاد داشتن به نادرستی آن‌ها می‌باشد، و دلالت بر حقد آن‌ها بر صحابه می‌دهد، و باعث انکار و رد آن اوصافی می‌شود که خداوند در قرآن کریم و رسول الله صلی الله علیه و آله در سنت پاکش از آن یاد کرده‌اند.

و همچنین صحابه بهترین اسباب رسیدن به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، و اگر کسی به اسباب طعن وارد کند در حقیقت طعن بر اصل (پیامبر صلی الله علیه و آله) وارد کرده است، و توهین به ناقل نصوص شریعت، در حقیقت توهین به خود نصوص می‌باشد، و این مساله برای هر کسی که اهل تدبیر باشد، و از نفاق و کفر و الحاد در عقیده‌اش به دور باشد قابل درک است. (الکبائر ص ۲۷۴).

فضیل بن عیاض: می‌گوید: محبت صحابه ذخیره‌ای برای آخرت است، خدا رحمت کند کسی را که بر صحابه محمد صلی الله علیه و آله رحمت بفرستد.

و عبدالله بن المبارک: نیز می‌گوید: اگر در شخصی دو ویژگی وجود داشته باشد امیدوارم که از عذاب روز قیامت نجات یابد، راستگویی، و محبت اصحاب محمد صلی الله علیه و آله.

و ابوبکر بن الطیب نیز اشعاری در وصف بعضی از صحابه سروده است که این مضمون را در بر دارد: من به الگو بودن علی آنچنان معتقد هستم که به نجات ابوبکر از آتش جهنم معتقدم، و از عمر و همراهانش احساس رضایت دارم، و به هیچ وجه راضی نبودم که عثمان در خانه‌اش به قتل برسد، تمام صحابه در نزد من قدوه و بزرگ هستند، و آیا با چنین اعتقادی مورد ملامت قرار می‌گیرم؟! خدایا اگر می‌دانی که من آنها را فقط به خاطر رضا و خشنودی تو دوست دارم پس مرا از آتش جهنم نجات ده.